

از آرشیو تاریخ

۱- بریدن دم شیر

«حسین هیكل» نویسنده مشهور مصری سه اتفاق مهم را عامل اصلی افول امپراتوری استعماری انگلیس می‌داند: استقلال هند، ملی شدن کانال سوئز به رهبری جمال عبدالناصر و ملی شدن صنعت نفت ایران به همت دکتر محمد مصدق.

هیكل این سه واقعه را به بریدن دم شیر تعبیر می‌کند. نفت ایران در ادامه یک مبارزه ملی و ضداستعماری در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ملی شد.

کمیسون مخصوص نفت در هفدهم اسفند ماه سال ۱۳۲۹ مصر مصوبه‌ای به این شرح تصویب کرد: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان، پیشنهادی می‌نمایم که صنعت نفت ایران در تمام نقاط کشور بدون استثنا ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد»

همان کمیسون مصوبه خود را به مجلس ارائه کرد: «مجلس شورای ملی نظر به این که، ضمن پیشنهادات واصله به کمیسون نفت، پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور مورد قبول و توجه کمیسون قرار گرفته و از آنجایی که وقت کافی برای مطالعه در اطراف اجرای این اصل باقی نیست، کمیسون مخصوص نفت از مجلس شورای ملی تقاضای دو ماه تمدید می‌نماید. بنابراین ماده واحده ذیل را بقید دو فوریت برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی می‌نماید: ماده واحده-مجلس شورای ملی تصمیم مورخ ۲۹/۱۲/۲۹ کمیسون مخصوص نفت را تأیید و به تمدید مدت موافقت می‌نماید.

تصوره یک – کمیسون نفت مجاز است از کارشناسان داخلی و خارجی در صورت لزوم دعوت نماید و مورد استفاده قرار دهد.
تصوره دو- آقایان نمایندگان حق دارند تا پانزده روز بعد از تشکیل کمیسیون حق حضور داشته باشند»
مجلس شورای ملی در ۲۴ اسفند ۱۳۲۹ به اتفاق آرا پیشنهاد کمیسون مخصوص نفت را تصویب کرد و عین همان ماده واحده و تصره‌های آن در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب مجلس سنا رسید.

در مجلسین ایران به غیر از معدود نمایندگان مردمی، مابقی از ترس افکار عمومی و وجود هیجان‌های ملی معطوف به یک مبارزه عمیق مردمی و ضداستعماری، این پیشنهاد را

تصویب کردند.

رادیولندن این گونه به استقبال این مصوبه رفت: «امروز پارلمان ایران پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را در سراسر کشور تصویب کرد.

این پیشنهاد را عده معدودی از مرجعین و ثروتمندان و همچنین یک عده ملی‌های متعصب که در رأس آنها سیدابوالقاسم کاشانی قرار گرفته پشتیبانی می‌کنند... اصلاً معلوم نشد فکر ملی کردن نفت چطور به خاطرها آمد. فقط چند نفر منفی‌یاف که عده‌ای از جوانان ساده‌لوح از آنها پیروی می‌کردند، فریاد می‌کردند، نفت ایرانی برای ایرانی»
۲۹ اسفند ۱۳۲۹ نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملی ایرانیان علیه استعمار خارجی شد. در این روز از مجلسین ایران قانونی گذشت که بساط استعمار انگلیس را برچید.

۲- یک مرد اشرافی

رهبری این مبارزه را مردی به نام دکتر محمد مصدق در دست داشت.

از نگاه طالقانی می‌توان بی‌غرضانه مصدق را شناخت: «شخص دکتر مصدق که بود؟ دکتر مصدق مردی بود تحصیل کرده، بگيرد و راهش را بیابد و پیش برود».

همان‌طور که قرآن در باره موسی بیان می‌کند «فالتقطعه و آل فرعون لیكون لهم عدواً و حزناً» همان‌طوری که می‌گوید «یا موسی و اصطنتک لنفسی» ترا درست کردم، ساختم که یک روزی به درد من بخوری، به راه من، مشیت من، دکتر مصدق مثل بسیاری از رهبران اجتماع در درون طبقه اشراف بود.

پوکی آنان را از نزدیکی می‌دید، ساخت و سازهای دربارها را از نزدیک مشاهده می‌کرد، و همه این‌ها را دید، آن رعب، آن مقهوریتی که مردم از چنین قدرت‌ها دارند در نظر او کاهش یافت و از بین رفت. پوکی و پوچی قدرت‌های ظاهری را همان‌طور که موسی در درون دربار فرعون (این مرد خودخواه مغرور) پوکی ضعیفی که ادعای «انا ربکم الاعلی» می‌زد و ملتی را به اسارت و بردگی کشیده بود، او هم از نزدیک دید و شناخت و شناخت او توسعه‌پیدا کرد، انقلابی شد، به درد مردم رسید و از نزدیک دید که مردم مقهور و منکوب و ذلیل چگونه مردمی هستند، مردمی که جز شهوت، جز هوس، جز هوی، جز خودخواهی اطراف خود را نمی‌بیند.

مصدق در درک شرایط ملی و بین‌المللی بدین گونه بود: «... آن روز چه مردمی بودند که عاقبت چنین حکومت و سلطنتی را اززیایی کنند؟ عده‌ای محدود، امنیت و ثبات کشور، به عنوان سرکوبی اشرار از او حمایت می‌کردند.

عده‌ای می‌فهمیدند. ولی جرأت مقاومت نداشتند. در آن دوران که دو قدرت بزرگ روس و انگلستان، هر دو در کشور ما راه نفوذ و پایگاه‌ها و استفاده‌ها را می‌جستند. هیأت حاکم عده‌ای طرفدار روس و عده‌ای طرفدار انگلیس بودند. دراین بین آن حتی که ملحوظ نمی‌شد و آن چهره‌ای که به چشم نمی‌آمد، ملت ایران بود. دکتر مصدق با همکاری

مرحوم مدرس این راه را باز کرد و این روش را نشان داد که نه روس و نه انگلیسی، بلکه ملت. این ملت است که باید سرنوشتش را به دست بگیرد و راهش را بیابد و پیش برود».

فلسفه رهبری نهضت ملی شدن نفت از سوی دکتر مصدق معطوف به اعتقاد وی به حاکمیت ملی، استقلال و عدم مداخله بیگانگان در امور ایران بود. برای مصدق نیگاه، بیگاه بود و جنوبی و شمالی آن تفاوتی نمی‌کرد.

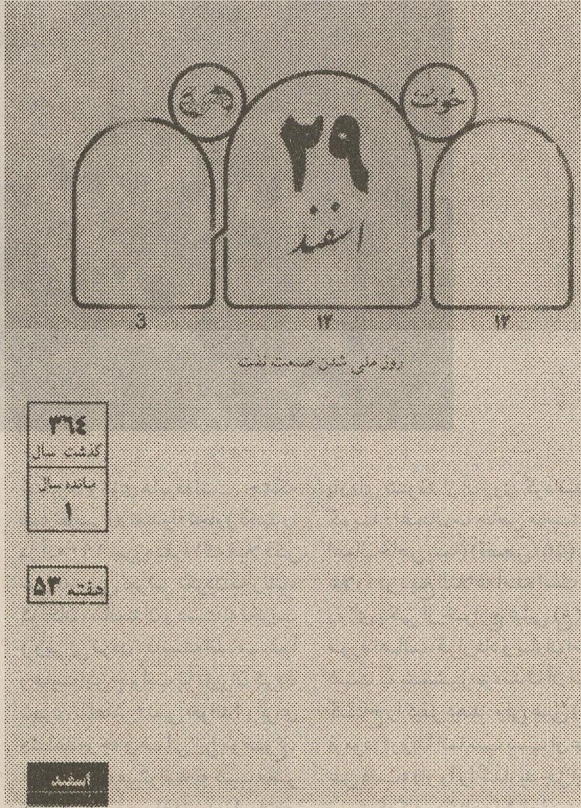
۳- نفت ملی شد

از زمان عهدنامه دارسی، نفت ایران در انحصار انگلستان قرار گرفت و حوزه عمل و بهره‌برداری آن‌ها محدود به مناطق جنوبی کشور شد. در اثنای بحران آذربایجان پس از جنگ جهانی دوم، روس‌ها تخلیه آذربایجان را موکول به اخذ امتیاز نفت در صفحات شمالی کشور، کرده بودند. احمد قوام نخست‌وزیر وقت برای فریب روس‌ها وادار کردن آنها به خروج اجتماع از درون طبقه اشراف بود که قرارداد دادی، طی قرارداد یک کشور، ساختم که یک روزی به درد من بخوری، به راه من، مشیت من، دکتر مصدق مثل بسیاری از رهبران اجتماع از درون طبقه اشراف بود.

پیشنهاد مذکور از سوی مجلس ایران رد شد ولی حزب توده مدافع جدی این امتیازخواهی شوروی‌ها بود. دکتر مصدق از موضع میهن پرستی، دفاع حزب توده از شوروی‌ها را که شمال ایران به زعم این حزب، حوزه امنیت و نفوذ آنان بود، این گونه به انتقاد کشید: «... روزی برای من صحبت به منزل دکتر مصدق رفته بودیم... بحث می‌کردیم. در آنجا ضمن صحبت گفتم: آخر این موضوع بالاخره جزو حریم امنیت شوروی است. دکتر مصدق گفت: چه گفتی؟ حریم امنیت؟ دست کرد در جیبش یک قلم تراش در آورد بیرون. تیغه آن را باز کرد و به من

گفت: تو جای پسر من هستی. اگر یک دفعه دیگر این کلمه حریم از دهنت بیرون بیاید این زبانت را می‌برم. گفتم: چطور؟ گفت: یعنی چه آقا! پس شمال حریم امنیت روس‌هاست و جنوب هم حریم امنیت انگلیس‌ها، غریبش هم نمی‌دانم مال کجا، پس ما چه کاره ایم؟ بله! حریم امنیت ایران کجاست؟ مال ما کجاست آخر؟ گفت: این حرف‌ها چیست که درآورده‌اید؟ این حرف‌ها را نزدیک آقا! خوب نیست. شما مملکت را حفظ کنید... ۲۲۰۰ قید عبارت و در تمام نقاط کشور بدون استثنا در مصوبه کمیسون مخصوصاً نفت در عین آن که به ملی کردن نفت در جنوب

داخل را این گونه شرح می‌دهد: «در روز ۲۸ مرداد عده‌ای از اوباش و عناصر هرزه و بدنام در حالی که لباس‌های زنانه و مسخره به تن کرده بودند، با ساز و دهل و رقص و آواز از جنوب تهران به طرف شمال حرکت کردند. شبان‌بی‌مخ‌هم در میان این جمعیت بود. مشت‌ی و لگزد و بی‌کارت هم که این صحنه را می‌دیدند، از سر کنجکاوی به آنان پیوستند... اوباش کم‌کم شروع به سردادن شعار کردند و تنیس به شعارهای خود رنگ سیاسی دادند... از طرفی کردتایبان که چندی قبل مبلغ قابل توجهی دلار برای اجرای نیات شومشان وارد ایران کرده بودند... در این حین دلارها را به وسط جمعیت آورد و



به هر کس که می‌گفت «مرده باد مصدق»، «زنده باد شاه» مشت‌ی دلار می‌دادند...»

۵- ادعا علیه مصدق

آنانی که مصدق را سرنگون کردند، باید برای محو نام و یاد و نهضت وی از حافظه تاریخی ملت ایران، تمهیدی می‌اندیشیدند... من به مخالفان اصیل جسارت نمی‌کنم. یک عده جوانان نایخته هم آلت دست شدند. همه شعارها پشت سر شعار، چه شعارهایی؟! مصدق را متهم کردند بر ظر فار آمریکا- که سرانجام توانسته بودند سیاست مشترکی در پیش گیرند - و بعد از مطرح کردن قضیه با دوستم «کرمیت روز ولت» (مأمور ویژه سازمان سیا) تصمیم گرفتم رأساً وارد عمل شوم.

یک استاد دانشگاه آمریکایی نیز، ترکیب پیاده نظام کودتا در

یاد آن روز...

کسی نیست و نهم اسفند ماه را فراموش نمی‌کند

محمدرضا اکبرآبادی

بود؟...

شاه‌ادعای جالب‌تری علیه مصدق دارد: «مصدق مطمئناً یک موجود کاملاً عقلانی به حساب نمی‌آمد. چرا که در سیاست به هر حال نمی‌توانست از احساسات برکنار باشد و من هم سرانجام به این نتیجه رسیدم که در پشت نقاب این ملی‌گرای جان‌سخت، مردی مخفی شده که ارتباط‌های بسیار نزدیکی با انگلیسی‌ها دارد.»

برخی نیز به دنبال آن بودند تا با تکفیر مصدق وی را در جامعه‌ای که به شدت مذهبی است، از اعتبار بیندازند: «یکی از مضمون‌هایی که دادستان ارتش در حملات شخصی و سیاسی خود علیه مصدق از آن بارها استفاده کرد، این بود که مصدق اعتقادات مذهبی ندارد و

چهل سال قبل در رساله‌ی دکتری خویش (در مورد وصیت و شهادت دو حقوق اسلامی) جملات کفرآمیزی بر زبان قلم جاری کرده است. در سال ۱۲۹۶ هنگامی که مصدق معاون وزارت دارایی بود و مبارزه علیه عاملان پرنفوذ و سرشناس فساد در آن وزارتخانه را با حرارت دنبال می‌کرد، مخالفانش با تعبیر و تفسیر نادرست از یکی از عبارات رساله دکتری مصدق، وی را به ارتداد و کفر متهم کرده بودند. دادستان ارتش [که خودش از این چیزها سر در نمی‌آورد] از مشاوره و کمک بی‌دریغ و دولتمردان محافظه‌کار نظیر سناتور ابراهیم خواجه نوری و علی دشتی استفاده می‌کرد و آنان اطلاعاتی در مورد کفر ادعایی مصدق در اختیار دادستان ارتش قرار می‌دادند.»

وی آیت‌الله طالقانی که بنیانگذار جمهوری اسلامی وی را «ابوفر» تشبیه کردند به این اتهام علیه مصدق این گونه پاسخ

می‌دهد: «دکتر مصدق با همه دشمنانی که داشت، دشمنانی از همه به نوع داشت) در این سیر که سرمایه‌ی ملت است، در این مسیر ۵۰ سال ۶۰ سال مبارزه تاریخش با این که در طبقه بالای کشور بود، ذره‌بین که در زندگی او نقطه ضعف پیدا کند که این مرد، جایی سوءاستفاده کرده؟ جایی کار بی‌پندوباری کرده، دچار فحشا بوده، ساخت و سازی با کسی داشته؟ با همه ذره‌بین‌هایی که گذاشتند، نتوانستند [عیبی پیدا کنند] فقط بعضی که می‌دانستیم چگونه عصرهایی هستند، گفتند او آدم بی‌دینی بود.

همین دکتر مصدق که سر تا پایش توحید بود و وصیت‌نامه او که به نماز به روزه به حج اشاره داشت شاهد این بود که مرد چقدر ایمان داشت، متهمش کردند او بی‌دین

است. عقیده به خدا و پیغمبر و رسالت ندارد. توانستند نقطه ضعفی را در او پیدا کنند. این مهم‌ترین موضوع است والا از همانجا شروع می‌کردند.»

مصدق در دهه سی شمسی هدف اصلی تمام دشمنان ایران بود: «نام دکتر مصدق... برای دشمنان ما، دشمنان داخلی و خارجی، استعمار خارجی و عوامل استعمار داخلی و وحشت‌آور و نگرانی‌آور است... قبر او مزار او، نام او، همه اینها برای دشمنان ملت وحشت‌انگیز بود.»

۶- گناه بزرگ

ولی اتهام اصلی مصدق را باید از زبان صریح خود او شنید: «آری تنها گناه من، گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم‌ترین امپراتوری‌های جهان را از این مملکت برچیده‌ام. به قیمت از بین رفتن خود و خانواده‌ام و به قیمت جان و عرض و مالم. خداوند مرا توفیق عطا فرمود تا با همت و اراده مردم آزاده این مملکت، بساز این دستگاه وحشت‌انگیز را درنوردم ...»

به همین علت است که مصدق به عنوان یک تفکر در تاریخ ایران ماندگار خواهد بود: «دکتر مصدق، نام او، راه و روش او مجموعه‌ای است از مبارزه بیش از نیم قرن ملت ایران. دکتر مصدق در پی نهضت‌های پیش از خود و ادامه نهضت‌های پس از وفاتش حلقه‌ای و واسطه‌ای بود برای ادامه نهضت مردم ایران علیه ظلم و استبداد و استعمار و استثمار. این نام... همیشه مورد توجه مردم ایران و دنیا آزاد و آزادیخواه بوده است و خواهد بود.»

۷- بازگشت انگلیس

نتایج کوتای ۲۸ مرداد برای کودتایان، درهم کوبیدن نهضتی بود که بساط استعمار را در ایران برچید و اولین اولویت آنان بازگرداندن امپریالیسم انگلستان به ایران بود: «دولتین ایران و انگلیس تصمیم گرفته‌اند روابط سیاسی را برقرار سازند و هر یک به زودی سفیر به کشور دیگر اعزام دارند

سپس در نزدیک‌ترین موقعی که مورد موافقت طرفین باشد، در باب حل اختلافات مربوط به نفت، که اخیراً موجب تیرگی روابط بین آنها شده بود شروع به مذاکره کنند و به این طریق دوستی دیرینه خود را تحکیم سازند. دولتین اطمینان دارند که با حسن نیت به راه حلی می‌توان رسید که آمال و آرزوهای مردم ایران در خصوص منابع طبیعی کشور خود را محفوظ دارند و

شرافت و مصالح و منافع طرفین براساس عدل و انصاف تأمین شود. اما دست آوردهای دیگری نیز نصیب کودتاییان و دوستان آنان شد: «با شکست نهضت ملی و پیروزی کودتای امپریالیستی اقدامات مهم و فوری برای ترمیم ضرباتی که در دوران ملی کردن صنعت نفت به موانع امپریالیسم و ارتجاع وارد شده بود، به عمل آمد. روابط قطع شده با انگلیس از طرف دولت زاهدی تجدید شد، مذاکرات برای تشکیل کنسرسیوم نفت یا اتحاد چهار دولت امپریالیستی و آمریکا، انگلیس، فرانسه و هلند برای غارت نفت ایران انجام گرفت. مصدق محاکمه شد، دکتر فاطمی وزیر خارجه؟ او تیرباران شد، برخی از هواداران حزب توده محکوم شدند، عده کثیری از افسران توده‌ای اعدام شدند. پیمان بغداد در دوران نخست‌وزیری علاءمغدد گردید، آیت‌الله کاشانی که علیه اعتقاد کنسرسیوم اعلامیه شدیداللحن داد به جرم «تحریض مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت» در سن هشتاد سالگی بازداشت شد، فدائیان اسلام اعدام شدند. در زمان

نهضت نخست‌وزیری منوچهر اقبال سازمان امنیت جنایتکار به دست تیمور بختیار تشکیل شد و نفوذ وسیع سرمایه‌های کشورهای مستکبر در ایران گسترش بی‌سابقه یافت.»

۸- انقلاب

امام خمینی با رهبری انقلابی بزرگ، بساط حکومت کودتا را برچید، شعارهای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، ترجمان مبارزه ملی با دخالت بیگانگان، استبداد و اختناق داخلی در جهت تحقق مردم‌سالاری بودند. شورای انقلاب، ۲۹ اسفند سالروز ملی شدن صنعت نفت را تعطیل عمومی اعلام کرد.

۹- تلگراف

نیک براون اولین سفیر انگلستان بعد از پیروزی انقلاب در ایران به وزارت خارجه تلگراف زد که مجلس ایران در تاریخ ۲۵ مرداد ۷۸ تعطیل بیست و نهم اسفند را لغو کرد.

۱۰- حافظه

نیک براون باید به زودی تلگرافی اصلاحی به این مضمون به وزارت خارجه دربار ملکه الیزابت مخابره کرد: «پارلمان ایران با لغو مصوبه روز ۲۵ مردادماه ۷۸ مجدداً بیست و نهم اسفند، روز ملی شدن صنعت نفت را تعطیل عمومی اعلام کرد. یاد این روز در حافظه ملی ایرانیان به یادگار می‌ماند. تاریخ... امضای نیک براون.

مجید محمدی

علت اگر به سیر تحول انواع شاخصها در جوامع انسانی نگاه کنیم با افت وخیزها و حتی تغییرات ناگهانی در آنها مواجه می‌شویم. همان‌طور که جهان، غیر خطی است، سیر تحول شاخصهای جوامع نیز منحنی‌های غیر خطی و غیر پیوسته را نشان می‌دهد.

ج: ممکن - تحولات اجتماعی در مسیری که موردنظر «ما» (هر «ما»یی که خواهان تحول باشد) است بالقبروره واقع نمی‌شوند. تاریخ مسیر مشخصی ندارد که جبراً او از پیش معین شده باشد. هر تحولی «ممکن» است و بدین لحاظ می‌توان برای رخداد نوع خاصی از تغییر تلاش کرد. تغییر اجتماعی را نمی‌توان همانند قبولی کنکور تضمین کرد... به بیان دیگر در جامعه در سطح کلان آن شرکت بیمه‌ای وجود ندارد که اگر چیزی به دلخواه پیش نرفت مخاطرات را جبران کند. همه این تضمینها و جبران‌ها در سطوح خرد و کوچک قابل انجام هستند چون تضمین‌کننده‌ها و جبران‌کننده‌ها ما خود بخشی از بازی هستند نه بیرون از آن.

بدین ترتیب اصلاحات به هر طرفی که متوجه شده باشند و با هر موونه‌ای که به سراغ آنها رفته باشیم، به هر روشی تمسک کرده باشیم و هر چه قدر که به مخاطرات و مشکلات و مقذورات توجه شده باشد ممکن الوقع هستند و نه ضروری الوقع.

با توجه به سه مشخصه مذکور، خواست با انتظار اصلاحات یکباره و سریع، پیوسته و حتمی الوقع در شرایط امروز ایران اولاً خواستی غیر واقع بینانه و ثانیاً خواستی مخاطره‌آمیز است، دلایل غیرواقع بینانه بودن آن ذکر شد. اما به چند دلیل مخاطره‌آمیز نیز هست. اول آنکه چنین خواست بناگزیبر خشونت زاست چون بدون خشونت نمی‌توان همه موانع را کنار زد که نقض غرض است و اصلاحات را از چرخه تدریجی، آرام و بهداشتی آن خارج می‌کند. ثانیاً اقتدار حاکمیت و منافع و امنیت ملی را ممکن است به خطر بیندازد که لازمه و پشتوانه هر نوع اصلاح هستند. ثالثاً افراد را از طرق عادی و موثر تغییر مثل اطلاع‌رسانی، آموزش، فعالیتهای جمعی و گردن گذاشتن به قانون غافل می‌سازد و رابعاً رافع مسئولیت افراد در قبال اعمال و حرکات آنهاست که برای هر جامعه‌ای مخاطره‌آمیز است.

دهد. برخی سازوکارها و ساختها ممکن است احتمال وقوع رخدادهای اجتماعی را کاهش دهند اما آن را به صفر نمی‌توانند برسانند.

انسان به تنهای دارای قوه اختیار است و به نحو جمعی نیز می‌تواند خرد جمعی را به کار بیندازد اما این خلاقیت فردی و خرد جمعی در حدی نیست که بتواند پیوستگی یک تحول اجتماعی را تضمین کند. به همین

عوامل طبیعی مثل زلزله، سیل، آتش‌فشان، جابه‌جایی زمین، خشکسالی و مانند آنها می‌توانند هر تحول برنامه‌ریزی شده‌ای را دچار وقفه کنند. رخدادهای اجتماعی نیز مانند شورش، آدم‌ربایی، کشتار جمعی، انقلاب، کودتا و مانند آنها همواره قابل پیش‌بینی نیستند چون علوم اجتماعی توانسته است صورت‌بندیهای تک‌عاملی از آنها به دست

بایکوت

محمد رهبر گزارش کمیته تحقیق کوی دانشگاه عبارتی داشت که حال ضرب المثلی شده است، ترجیح بندن آن گزارش «بدون ذکر نام»هایی بود که مثل میخ در مخ شتونده فرومی رفت و این سوال آزاددهنده را مطرح می کرد که این نامها را چه سری است که نباید اسرازش را هویدا کرد و این گمان را استوار می کرد که نکند، این نامها را از بس که آشناست نباید گفت. اکنون که چند صباحی از انتشار آن گزارش گذشته است می توان دریافت وظیفه ای که برعهده آن ۳۲ صفحه گذاشته شده بود، تنها اثبات وجود گروه فشار بود و وصف شکل و شمایل و اینکه از چه نژاد و قبیله ای هستند و از کجا می آیند و به کجا می شوند و رد و قبول چه کسی برای ایشان ملاک دوست و دشمن است بر عهده دیگر مسئولان است.

وزیر اطلاعات که آمدنش با رفتن سیدع امامی مقارن بود از اولین هایی است که تصویری از گروه فشار پس از چندین سال خوندنمایی ایشان ارائه می دهد. یونسی می گوید: «اعضای گروه فشار آدم های تند و خودسری هستند... آنان همیشه کار را خراب کرده اند... چه بسا افرادی در وزارت اطلاعات، دستگاه قضائی، نیروی انتظامی و نهادهای که از اینها حمایت می کنند،

گرچه سخنان غیرمتربیه وزیراطلاعات مورد اعتراض اقلیتی قرار گرفت و حتی یکی از روزنامه های عصر ، که معمولاً از ابراز چنین سخنانی ، خیلی زود به خشم می آید، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران را با منوچهر اقبال، مدیرعامل شرکت ملی نفت در دولت شاهنشاهی مقایسه کرد ، اما این باعث نشد که چهره نگاری گروه فشار پرده ای دیگر نداشته باشد. محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت گفته های یونسی را ادامه داد و گفت: «گروه های فشار ممکن است مذهبی و جبهه ای باشند اما همه گروه های فشار از شبکه های جبهه تشکیل نشده اند».

رضایی نکته ای دیگر را هم ابراز کرد و آن این که گروه فشار در دو بخش علنی و غیر علنی فعالیت می کنند. بخش علنی مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهند و بخش غیر علنی دولت را تحت فشار قرار می دهند. دانستن آن حرف ناکفته فرمانده سابق سپاه که ابراز این گروه ها برای فشار به دولت چیست؟ چندان دشوار نیست ، اگر با دقت مذاکرات رؤسای قوه مجریه و قوه قضائیه را از نظر بگذرانیم.

سیدمحمود هاشمی شاهرودی که در این مدت اندک از تصدی خود بر قوه قضائیه به یکی از صمیمی ترین دوستان رئیس جمهور مدبل شده است در دیداری که می تواند پاسخ آن دیدار غیر منظره ریاست جمهوری با وی در آغازین روز ریاستش باشد، پیشنهادی به رئیس جمهوری داد که سخت مورد توجه خاتمی قرار گرفت و آن ایجاد کمیته ای مشترک که برای حفظ امنیت اقتصادی بود. گویا شاهرودی در کت کرده است که دولت دست به گریبان با مشکلات عظیم اقتصادی است و تا امنیت در سرمایه گذاری نباشد هیچ تدبیری را به جای نخواهد برد. با این حساب شاهرودی باید ورودروری گروه فشار قرار گیرد و شاید از این روست که در اقدامی یی سابقه در ده سال اخیر درهای قوه قضائیه را بر تمامی کارشناسان گشوده است و حتی از هنرمدان یاری خواسته است.

از آنجا که سیاست راهبردی دولت ، انجام اصلاحات است و نه حذف و برخورد چکشی ، انتظار می رود که برخورد با گروه فشار در یک روند تدریجی و قانونی به نتیجه برسد و نه تنها این گروه معو شود بلکه زمینه پیدایش آنان نیز از بین برود. آنچه را در این هفت روز رخ داده است می توان یک بایکوت دانست و این که مقام های عالی رتبه نظام با کشیدن تصویر گروه فشار بر بومی که تمامی ملت بر آن چشم دوخته اند هویت ایشان را در منظر افکار عمومی برمال می سازند، حال باید مواظب بود که دست های نامرئی این گروه بوم را نربایند.

رسول منتخب نیا در گفت وگو با نشاطبعید به نظر می رسد که گروه های فشار بدون حامی باشند

گروه داخلی - به دنبال سخنان اخیر وزیر اطلاعات مبنی بر پیگیری دقیق در زمینه شناسایی گروه های فشار در برخورد جدی با آنان، با رسول منتخب نیا عضو مجمع روحانیون مبارز گفت وگویی در مورد ماهیت و چگونگی برخورد با این گروه انجام دادیم که در پی می آید:

نشاط: گروه های فشار چه کسانی هستند؟
منتخب نیا: به اعتقاد من گروه های فشار دو دسته هستند: گروه فشار فکری و نظری و گروه فشار فیزیکی و علمی. گروه اول کسانی هستند که می خواهند افکار و اندیشه های خود را بر جامعه تحمیل کنند. آنان خود را اقم ملت می دانند، فکر می کنند باید به جای مردم تصمیم بگیرند و رای بدهند و انتظار دارند همه مردم از رای و نظر آنها تبعیت کنند و کورکورانه آنان باشند؛ می خواهند مردم بدون تأمل و دقت فکر و تصمیم آنها را هر چند که مخالف با فطرت، عقل و شرع و قانون باشند بپذیرند. یکی از ویژگی های این گروه این است به مجرد این که اندیشه مخالف پیدا می کنند سریعآ آن را به فکر، شرک و نفاق منجم و با چوب و چماق تکثیر می کنند. می خواهند مردم را وارد کت مثل خودشان ببندند.

نشاط: دسته دوم چه کسانی هستند؟
منتخب نیا: دسته دوم گروه فشار عملی هستند. آثانی که به دنبال اجرای مویات خود در جامعه هستند نه در سطح فکر کت تنها. اگر کمترین اقدامی برخلاف نظر آنها و مصالح بانئی و گروهی شان اتفاق بیفتد تلاش می کنند با تمام قدرت با آن مقابله کنند و تا آبرو و حیثیت مخالف خود را مخدوش نکنند آرام نمی نشینند و از حمله فیزیکی نیز کوتاهی نمی کنند و کار را به آنجا می رسانند که حتی به نماینده مقام رهبری در استان با توسل به زور و شت و لگد حمله می کنند و با استفاده از امکانات دفاعی بیت المال تجمعات قانونی دانشجویی را برهم می زنند.

نشاط: واکنش مسئولان نسبت به این گروه ها تا به حال چگونه بوده است؟
منتخب نیا: مسئولان کشور نظیر مقام معظم رهبری ، رئیس جمهور، وزیر کشور و وزیر اطلاعات عملاً با اعمال این گروه ها مخالفت کرده اند ولی متأسفانه این گروه ها هر روز در نقطه ای از نقاط کشور ظاهر می شوند.

نشاط: چه کسانی حامی این گروه ها هستند و اصلاً از کجا حمایت می شوند؟
منتخب نیا: آنچه مسلم است آنان نمی توانند بدون حامی و پشتیبان باشند. یک گروه با اعمال ضد قانون که روز به روز بر تجهیزات آنها افزوده می شود قطعاً پایگاه مهمی دارد ولی هنوز مشخص نشده است که حامی آنها کیست.

البته آقای یونسی وزیر محترم اطلاعات اعلام کرده اند که هیچ مقام و مسئولی از آنها حمایت نمی کند ولی بعید به نظر می رسد که بدون حامی و پشتیبان باشند.

نشاط: شما اشاره کردید که مسئولان کشور به نوعی مخالفت خود را با این گروه ها اعلام کرده اند. ولی چرا آنها همچنان فعال عمل می کنند و از قدرت آنها کاسته نشده است.

منتخب نیا: مهم نوع برخورد است. اگر برخورد فقط در لفظ باشد کارایی ندارد بلکه می باید برخورد عملی صورت گیرد، یعنی آتهایی که شناسایی شده اند بازداشت شوند چرا که با بازداشت برخی از آنان بسیاری از قضایا روشن خواهد شد و حتی مشخص می شود که از چه جاهایی تغذیه می شوند. آنان نیاز به برخورد قانونی محکم دارند در غیر این صورت اگر برخورد عملی صورت نگیرد، نتیجه ای حاصل نخواهد شد.

نشاط: یعنی به نظر شما صحبت های اخیر آقای یونسی در مورد گروه های فشار صرفاً یک نوع برخورد لفظی بوده است؟

منتخب نیا: صحبت ایشان در مقام لفظ خوب بود ولی لازم است که بشنوانه عملی نیز داشته باشد در غیر این صورت موجب جسور شدن گروه های فشار می شود. نشاط: اجازه بدهید در آخرین سوال موضوع را عوض کنم؛ ارزیابی شما از فراخوانی که رئیس قوه قضائیه از تمامی کارشناسان قضائی برای ساماندهی دستگاه قضائی کشور انجام داده است، چیست؟

منتخب نیا: این بستگی به این دارد که کارشناسان تا چه حد از این فراخوان حمایت کنند و قوه قضائیه نیز چقدر به برنامه ها و طرح های کارشناسان ترتیب اثر دهد. روی هم رفته اجرای این شعارهاست که مثبت و مبارک است.

ترک اعتیاد

توسط پزشک مجرب

بدون درد و علائم

بدون نیاز به استراحت

۴۳۳۷ - ۲۲۵ - ۰۹۱۱

داخلی

خاتمی: حضور آیت الله شاهرودی در عرصه قضائی منشأ برکات خواهد بود

حضور سیدمحمود هاشمی در شورای عالی انقلاب فرهنگی ابراز خشنودی کرد و به وی خیرمقدم گفت.

رئیس جمهوری افزود: «حضور شاداب و اندیشمند و

در یکی از شعب سازمان قضائی نیروهای مسلح

رسیدگی به پرونده شکایت از عوامل نیروی انتظامی در حادثه کوی دانشگاه آغاز شد

در محل حضور داشته اند جهت انجام تحقیقات احضار شده و از مراجع ذریبط از قبیل دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، نیروی انتظامی، وزارت کشور و وزارت اطلاعات استعلام هایی به عمل آمده است که پیگیری جهت ارسال پاسخ و دلایل و مدارک از سوی این مراجع ادامه دارد.»

در اطلاعیه سازمان قضائی نیروهای مسلح همچنین اضافه شده است: «تاکنون ۱۵ نفر از دانشجویان مجروح در این مرجع اقدام به طرح شکایت کرده اند که جهت تعیین جراحت وارده به پزشکی قانونی معرفی شده اند و اقدامات قانونی برای رسیدگی به سایر شکایات واصله به عمل آمده است». در این اطلاعیه تأکید شده است: «تکمیل تحقیقات با سرعت و دقت از سوی دادسرای نظامی تهران در حال انجام است و انشاءالله پرونده در اسرع وقت جهت محاکمه متخلفان و صدور حکم به دادگاه ارسال خواهد شد.»

یک مقام وزارت خارجه

احتمال برقراری رابطه ایران و آمریکا در آینده نزدیک وجود ندارد

منابع انرژی و موانع و مشکلات بر سر راه توسعه روابط هند و پاکستان نیز مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.»

وی در مورد تأثیر عامل سیدعباس عراقچی رئیس دفتر مطالعات سیاسی که برای شرکت در نشست «گفت وگوهای استراتژیک ایران و هند» به دلی نو سفر کرده بود، دیروز در گفت وگو با ایرنا اظهار داشت: «روابط تحولات در ایران پر داخت.»

وی با بحث درباره تلاش هایی که به منظور ایجاد جامعه ای مدنی و سازگار با ارزش های اسلامی صورت می گیرد به اصل تشنج زدایی و ترویج روابط صلح آمیز در بعد سیاست خارجی کشور اشاره کرد و افزود: «ایران در چارچوب سیاست تشنج زدایی خود حتی خواستار برقراری روابط دوستانه با آمریکا بر مبنای اصل مساوات است اما به نظر می رسد که احتمال برقراری چنین روابطی بین دو کشور در آینده نزدیک وجود ندارد.»

نشست «گفت وگوهای استراتژیک ایران و هند» روزهای یکشنبه و دوشنبه در دلی نو برگزار شد. این نشست که توسط مؤسسه مطالعات دفاعی و تحلیل هند برگزار شد با سخنرانی کی راگونات قائم مقام وزیر امورخارجه این کشور گشایش یافت.

بی.بی.سی: چگونگی برخورد با گروه های فشار
رادیو بی.بی.سی در گفتاری به بیان صادق صبا در مورد بیانیه اخیر وزارت اطلاعات گفت: «به دنبال سخنان چند روز پیش وزیر اطلاعات که گفته بود آن وزارتخانه در صدد نابودی گروه های فشار است، بحث چگونگی برخورد با این گروه ها به مهمترین موضوع سیاسی کشور تبدیل شده است. حجت الاسلام علی یونسی گفته بود که وزارت اطلاعات سیاست خود را بر حذف و نابودی تدریجی این تشکیلات گذاشته است. در اطلاعیه روز سه شنبه روابط عمومی وزارت اطلاعات نیز بار دیگر به گروه های فشار هشدار داده و تأکید شده است که با هر گو نه تحرکات غیرقانونی برخورد خواهد شد. ولی از سخنان وزیر اطلاعات و اطلاعیه این وزارتخانه دقیقاً معلوم نیست که چه سیاستی برای مقابله با گروه های فشار اتخاذ شده است. وزیر اطلاعات در سخنرانی خود تأکید کرده بود که این گروه ها از هیچ جای حکومت تغذیه نمی شوند و هیچ یک از جناح های موجود به طور رسمی از این گروه ها حمایت نمی کنند. البته او یادآور شده بود که ممکن است افرادی در نهادهای مختلف از این گروه ها پشتیبانی کنند. پرسش اصلی این است که اگر این گروه ها به جایی وابسته نیستند چرا در سال های اخیر با وجود اقدامات خشونت آمیز متعدد این گروه ها اقدامی علیه آنها صورت نگرفته است.»

خردشگر (بی.بی.سی) افزود: «در اطلاعیه روز سه شنبه ضمن تجلیل از خدمات بسیج تأکید شده است که اقدامات گروه های فشار ربطی به این تشکیلات ندارد.»

از اظهارات وزیر اطلاعات چنین برمی آید که دولت در صدد متزوی کردن گروه های فشار است و قصد دارد این گروه ها وارد فعالیت های قانونی شوند.» وی گفت: «اگر سیاست رسمی دولت آقای خاتمی این باشد که گروه های فشار دارای هویت علنی شوند و به فعالیت قانونی بپردازند این پرسش مطرح می شود که گذشته اقدامات غیر قانونی آنها و جرایمی که مرتکب شده اند چه خواهد شد.»

گفت وگویی رادیو فرانسه با سیدحسین موسوی تبریزی

گفت وگویی با سیدحسین موسوی تبریزی وکیل محسن کدیور درباره مرخصی یک هفته ای کدیور و احتمال تجدیدنظر در حکم صادره درباره وی موضوع برنامه «چشم انداز» رادیو فرانسه بود.

وی در مورد علت آزادی یک هفته ای موکل خود گفت: «در رابطه با محکومان دادگاه و یژه روحانیت دادستان ویژه در صورت صلاحدید موافقت می کند که هر چندوقت یک بار مرخصی برای محکوم در نظر گرفته شود. آقای کدیور شش ماه در زندان بود و این مرخصی از طرف دادستان ویژه تهران برای آقای کدیور داده شد که یک هفته آمدند و دوباره خودشان را به دادگاه ویژه روحانیت معرفی کردند.»

وی در پاسخ به این پرسش که با تغییر رئیس قوه قضائیه و برنامه هایی که اعلام کردند آیا امید هست که در پرونده آقای کدیور تجدیدنظر شود و ایشان بتوانند آزاد شوند؟ اظهار داشت: «در ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب به هر محکومی که در هر محکمه ای محکوم میشت تحقق یافته است در مورد جرایمی که قابل درخواست تجدیدنظر است حق داده شده که به دادستان چنین درخواستی را ارائه کند. آقای کدیور به نظر من و به نظر خود او مشمول این ماده است و ماحرفمان این است که دادگاه ویژه روحانیت با محکمه قانونی است یا نیست. اگر نیست که اصلاً اول حکم نباید می داد زیرا صلاحیت حکم دادن نداشت و اگر قانونی است ماده ۳۱ هم شامل آن محکمه می شود. آقای هاشمی با اعلام برنامه های خود وعده رفع تبعیض را از قوه قضائیه داده است و باید تبعیض میان محکومان روحانی و محکومان غیرروحانی رفع شود.»

بی ستون

از سلسله آموزش های مدنی

چگونه دست راست و چپ مان را تشخیص بدهیم؟

سیدابراهیم نبوی در رابطه با راستای دست راست که با دست چپ مغایر بوده و با توجه به وجود و اهمیت جهات چهارگانه که جهت تعیین وضعیت در شرایط انسانی پس از یخزدان دم زمین شناسی مؤثر می باشد و لازم است که ملل شریف کشورهای مختلف جهان دست راست و چپ خود را تشخیص بدهند و این طور نباشند که در صورت ضرورت چپ روی یکهو به سازش با راست رسیده و یا در صورت گرایش به راست راهنما به چپ بزنند؛ برخی روشهای تشخیص دست چپ و راست ذیلاً ذکر می شود:

جامعه معمولی: نقس تان را به مدت یک دقیقه حبس می کنید، در این حال احساس می کنید یک جایی در قفسه سینه شما تاپ تاپ صدا می دهد. اسم آن محل قلب است. نزدیکترین دست به آن محل دست چپ است و بقیه دستهای شما دست راست است.

جامعه مدنی: شما در حال گوش کردن به سخنرانی هستید. در همین موقع سخنران علیه محافظه کاران چیزی می گوید، شما همچنان زده شده و شروع به کف زدن می کنید. در هنگام کف زدن یک دست شما ثابت و دست دیگر شما متحرک است. آن دست متحرک اسمش دست راست است.

جامعه غیرمدنی: شما دست دارید؛ یکی از آنها چپ و دیگری راست است. در جامعه مدنی اولین کسی که صبح زودتر از خواب بیدار شود و میکروفون را در دست بگیرد تعیین می کند کدام دست شما چپ و کدام راست است. در این حالت دست چپ قانونی شما می تواند سمت چپ یا سمت راست باشد.

حکومت آنارفیست: در این جوامع شما ممکن است دو حالت داشته باشید؛ یا در حال کتک خوردن هستید یا در حال کتک زدن. در حال کتک خوردن دقت کنید؛ یکی از دستهایی که به صورت شما می خورد دارای قدرت بیشتری است؛ به آن دست، دست راست می گویند.

حکومت آریستوکراتیک: در جوامع آریستوکراتیک مهم این است که پدر و پدربرگ شما چه کسی بوده، بنابراین تشخیص دست راست و چپ از همدیگر اهمیتی ندارد. بنابراین لازم نیست دست راست و چپ تان را از هم تشخیص بدهید.

حکومت سوسیالیست: در این حکومت دو جهت اصلی وجود دارد؛ جهتی که حکومت می خواهد شما بروید و جهتی که خوتنان دوست دارید بروید. جهت اول سمت چپ است.

حکومت انقلابی: در این جوامع تشخیص دست راست و چپ معمولاً سه سال (یا کمتر یا بیشتر) طول می کشد. در ابتدا جامعه به یک جهت می رود و پس از مدتی درست به جهت مخالف حرکت می کند. جهت اول چپ و جهت دوم راست است.

جامعه محفلی: به خیابان بروید. به مردم نگاه کنید. از مردم کسانی هستند که شما دلتان می خواهد آنها را بکشید. آنها چپ هستند. در این حال یک پیکان از اداره بگیرید، با آن اداره را دور بزنید. در حال دورزدن دقت کنید؛ شما با یکی از دستهایتان دنده را عوض کرده اید. آن دست، دست راست است.

جامعه خودی: شما در این شرایط دائماً از دست عده ای عصبانی می شوید، به صورت خودجوش جوش می آورید، دلتان می سوزد و تب می کنید، دشارتان بالا می رود و دائماً غش می کنید و به زمین می افتید. جهتی که پس از غش کردن به آن افتاده اید سمت راست و دستی که در هنگام غش کردن زیر تان است دست راست است.

جامعه سرمایه داری: شما مقداری پول می گیرید و آن را در جیب تان می گذارید. دستی که با آن پول گرفته اید دست راست است. **حکومت کمونیستی:** در این حکومت شما فقط لازم است دست چپ تان را تشخیص بدهید. در انواع یشرفته آن هر دو دست شما چپ است.

حکومت توتالیتر: در این حکومت ها شما دو حالت دارید؛ یا آزاد هستید که در این حالت معمولاً دست چپ و راست تان را تشخیص نمی دهید و نیازی هم به تشخیص آن نیست، یا دست راست و چپ تان را تشخیص می دهید؛ در این حالت یا زندانی هستید یا کشته شده اید یا قرار است کشته شوید.

●●●

نتیجه گیری سیاسی : راست ها همان چپ های محافظه کار هستند و چپ ها همان راستهای اصلاح طلب.

نتیجه گیری اجتماعی : مردم وقتی پول دارند راست هستند، وقتی پولشان تمام می شود چپ می شوند.

نتیجه گیری فلسفی : انسان فطر تاً راست است، در اثر مواجیه با زندگی اجتماعی چپ می شود.

فروش کتابهای سید ابراهیم نبوی

در کتابفروشیهای سراسر کشور

مرکز پخش: انتشارات روزنه

تلفن: ۰۳۹۹۰۷۴ - ۰۳۵۰۸۶

ستون پنجم: ۹۰۰۰ ریال

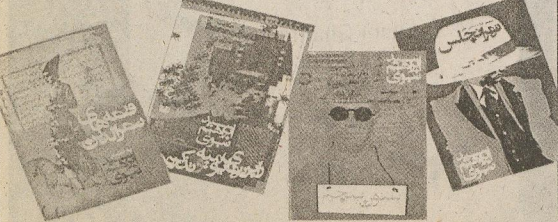
تهر ا نجلس: ۴۰۰۰ ریال

قمه های نصر الدین: ۵۰۰۰ ریال

رایت های یومیه و تذکره ها: ۷۰۰۰ ریال

فروش پستی:

قیمت کتاب های مورد نیاز را به اضافه ۱۲۰۰ ریال هزینه پست سفارشی به حساب شماره ۰۳۱۵۰۳ بانک ملی شعبه جهان کودک کد ۱۵۰۹ بنام آقای باقر ولی بیک واریزو امل فیش واریزی به همراه آدرس کامل و کد پستی خود رابه آدرس تهران صندوق پستی ۳۹۹-۱۵۶۵۵ ارسال نمائید



لطفا اسامی کتابهای درخواستی را حتما قید نمایید .

کارخانه داران ، صنعتگران ، استاد کاران و کارگران

روزنامه اقتصاد با مسئولیت مدیری ایران

مشارکت خواهید داشت ؟

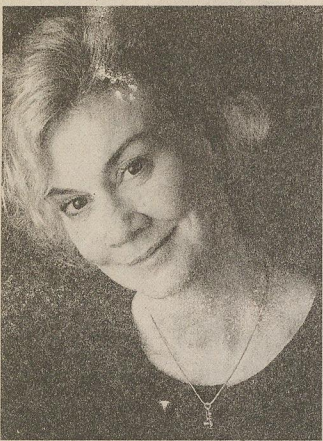
تلفن سردبیر: ۰۱۱۷۵۹

کارخانه داران ، صنعتگران ، استاد کاران و کارگران

روزنامه اقتصاد با مسئولیت مدیری ایران

مشارکت خواهید داشت ؟

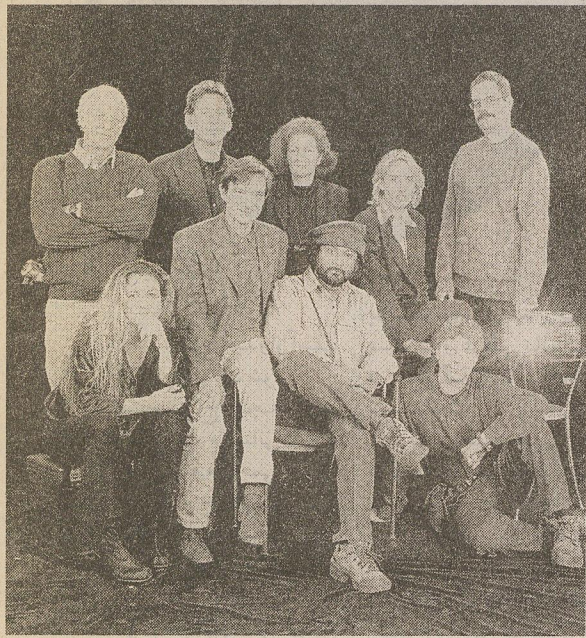
تلفن سردبیر: ۰۱۱۷۵۹



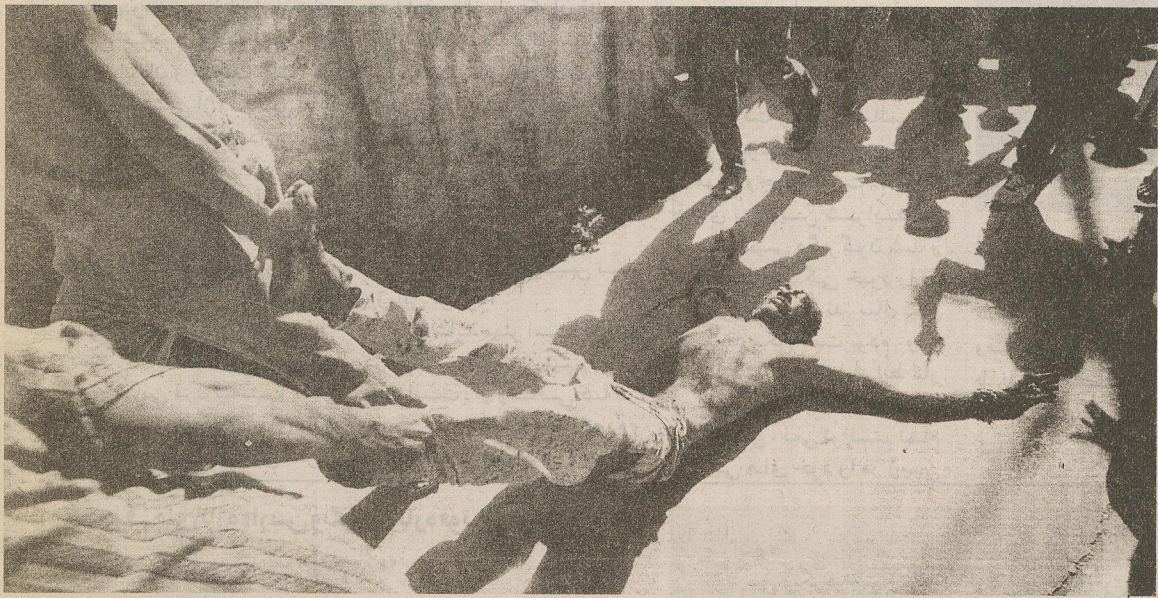
دیانا اسمیت عکاس واشینگتن پست
جایزه نخست مسابقه



همسر یک سرباز ارتش آزادی بخش کوزوو که در جریان آزادسازی یکی از شهرها کشته شده است.



اعضای هیئت داوران WORLD PRESS PHOTO



عکاس یانگی کیم - عکس اول - درگیری نژادی بین ادیان استغفای سوهارتو رئیس جمهور اندونزی بعد از ۳۲ سال.

عکسهای خبری جهان

WORLD PRESS
PHOTO 1999



وندی سولام عکاس آمریکایی - نمایش جوانان در تل آویو



چهل و دومین دوره «وورد پرس فتو» برگزار شد
ورد پرس فتو، سازمان
مستقلی است که در سال
۱۹۵۵ به وجود آمد و
هدف آن حمایت از
عکاسان مطبوعاتی و
عکاسانی است که در زمینه
فتوژورنالیسم فعالیت
دارند. همه ساله مهمترین
مسابقه عکاسی جهان در
شهر آمستردام هلند برگزار
می شود و عکسهای برگزیده
در این مسابقه دست کم در
۳۵ کشور جهان به نمایش
درمی آید.

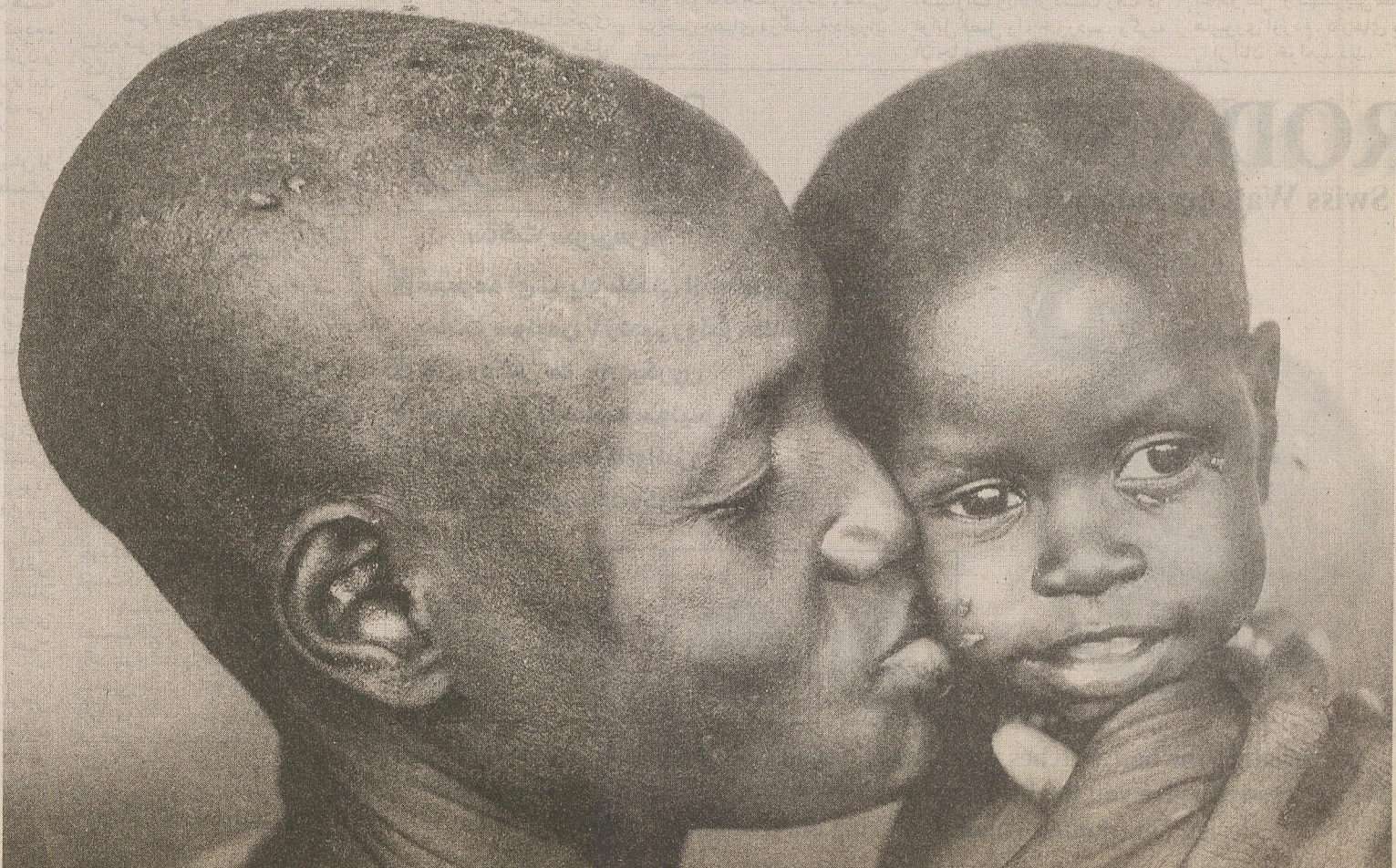
تهیه و تنظیم
گروه عکس نشاط
جمشید بایرامی



سانتیاگو لیون عکاس اسپانیایی - یک فلسطینی با به گردش درآوردن پرچم فلسطین، سربازان اسرائیل را به واکنش واداشته است



سیمون پروتی - بارنز دروازه بان تیم ملی فوتبال فرانسه در جام جهانی ۹۸ در جدال با رونالدو



ریچ ادیکس عکاس آمریکایی - زن قحطی زده ای در سودان، بر گونه فرزندش بوسه می زند. بیش از ۸ میلیون تن از ساکنان جنوب سودان به خاطر خشکسالی در آستانه مرگ قرار دارند.

آشوب طلبان، مقر سازمان ملل در تی مور شرقی را محاصره کردند



دیلی - C.N.N: شبیه نظامیان طرفدار دولت اندونزی روز گذشته به منطقه ای در نزدیکی مقر سازمان ملل در تی مور شرقی حمله کردند و با استقلال طلبان درگیر شدند. به گزارش C.N.N از دلی، با صدای شلیک گلوله که از سوی شبیه نظامیان طرفدار دولت اندونزی شلیک شد، دود و آتش سراسر منطقه را فرا گرفت. برابر این گزارش، کارکنان مقر سازمان ملل نمی توانند وارد این ساختمان شوند و شبیه نظامیان هم سعی دارند مانع ورود مردم به داخل ساختمان شوند. به گزارش C.N.N از دلی، شبیه نظامیان طرفدار اندونزی در نزدیکی مقر سازمان ملل در دلی

۸۰ مسافر در سقوط هواپیمای آرژانتینی جان سپردند



بوئنوس آیرس - C.N.N: یک هواپیمای خطوط هوایی آرژانتین روز گذشته هنگام پرواز از فرودگاه «جورج نیوبی» سقوط کرد و ۸۰ سرنشین آن کشته شدند. به گزارش C.N.N از بوئنوس آیرس، هواپیمای بوئینگ ۷۳۷/۲۰۰ آماده پرواز از فرودگاه «جورج نیوبی» به مقصد «کوردوبا» بود که دو موتور آن منفجر و هواپیما طعمه حریق شد. بعد از وقوع سانحه، مجروحان که در میان آنان خلبان هواپیما نیز دیده می شد بلافاصله به بیمارستان فرانلر انتقال یافتند. هواپیما ۹۵ مسافر و ۵ خدمه داشت و پس از وقوع حادثه، پلیس آرژانتین اطراف فرودگاه را بست و لغو شد.

در هر حال خطری مقر سازمان ملل را تهدید نمی کند و نیروهای پلیس نیز برای حمایت از ناظران سازمان ملل وارد صحنه شده اند. به گزارش مقام های سازمان ملل در دلی، حدود ۹۹ درصد از مردم تی مور

بغداد - B.B.C: آمریکا با طرح عراق برای فروش بیشتر نفت به منظور کمک به زلزله زدگان ترکیه موافقت کرد. به گزارش شبکه خبری B.B.C، عراق در حال حاضر به طور رسمی بیش از مقدار مجاز و تعیین شده از سوی سازمان ملل نفت صادر می کند و قبلاً موافقت آمریکا را در این زمینه نیز جلب کرده است.

چریک های قرقیز ۳ گروگان را آزاد کردند

پیشک - رویتر: به گزارش رویتر از پیشک، چریک های مسلمان روز گذشته ۳ تن از گروگان های قرقیزی را آزاد کردند ولی ۴ زمین شناس ژاپنی هنوز در اختیار آنهاست. شایان ذکر است که از میان ۲۰ گروگانی که چریک های مسلمان هفته گذشته به اسارت گرفتند، ۷ تن تاکنون آزاد شده اند ولی در حال حاضر ۱۳ تن در اختیار چریک ها هستند. مقام های دولت قرقیزستان معتقدند که فرماندهی چریک های مسلمان به عهده «نمانگان» رهبر مبارزان مسلمان ازبکستان است. وی در سال ۱۹۹۲ به ازبکستان گریخت و در حال حاضر فرمانده پانگامی در شمال تاجیکستان است.

پکن - A.F.P: چین و روسیه توافق کرده اند که پکن در زیر دریایی هسته ای روسی خریداری کند.

به گزارش A.F.P از پکن به نقل از روزنامه هنگ کنگ استاندارد، دو دیدار هفته پیش «ایلیا کلبانوف» معاون نخست وزیر سوریه از چین قرارداد خرید دو زیر دریایی هسته ای روسی میان مقام های مسکو و پکن امضا شد. این قرارداد چند میلیارد دلاری شامل زیر دریایی عظیمی می شود که قادر به حمل و شلیک کلاهک های هسته ای هستند. اما وزارت امور خارجه چین با تکذیب این قرارداد گفت که چنین توافقی اصلاً انجام نپذیرفته است.

سخنگوی سفارت روسیه در پکن نیز گفت اصولاً از فروش هر گونه زیر دریایی بی اطلاع است

عراق برای قربانیان زلزله ترکیه نفت ارزان می فروشد

بر اساس این گزارش، کمیته تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد به طور غیر رسمی روز سه شنبه با این طرح موافقت کرده است و اعضای آن گفتند که ترتیبات رسمی آن برای این که به عراق مجوز رسمی در این مورد داده شود عصر چهارشنبه به وقت نیویورک صورت خواهد گرفت، سپس عراق نامه ای دریافت خواهد کرد

و این عادت روزنامه های هنگ کنگی است که عراق کنند. اما این روزنامه تأکید کرده است که جیانگ زمین رئیس جمهوری چین و بوریس یلتسین همتهای روسی وی نیز در طول دیدار خود در بیشکک قرقیزستان این فروش را مورد تأکید و تأیید قرار داده اند. این روزنامه همچنین به نقل از منابع خبری خود از چین افزوده است که خریداری زیر دریایی ها و همچنین جنگنده های سوخو ۲۷ و ۳۰ جهت جلوگیری و مقابله با هر گونه دخالت ناوگان هفتم دریای ایالات متحده، در جنگ احتمالی میان تایوان و چین است. در پی سخنان رئیس جمهور تایوان مبنی بر این که گفت و گوی میان تایوان و چین باید در سطح برابر میان دو دولت انجام گیرد. روابط این دو کشور به وخامت گرایید. خبرگزاری رسمی

به گفته مقام های ترکیه در عراق الان پمپ کردن روزانه نیم میلیون بشکه نفت اضافی را به ارزش هر بشکه حدوداً ده دلار آمریکا به ترکیه آغاز کرده است و صلیب سرخ ترکیه اعلام کرد که نفت خام عراق تصفیه شده و در پمپ بنزین ها به نفع قربانیان زمین لرزه فروخته خواهد شد.

فرماندار ایرلند، طرفین درگیرها را به نشست صلح فراخواند

لندن - رویتر: دکتر مومولام فرماندار انتصابی ایرلند شمالی، از طرفین ذی نفع در صلح این استان خواست تا اجلاس مرور معاهده صلح ایرلند شمالی را جدی بگیرند و در آن شرکت کنند. به گزارش رویتر، خانم مومولام روز چهارشنبه از پروتستانهای اتحادگرا و کاتولیک های استقلال طلب درخواست کرد که با خوشبختی در نشست هفته بعد که به پیشنهاد سناتور سابق آمریکایی «جورج میچل» برگزار می شود شرکت کنند.

مولام در سخنان خود در واکنش به خشم پروتستانها گفت: صرف نظر از اختلاف میان گروه ها، هنوز هم یک اشتیاق اساسی برای پایان درگیری تاریخی در این سرزمین وجود دارد و همین موضوع دلیل کافی برای گروه ها خواهد بود که حتماً در نشست مزبور شرکت و با یکدیگر گفت و گو کنند نه این که از آن وی با دفاع از موضع خود در برابر IRA گفت که شغل من دفاع از اصولی است که به آن معتقدم، یعنی انصاف، عدالت، مساوات و عمل بر اساس قانون. مولام افزود: «سوال این است که قدم بعدی چیست؟ ساده ترین جواب می تواند توقف تلاش ها باشد، ولی فکر نمی کنم کسی بخواهد به روزهایی برگردد که احزاب باهم گفت و گو نمی کردند، به روزهایی که مردم همدیگر را می کشتند. شایان ذکر است که شین فین و حزب اتحادگرایان اولستر هنوز در مورد شرکت خود در نشست «موروی بر معاهده صلح» که به ابتکار جورج میچل آمریکایی برگزار می شود تصمیم نگرفته اند.

نظر می رسد با این اقدام ها امکان اتحاد مجدد تایوان و چین از طریق مسالمت آمیز ممکن نخواهد بود. دولت چین تهدید کرده است که در صورت اعلام استقلال از طرف مقام های تایپه، چین حق حمله و اشغال تایوان را برای خود محفوظ می داند.

باراک به فلسطین التیام داد

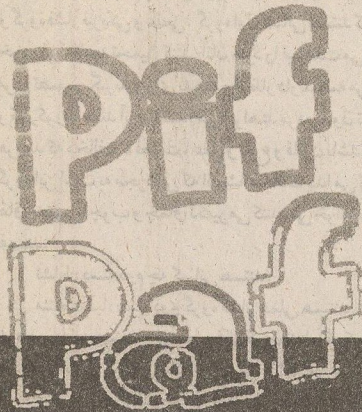
پیت المقدس - A.F.P: اسرائیل روز گذشته اعلام کرد که مذاکره با هیأت فلسطینی در خصوص توافقاته وای ریور پایان یافت و خطاب به فلسطینی ها گفت که پیشنهاد اسرائیل برای اجرای توافقاته وای ریور با پذیرفته خواهد شد و با همه چیز در این مرحله پایان یافته تلقی می شود.

به گزارش C.N.N باراک نخست وزیر اسرائیل به هیأت مذاکره کنتنه فلسطینی فرصت داد تا پیشنهاد اسرائیل را بررسی کنند و پاسخ خود را اعلام دارند. از سوی دیگر ایهود باراک و یاسر عرفات امروز برای مذاکره با مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه امریکا و حسنی مبارک، رئیس جمهوری مصر وارد قاهره شدند.

به گزارش رویتر از قاهره، مذاکرات چهار شخصیت سیاسی در اسکندریه، بلافاصله بعد از ورود آلبرایت صورت خواهد گرفت. در همین حال، مقامهای دولت مصر، مقدمات لازم برای امضای توافقاته وای ریور را ترتیب داده اند. این در حالی است که ماراتن گفت و گوی هیأت مذاکره کنتنه اسرائیلی و فلسطینی در بیت المقدس همچنان ادامه دارد. دو طرف سعی دارند در مورد بهترین موضوع که آزادی زندانیان فلسطینی است، اختلافات خود را حل کنند. صائب عریقات یکی از مقام های ارشد هیأت مذاکره کنتنه فلسطینی روز



گذشته در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد که هنوز در مورد تعداد زندانیانی که باید از سوی اسرائیل آزاد شوند، اختلاف نظر وجود دارد. وی خاطر نشان کرد که فلسطین تقاضای آزادی ۴۰۰ زندانی فلسطینی را مطرح کرده و خاورمیانه طبق آخرین خبرهای رسیده، صائب عریقات پیشنهاد اسرائیل را برای آزادی ۳۵۰ زندانی فلسطینی رد کرد و گفت: ما خواهان آزادی دست کم ۴۰۰ زندانی هستیم. این در حالی است که اگر هیأت های مذاکره کنتنه اسرائیلی و فلسطینی در مورد پیش نویس وای ریور به توافق برسند، شورای سیاسی و امنیتی باراک آن را تصویب خواهد کرد.



پیف پاف



همزمان با توزیع جوایز موجود در قرص حشره کش پیف پاف یکبار دیگر هم به خبرهای خوب شرکت شیمی قهرمان توجه فرمائید!

مصرف کننده عزیز جوایز ویژه ما را اینک از درون انبیری های سبز و قهوه ای پیف پاف دریافت نمایید

دقت فرمایید: هنگام گشایش پلمپ مشرک کش ها، جوایز پیف پاف را از دست ندهید

جوایز شیمی قهرمان:

- سکه بهار آزادی
- سری کتابهای ارزنده
- یکی از لوازم آشپزخانه پارس خزر
- یک محصول ارزنده از صنایع ایران
- یک محصول از شرکت سپهرالکترونیک
- یک سری از تولیدات کارخانه چینی حمید
- سری های مختلف از محصولات کارخانه تفنون ظرف ایران
- چند سری کامل از تولیدات شیمی قهرمان
- واکنم یادیسک می سونی
- ماشین لباسشویی
- ... و ده ها جایزه دیگر که بدریج اعلان میشود.



پلمپ حشره کش را همراه با فتوکپی شناسنامه با نشانی دقیق خود را ذکر کد پستی به یکی از دفاتر نمایندگی بهپخش در تهران و یا شهرستانها و یا مستقیماً به نشانی شرکت شیمی قهرمان پست کنید. جایزه شما بلافاصله از سال خواهد شد

توزیع جوایز پیف پاف تا پانزدهم آبانماه ادامه دارد

دفتر مرکزی: تهران، میدان ونگ، خیابان برزیل، خیابان نیلو، نبش کو، ۸، شماره ۱

تلفن شیمی قهرمان: ۸۷۷۸۰۵۵۵، دورنگار: ۸۷۸۱۹۴۴

توزیع توسط شرکت بهپخش: ۴-۸۸۹۷۳۵۱-۷، ۸۸۰۰۸۳۳، دورنگار: ۸۸۰۴۷۸۶

آیا «مرگ» فضیلت است؟

گنگنار مسلط و انحصاری جامعه ما تمدنی پیش که هنوز هم عده ای با هر شیوه ای در پی احیای این سلطه هستند، این بود که نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان، معدودی انسان توانسته اند راه رهایی و تعالی تمام انسان ها را بشناسند و بقیه انسان ها باید یا به اختیار یا به حقانیت آن ها اعتراف کنند و در عمل نیز در راه تحقق برداشت ویژه آن ها از جهان بکوشند.

آنان هر گونه شک، غور و بررسی (چه رسد به نقد) عمل و مرام خود را مساوی ارتداد، انحراف، مزدوری و... دانسته اند و سلب حیات فکری و جسمی نقادان خود را جزو حقوق بلاشک خود اعلام می کنند و حتی کسانی را که به حقانیت چنین حقوقی اعتراضی داشتند، مستوجب همان مجازات ها دانستند.

عجیب این است که این عده که به شدت معتقد به نقصان عقلی بشر و خطاکاری وی هستند، چگونه برداشت خاص خود را چنین کامل و بی نقص و بی شائبه نشستن غباری از خطا تصور می کنند؟ وقتی به سیره گذشتگانی که این عده توطئه پیروی از آن ها هستند رجوع می کنی «خوف» از خطا را جزو صفات بارز آنان می بینی و در آثار معاصران نیز به ویژه در مورد امور اقتصادی-اجتماعی صحبت از «حادث» بودن امور، لزوم شناخت قوانین و مواعد اقتصادی و اجتماعی و تحقیق برای سازگار کردن «احکام» با امور حادث، یا به عبارت دیگر گذشته بودن راه آزمایش و خطا برای تحقق راه رهایی انسان است.

آیا این عده به راستی از تاریخ بشر که در آن صاحبان مرام های گوناگون، در فشاری یک طرفه بر عقیده خود و بهروری اجباری انسان بر اساس این عقیده، موجب «سباه روزی وی» گشتند، بی اطلاع هستند یا آن که همانند آنان چنان در عجب و غرور گرفتار آمده اند که می پندارند تا پیش از تولد آنان همه انبای بشر در جهل و غفلت به سر می برده اند و تقدیر آنان را برای حکومت بر جهان برگزیده است؟

اصول دینی خود با نازی های آلمان متحد شدند و دیگر اسپانیایی های جمهوری خواه را «غریزده» خواندند و عمل به شعار «زنده باد مرگ» راه نابودی دموکراسی و برپایی دیکتاتوری طر فدار آمریکای را پیوند نمی دادند! داستان خلبانان و سربازان «شمن پرست» ژاپنی را که برای حفظ و گسترش سلطه امپراطوری «پسر آفتاب» با از خود گذشتگی و جانفشانی های بسیار کیلومترها دور از کشور خود می جنگیدند و عملیات انتحاری می کردند را نخوانده اند؟ همچنان که داستان سربازان آلمانی را که در دشت های یخ زده سیرری و صحرای هفته آفریقا علیه کاپیتالیسم و کمونیسم می سبزیزند؟

بیاز بسوی دیگر از فداکاری های سسی ساله ویت کنگ های «کمونیستی» که برای رهایی و آزادی کشورشان از استعمار فرانسه و با ابتدایی ترین ابزار و با کمترین تغذیه و... جنگیدند، از کوشش های چندین هه جریک های شورای آمریکای لاتین علیه دیکتاتورهای آن سرزمین بی اطلاع مانده اند؟

آیا کشته و زخمی شدن ۲۵ میلیون نفر را در شوروی سابق برای حفظ «میهن سوسیالیستی» به یاد نمی آوردند؟ یا از آنچه دگر اندیشان ایران در مبارزه با شاه کردند و گلسرخ جان خود را فدای ملتشان کردند می توانند چشم پوشند؟ اگر آماجگی برای مرگ آن فضیلتی است که برای مرایی حقانیت آن هم حقانیت حکومت انحصاری ایجاد کنند، آن گاه تمام این مرام های متضاد به یک اندازه دارای حقانیت می شوند. اما آماجگی برای مرگ و عمل کردن به آن هیچ کدام از این مرام ها را به مرام مقبول انسان تبدیل نکرد و پیروان آن ها را به حکومت جهانی نرساند، آن هم به یک دلیل ساده، زیرا حکومت انحصاری صاحبان یک مرام، حتی خیر خواه ترین آن ها، مخالف با اصول مقدم ماهوی و فطری انسان یعنی آزادی و عدالت است و آنان را به ناچار به نابودی می کشد.

درست به همین دلیل است که انسانی که می خواهد فرزند زمانه خود باشد دیگر آماجگی برای مرگ را فضیلت و اسباب برتری مرام خود بر دیگر مرام ها و برقراری حکومت انحصاری نمی کند. بلکه تنها نوعی از آماجگی برای مرگ را فضیلت می داند که برای آزادی و عدالت باشد. به ویژه این که صفت شایسته اولیای مذهب آنان «جوانمردی» و «آزادگی» و جزو اصول مذهب آنان، «عدل» است، یا در عرفان پیرو طریقتی هستند که رهبران آنان فریاد «اتلحق» می زدند و در کلام و فلسفه منشأ عالم

دیدگاه

گنگنار مسلط و انحصاری جامعه ما تمدنی پیش که هنوز

هم عده ای با هر شیوه ای در پی احیای این سلطه هستند، این بود که نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان، معدودی انسان توانسته اند راه رهایی و تعالی تمام انسان ها را بشناسند و بقیه انسان ها باید یا به اختیار یا به حقانیت آن ها اعتراف کنند و در عمل نیز در راه تحقق برداشت ویژه آن ها از جهان بکوشند.
آنان هر گونه شک، غور و بررسی (چه رسد به نقد) عمل و مرام خود را مساوی ارتداد، انحراف، مزدوری و... دانسته اند و سلب حیات فکری و جسمی نقادان خود را جزو حقوق بلاشک خود اعلام می کنند و حتی کسانی را که به حقانیت چنین حقوقی اعتراضی داشتند، مستوجب همان مجازات ها دانستند.
عجیب این است که این عده که به شدت معتقد به نقصان عقلی بشر و خطاکاری وی هستند، چگونه برداشت خاص خود را چنین کامل و بی نقص و بی شائبه نشستن غباری از خطا تصور می کنند؟ وقتی به سیره گذشتگانی که این عده توطئه پیروی از آن ها هستند رجوع می کنی «خوف» از خطا را جزو صفات بارز آنان می بینی و در آثار معاصران نیز به ویژه در مورد امور اقتصادی-اجتماعی صحبت از «حادث» بودن امور، لزوم شناخت قوانین و مواعد اقتصادی و اجتماعی و تحقیق برای سازگار کردن «احکام» با امور حادث، یا به عبارت دیگر گذشته بودن راه آزمایش و خطا برای تحقق راه رهایی انسان است.

آیا این عده به راستی از تاریخ بشر که در آن صاحبان مرام های گوناگون، در فشاری یک طرفه بر عقیده خود و بهروری اجباری انسان بر اساس این عقیده، موجب «سباه روزی وی» گشتند، بی اطلاع هستند یا آن که همانند آنان چنان در عجب و غرور گرفتار آمده اند که می پندارند تا پیش از تولد آنان همه انبای بشر در جهل و غفلت به سر می برده اند و تقدیر آنان را برای حکومت بر جهان برگزیده است؟
اصول دینی خود با نازی های آلمان متحد شدند و دیگر اسپانیایی های جمهوری خواه را «غریزده» خواندند و عمل به شعار «زنده باد مرگ» راه نابودی دموکراسی و برپایی دیکتاتوری طر فدار آمریکای را پیوند نمی دادند! داستان خلبانان و سربازان «شمن پرست» ژاپنی را که برای حفظ و گسترش سلطه امپراطوری «پسر آفتاب» با از خود گذشتگی و جانفشانی های بسیار کیلومترها دور از کشور خود می جنگیدند و عملیات انتحاری می کردند را نخوانده اند؟ همچنان که داستان سربازان آلمانی را که در دشت های یخ زده سیرری و صحرای هفته آفریقا علیه کاپیتالیسم و کمونیسم می سبزیزند؟

بیاز بسوی دیگر از فداکاری های سسی ساله ویت کنگ های «کمونیستی» که برای رهایی و آزادی کشورشان از استعمار فرانسه و با ابتدایی ترین ابزار و با کمترین تغذیه و... جنگیدند، از کوشش های چندین هه جریک های شورای آمریکای لاتین علیه دیکتاتورهای آن سرزمین بی اطلاع مانده اند؟
آیا کشته و زخمی شدن ۲۵ میلیون نفر را در شوروی سابق برای حفظ «میهن سوسیالیستی» به یاد نمی آوردند؟ یا از آنچه دگر اندیشان ایران در مبارزه با شاه کردند و گلسرخ جان خود را فدای ملتشان کردند می توانند چشم پوشند؟ اگر آماجگی برای مرگ آن فضیلتی است که برای مرایی حقانیت آن هم حقانیت حکومت انحصاری ایجاد کنند، آن گاه تمام این مرام های متضاد به یک اندازه دارای حقانیت می شوند. اما آماجگی برای مرگ و عمل کردن به آن هیچ کدام از این مرام ها را به مرام مقبول انسان تبدیل نکرد و پیروان آن ها را به حکومت جهانی نرساند، آن هم به یک دلیل ساده، زیرا حکومت انحصاری صاحبان یک مرام، حتی خیر خواه ترین آن ها، مخالف با اصول مقدم ماهوی و فطری انسان یعنی آزادی و عدالت است و آنان را به ناچار به نابودی می کشد.

درست به همین دلیل است که انسانی که می خواهد فرزند زمانه خود باشد دیگر آماجگی برای مرگ را فضیلت و اسباب برتری مرام خود بر دیگر مرام ها و برقراری حکومت انحصاری نمی کند. بلکه تنها نوعی از آماجگی برای مرگ را فضیلت می داند که برای آزادی و عدالت باشد. به ویژه این که صفت شایسته اولیای مذهب آنان «جوانمردی» و «آزادگی» و جزو اصول مذهب آنان، «عدل» است، یا در عرفان پیرو طریقتی هستند که رهبران آنان فریاد «اتلحق» می زدند و در کلام و فلسفه منشأ عالم

ما به رأی خود به خاتمی اعتماد داریم

دوم خرداد پدیده ای نبود که

یک باره به وجود آمده باشد. مردم ایران بعد از انقلاب مشروطه (و در تمامی دوران) همیشه به دنبال آزادی، برقراری قانون، توسعه، استقلال و معنویت بوده اند. و هیچ وقت این آمال و آرزوها را فراموش نکردند. همین خواست ها و شعارها در دوران پیروزی انقلاب یک بار دیگر مجال پیدا کردند تا از حنجره های مردم این سرزمین بیرون بیایند. به نظر من تا دوم خرداد ۷۶ انقلاب اسلامی نوجوانی بود که سخت محتاج تثبیت و حمایت بود.

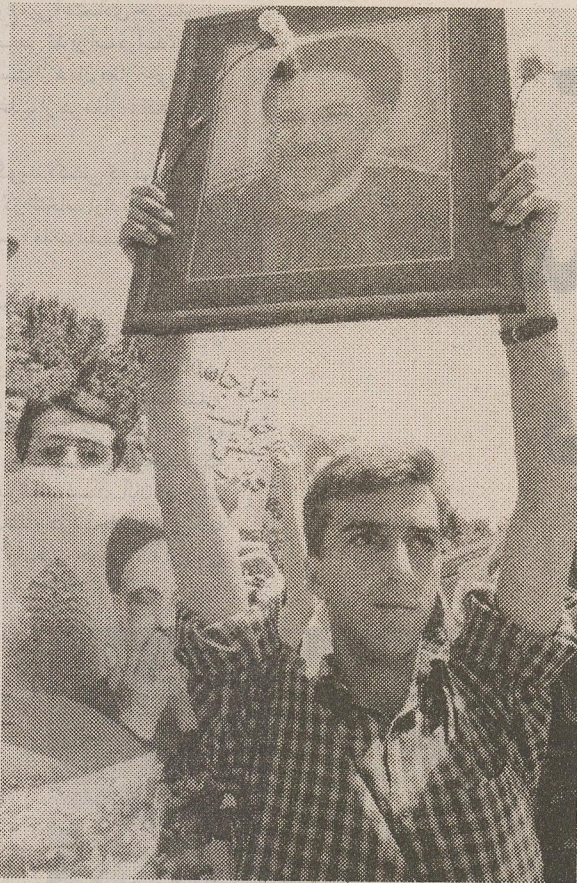
آنچه که در دوم خرداد رخ داد، تداوم خردمندانه آرمان های بهمن ۵۷ در مفاهیم خرداد ۷۶ بود. هیچ کدام از شعارها و وعده های رئیس جمهوری اختراع او نبود. همه آنها آن چیزی بود که مردم در انقلاب فریاد می زدند. کدامیک از این آقاییان که بعد از دوم خرداد آستین بالا زده اند و به رویارویی با خاتمی و مردم پرداخته اند این نکات را نمی دانند؟ آنان همه این مطالب و قضایا را بهتر از من و شما می دانند. ولی آیا سنگ اندازی و جار و جنجال درست کردن برای نان و مسکن و شغل صرفاً به خاطر مردم است؟ و آیا آنان واقعاً مردم را دوست دارند؟ کدام از این آقایان تا به حال یک طرح جامع و کامل برای درمان اقتصاد ما تقدیم مجلس کرده اند؟ سیاست مدارا و تحمل این جاد دیگر چاره کار نیست و دولت باید از حق مردم دفاع کند که الحق دفاع هم کرد.

انقلاب بعد از پشت سر گذاشتن بحران های سال ۶۰، ترورها، جنگ ۸ ساله و صدها توطئه و دشمنی دیگر تثبیت شده است و مجال آن فرا رسیده که مردم خواسته های خود در بهمن ۵۷ را به صورت کامل تر و بادوام بیشتر تحقق یافته ببینند. مردم مخصوصاً جوانان و نسل دوم انقلاب به جهاننیان فهمانند که نه تنها از انقلاب گریزان و خسته نیستند، بلکه با جان و دل از آرمان های آن دفاع خواهند کرد. همانطور که نسل اول از موجودیت آن در برابر هجوم دشمن دفاع کرد. خاتمی فقط با گذشت نزدیک به ۲ سال توانسته است بدون هیچ هزینه ای تا اندازه بسیار قابل توجهی تبلیغات سموم دشمن برای به انزوا کشیدن ایران را خشتی کند. حالا دیگر ایران باز هم به مرکز توجه تمام کشورهای دنیا تبدیل شده است.

اینک دو سال از دوم خرداد ماندگار در تاریخ این سرزمین می گذرد و آنچه بیشتر از همه چیز مورد خواست مردم مخصوصاً حماسه آفریان آن روز است تن دادن به بازی سالم و جوانمردانه از سوی محافظه کاران است. پذیرش شکست در مبارزات انتخاباتی باید به صورت یک اصل دربیاید. گروه شکست خورده باید از شکست خود درس بگیرد. عقاید و نظرهای خود

پس جای ترس از چنین نسبت هایی که در راه یافتن حق و حقیقت و وصل به آن همه خطاکار هستند، اما برای کسانی که خود را از تخته بند تعصب های کور رها کرده اند و به اصول بیشتر می اندیشند تا به مرام خود، امید رسگاری فردی و جمعی بسیار بیشتر است تا برای کسانی که به بهانه های مرایی از این اصول دوری می جویند و برای توجیه خود «مرگ» را فضیلت می شمرند!

به راستی این عده برای تحقق آزادی و عدالت یا سیاست و اقتصاد شایسته «زندگی» ایران امروز چه حرفی دارند؟ کمال اطهاری



را اصلاح کند تا باز هم بتواند در صحنه ای دیگر و انتخاباتی دیگر مورد پذیرش مردم قرار گیرد.

مردم ایران سالیان بسیار طولانی قبل از انقلاب تجربه تلخ انحصار و استبداد را دیده اند و به هیچ وجه به آن گذشته تیره و تار باز نخواهند گشت. وقت آن رسیده که

بتوانند دست در دست هم فردای بهتری برای ایران اسلامی نقش زنند. بدانید و آگاه باشید که خاتمی و آرمان هایش هیچ وقت تنها نخواهد بود. کسانی که دوم خرداد را به وجود آوردند، همیشه و در همه حال پشت سر او خواهند بود و از او حمایت می کنند.

هادی محمدی - قم

نامه های این دوستان رسید...

نامه های دوستان زیر رسیده است که امکان بهره برداری از آن ها وجود ندارد:
مازیار حق جو از تهران، ح.ب رستم، فرهاد مهرگان از گرگان، سهراب رستم پور از تکابن، سیدرضا نیک بخت، نستوه رضائی از تهران، سودابه پورا بر اهرمی از تهران، مریم شریعت از اراک، امید معاریان، محسن رفعت، تقی رحمانی، داریوش محمدپور از تهران، (ش .و) دانشجو سال اول از تهران، صلاح الدین محمدی از سفر و آزاد.
در صفحه هفته آینده (سخن آشنا)، اسامی دوستان دیگری که نامه هایشان در این صفحه به چاپ نمی رسد درج خواهد شد.

گروه اجتماعی

در آخرین سطر چه نوشته بود؟

همه جا را گشته است. اما دوباره شروع می کند. از کشوی میزش که همه یادگاری هایش را در آن نگهداری می کند، نا صفحه، صفحه، کتاب هایش را آن قدر اتاق را زیرورو کرد که فراموش کرد دنبال چه چیزی می گشت.

دوباره همه کاغذها را در اتاق پخش می کند و به دنبال آن برگ طلایی که از استاد عزیزش دریافت کرده، می کاود. واقعاً این چند سال به آن احتیاج داشت. ولی هیچ گاه فرصت نداشت به دنبال آن نوشته بگردد. اگر در این چند سال تنها یک بار آن را دیده بود، گرفتار آن همه مشکل نمی شد. هنگام بررسی اوراق، تمام نامه های دوستانه ای را که در کلاس های دبیرستان و بعد از آن در دانشگاه ردویدل کرده اند می یابد. خط خودش است.

- هی حمید، استاد میانی فردا نمی یاد در عوض همون ساعت جلسه انجمنه.

- آره، باید بریم ببینیم چی می گن. منم شنیدم مسائل مهمی مطرحه. و به یاد می آورد که در این لحظه ناگهان صدای استاد بلند می شد و آن دو از ترس سیخ می شدند. اما می دیدند که استاد برای تفهیم مطلب و القای هیجان آن، صلابت را بلند کرده است.

- فردا و پروزی دانشگاه تجمعه. بیایریم. هفته دیگر هم توی سالن اجتماعات یک سخنرانی سر نوشت سازه.

- اگر فردا چیزی بشه چه کارکنیم؟

- هر چی پیش بیاد مهم نیست.

دوباره می گردد. اما جز زنده شدن خاطرات نتیجه نمی گیرد. باخود می اندیشید شاید اگر در این سال ها هم گشته بودم تازه امروز آن رامی یافتم. چون ظاهر! پیدا کردنش سال ها وقت می خواست. می ایستد و به اطراف خود می نگرد. می خواهد بداند کجا را نگشته است؟ نگاهش روی کتابخانه اش و کتاب هایی که سراسر اتاق را اشغال کرده می چرخد. وای! یعنی همه آن ها را باید بگردد. در تمام لحظات آیه ها و ضرب المثل های سعی، تلاش و جویندگی را باخود زمزمه می کند. شاید قوت قلبی باشد، همانطور که سال ها این چنین بود. از پایین شروع می کند. کتاب های درسی است. پس برای پیدا کردنش می توان امید بیشتری به آن ها بست.

همه کتاب های درسی تمام شد. خسته می شود. روی زمین دراز می کشد و چشم هایش را می بندد. به مغزش فشار می آورد شاید جای برگه یا محتوای آن را به خاطر بیاورد. می داند که مطلب مهمی بود.

خدا یا! یک قدم به پیش. آن روزی که استاد مهربان و دلسوز او آن را داد کتاب های مبانی را می خواند. برمی خیزد و روی صندلی می رود و از آخرین طبقه شروع می کند این بار مجبور است هر کتاب را پس از بازبینی سرچایش بگذارد و نمی تواند آن ها را از آن فاصله روی زمین بیندازد. نمی داند چرا یک طبقه پایین تر احساس امیدواری بیشتری می کند.

استاد لبخند می زند و پاکت را به دستش می دهد و می گوید: جواب سوال هایت.

به کتاب علم مبانی علم سیاست رسید دستش می لرزد و احساس می کند مژه هایش خیس شده است. کتاب را می گشاید و آرام ورق می زند. اشک به پهنای صورتش نشسته. روی صندلی می نشیند. بازش می کند. دستش می لرزد و... قطرات اشک نمی گذارند همه سطرها را ببینند و بخواند صفحه دوم را می خواند و در آخرین سطر بارنگی متفاوت می بیند: فرزندم؛ سوالات ارزنده، کنجکاو و دقت تو را تحسین می کنم اما فراموش نکن که: «سیاست تنها کاردی است که دسته خود را می برد

فائزه مظفر - تهران

اشتراک نشاط



نام خانوادگی:

نام شرکت یا موسسه:

آدرس:

کد پستی:

تلفن تماس:

تعداد در خواست:

یک ساله

۹ ماهه

۶ ماهه

۳ ماهه

مدت در خواست:

شرایط اشتراک

۱. تکمیل فرم اشتراک

درج کد پستی الزامی است (به فرمهایی که بدون کد پستی باشند ترتیب اثر داده نخواهد شد)

۲. پرداخت هزینه اشتراک بر اساس جدول زیر:

۳ ماهه (ریال)	۶ ماهه (ریال)	۹ ماهه (ریال)	یک ساله (ریال)
۴۲۵۰۰	۸۴۳۰۰	۱۲۶۴۰۰	۱۶۸۵۰۰

به شماره حساب: ۵۵۴۲/۵ بانک ملت (شعبه میدان فردوسی) به نام: شرکت چاپ و انتشارات جامعه روز (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت)

۳. ارسال اصل فیش بانکی و فرم تکمیل شده به: خیابان ولیعصر، روبروی جام جم خیابان شهید طاهری، پلاک ۱۵ کدپستی ۱۹۶۶۹ کبی فیش و فرم تکمیل شده را تا پایان مدت اشتراک نزد خود نگه دارید

تذکر مهم: شروع اشتراک فرمهایی که تا پانزدهم هر ماه واصل شود از ابتدای ماه بعد خواهد بود

امور مشترکین با یک تماس تلفنی نیز اشتراک می پذیرد.

همکاران ما در محل کار و منزل شما حاضر شده مقدمات اشتراک شما را فراهم می آورند.

کافی است با یکی از شماره تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.

۲۰۱۳۳۷۳ - ۲۰۱۳۵۰۰

امور مشترکین روزنامه نشاط

حضور ۷۵ کشور در نمایشگاه بین المللی تهران

گروه اقتصادی - بیست و پنجمین نمایشگاه بین المللی تهران با حضور ۱۲۵۰ شرکت داخلی و ۷۵ کشور خارجی، روز دهم مهرماه سال جاری افتتاح می شود. به گزارش خبرنگار ما، خسرو تاج رئیس کل مرکز توسعه صادرات ایران دیروز در جمع خبرنگاران گفت: «با توجه به استقبال سال گذشته، امسال نیز نمایشگاه به صورت موضوعی برگزار خواهد شد و بر این اساس شرکت کنندگان در هشت گروه کاری به ارائه کالاهای خود خواهند پرداخت. این هشت گروه عبارتند از: گروه تجهیزات و ماشین آلات، معدن و فلزات و ریخته گری، پوشاک و نساجی، شیمیایی و سلولزی، محصولات کشاورزی دامی و صنایع غذایی، نفت و فرآورده های آن، برق و الکترونیک و خانگی و دارویی، بهداشتی و آرایشی. رئیس کل مرکز توسعه صادرات گفت: «موضوعی بودن نمایشگاه باعث گردهم آمدن واحدهای تولیدی و هم صف شده است و زمینه استفاده از تجربیات و رقابت بین آنها را فراهم می آورد و از سویی باعث خواهد شد تا بازدیدکنندگان به راحتی کالای مورد نیاز خود را بیابند».

وی با اشاره به این که امسال نمایشگاه خودروسازی برای اولین بار به صورت مستقل از نمایشگاه بین المللی برگزار می شود گفت: «هدف این است که سال به سال به سمت برگزاری نمایشگاه های تخصصی پیش برویم». وی افزود: «امسال سعی شده است تا با توجه به اهداف برنامه سوم توسعه و سیاست جهش صادراتی، در این نمایشگاه کالاهای صادراتی به نمایش گذاشته شود». وی اصلاح ساختارهای مدیریتی، گسترش روند خصوصی سازی، توسعه مناسبات با جهان، جذب مشارکت سرمایه گذاری های خارجی و روند گسترش مشارکت مردم در عرصه های اقتصاد را از جمله اهدافی دانست که در نمایشگاه امسال دنبال می شود. خسرو تاج گفت: «در بخش خارجی ۱۶ کشور از قاره آفریقا، ۲۵ کشور از قاره آسیا، ۲۹ کشور از قاره اروپا، چهار کشور از قاره آمریکا و ۹ کشور از قاره اقیانوسیه شرکت دارند. همچنین ۱۰۸ شرکت بین المللی نیز برای شرکت ثبت نام کرده اند». وی افزود: «امسال برای اولین بار مصر در متراژ ۷۰۰ مترمربع حضور یافته است و عراق نیز در متراژ ۱۵۰ مترمربع شرکت خواهد کرد». وی با اشاره به این که سه کشور کانادا، آمریکا، کلمبیا و مکزیک از قاره آمریکا شرکت خواهند کرد گفت: در شرکت ایرانی که در زمینه تجهیزات پزشکی فعالیت دارند درخواست شرکت در نمایشگاه و ارائه کالاهای آمریکایی کردند که با تقاضای آنها موافقت شد.

وی گفت: «در نمایشگاه امسال دو گروه فنی، مهندسی، بازرگانی و نوآوران و مبتکران شرکت خواهند کرد».

پایبندی عربستان، ونزوئلا و مکزیک به تعهدات اوپک

قیمت نفت را بالا برد

گروه اقتصادی - پس از آن که سه کشور مهم تولیدکننده نفت در پایان نشست کاراکاس اعلام کردند مقررات کاهش تولید در زمستان سال جاری هم به قوت خود باقی خواهد ماند، قیمت نفت در ادامه افزایش ۷ ماهه گذشته خود، بار دیگر اوج گرفت.

به گزارش خبرگزاری رویتر، نفت خام برنت دریای شمال با ۵۷ سنت افزایش به ۲۱ دلار و ۴۲ سنت در هر بشکه رسید که بالاترین قیمت از اکتبر ۱۹۹۷ تاکنون به شمار می آید. این گزارش حاکی است سه کشور عربستان، ونزوئلا و مکزیک طی نشست خود در کاراکاس بار دیگر تأکید کردند که

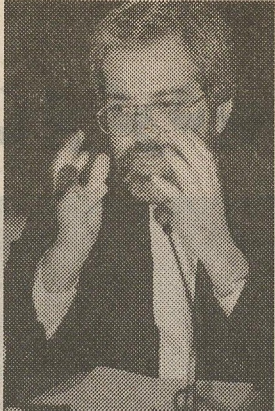
زمینه همکاری مرکز آمار ایران با دستگاههای دولتی فراهم شده است

گروه اقتصادی - بر اساس مصوبه دولت، زمینه همکاری آماری، میان مرکز آمار ایران با دستگاه های دولتی به منظور کسب آمار صحیح فراهم شده است. عباسعلی زالی رئیس مرکز آمار ایران در جمع خبرنگاران گفت: «نقش آمار در جامعه، ارزشیابی کارهای صورت گرفته و جهت دهی به فعالیت های آتی است».

به گزارش ایرنا، وی گفت: «با فراهم شدن زمینه لازم برای همکاری آماری بین مرکز آمار ایران و دستگاه های دولتی، باید تعاریف و مفاهیم در آماریگری یکسان شوند و بهترین طرح آماریگری انتخاب و استفاده شود».

زالی گفت: «تأیید آمار تهیه شده در وزارتخانه ها از سوی مرکز آمار ایران و ساماندهی آمارهای ثبتی از دستورالعمل های قابل توجه در مصوبه دولت است».

معاون سازمان برنامه و بودجه گفت: «حرکت هایی باید برای اعتلای فرهنگ آمار در کشور صورت گیرد و رسانه ها در این امر



محسن نور بخش

گروه اقتصادی - رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرد، عدم کارایی سیستم بانکی دولتی وجود بانک خصوصی را ضروری کرده است. به گزارش خبرنگار ما محسن نوربخش در دهمین سمینار بانکداری اسلامی گفت: تاکنون سیستم بانکی، مدیریت بانکی و اعطای تسهیلات دراختیار بخش دولتی بوده است.

وی با اشاره به اینکه تمامی اختیارات مدیریت سیستم بانکی به صورت دیکته شده در حد آیین نامه ها و تسهیلات تکلیفی بوده است گفت: باید فضایی ایجاد شود تا زمینه رقابت برای سیستم بانکی بوجود آید که در این خصوص تأسیس مؤسسات اعتباری و افتتاح شعب بانک ها

رئیس انجمن شیمی و مهندسی شیمی ایران سهم بخش خصوصی در تأمین هزینه طرح های تحقیقاتی کشور صفر است

رسیدن به قیمت نفت به سقف مقررات کاهش تولید لغو نخواهد شد و افزایش تولیدی در کار نخواهد بود. به گفته یکی از ناظران بازار نفت، پیاپی نشست سه جانبه کاراکاس کاملاً در راستای تصمیم های گذشته اوپک است.

وزرای این سه کشور طی بیانیه ای که انتشار دادند اعلام کردند که به خاطر تثبیت قیمت نفت، محدودیت های کاهش تولید باید تا پایان موعد مقرر یعنی ۳۱ مارس سال ۲۰۰۰ بدون تغییر به مرحله اجرا گذاشته شود.

سازمان اوپک بارها در بیانیه های خود به این نکته اشاره کرده است که با افزایش قیمت ها و

به منظور کسب آمار صحیح

نقش بسیار مهمی به عهده دارند». وی افزود: «با تشکیل ستاد تولید آمار مورد نیاز برنامه های توسعه طی هشت ماه گذشته، نیازهای آماری کشور در امر برنامه ریزی مشخص شده و تقسیم کاری در این زمینه صورت گرفته است.

وی با اشاره به ضرورت افزایش مشارکت مردم در امور اقتصادی گفت: «برای دستیابی به میانگین رشد اقتصادی ۶/۶ درصد، باید در کشور تحول صورت گیرد و مشارکت مردم و سرمایه های آنها در این امر ضروری است».

وی گفت: «میانگین سنی در کشور ۱۹/۴ سال و جمعیت زیر ۲۰ سال کشور بیش از ۳۲ میلیون نفر است».

وی میزان زادوولد در کشور را ۱/۲ میلیون نفر در سال اعلام کرد و افزود: «سه چهارم جمعیت در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. در حالی که ۱۶ درصد درآمدهای کل دنیا را به خود اختصاص داده اند و یک چهارم جمعیت دنیا در کشورهای توسعه یافته زندگی می کنند و ۸۰

اقتصادی

نوربخش:

ناکارایی سیستم بانکی وجود بانک خصوصی را ضروری کرده است

در مناطق آزاد کشور و تشکیل بانک تعاون به عنوان اولین بانک خصوصی نقش مهمی دارد.

وی گفت: در برنامه سوم توسعه پیش بینی شده تسهیلات تکلیفی هر سال ۱۰ درصد کاهش یابد و در پایان برنامه سوم به ۵۰ درصد ابتدای برنامه سوم برسد. وی افزود: همچنین در نظر است سرمایه بانک ها از پنج هزار میلیارد ریال به دوبرابر افزایش یابد.

نوربخش با تشریح وضعیت تاکنون سیستم بانکی، مدیریت بانکی و اعطای تسهیلات دراختیار بخش دولتی گفت: باوجود کاهش قیمت نفت در سال ۷۷ که منجر به کاهش پنج میلیارد دلاری منابع ارزی کشور شد خوشبختانه درحال حاضر کلیه تعهدات سیستم بانکی به روز انجام شده و هیچ نوع تعهدی متوجه سیستم بانکی نیست که این وضعیت تا پایان امسال از ثبات بیشتری برخوردار خواهند شد و درآمدهای پیش بینی شده ارزی کاملاً تحقق می یابد.

وی با اشاره به این که در این رابطه باید به تمام ابعاد قضیه توجه شود گفت: افزایش نرخ سود هر چند ممکن است به جلب بیشتری از پس اندازها بیانجامد اما این عمل می تواند ضد تولید و اشتغال باشد.

نمازی با بیان این مطلب که

رئیس انجمن شیمی و مهندسی شیمی ایران سهم بخش خصوصی در تأمین هزینه طرح های تحقیقاتی کشور صفر است

فن آوری است». ناصح زاده اضافه کرد: «سطح نازل تولیدات، وابستگی به منابع نفتی، ترکیب جوان جمعیت، بییکاری، نوسان در سیاست گذاری هاو برنامه ریزی های کلان و وضعیت نامطلوب تحقیقات، از تنگناهای عمده کشور است». وی گفت: «سهم اعتبارات تحقیقاتی نسبت به تولید ناخالص ملی در طی دهه اخیر در کشور بین دو تا چهار دهم درصد در نوسان بوده است و این در حالی است که این سهم در کشورهای پیشرفته ۲/۵ تا سه درصد برآورد می شود. همچنین براساس

فن آوری است». ناصح زاده اضافه کرد: «سطح نازل تولیدات، وابستگی به منابع نفتی، ترکیب جوان جمعیت، بییکاری، نوسان در سیاست گذاری هاو برنامه ریزی های کلان و وضعیت نامطلوب تحقیقات، از تنگناهای عمده کشور است». وی گفت: «سهم اعتبارات تحقیقاتی نسبت به تولید ناخالص ملی در طی دهه اخیر در کشور بین دو تا چهار دهم درصد در نوسان بوده است و این در حالی است که این سهم در کشورهای پیشرفته ۲/۵ تا سه درصد برآورد می شود. همچنین براساس

دومین محموله کمک های اهدایی فائو به استان گیلان ارسال شد

گروه اقتصادی - دومین محموله کمک های اهدایی سازمان کشاورزی و خواروبار جهانی «فائو» هفته جاری برای کشاورزان آسیب دیده از خشکسالی به استان گیلان ارسال شد.

این محموله شامل ۴۰ دستگاه موتور پمپ پس از انتقال هوایی از کشور ایتالیا به سازمان کشاورزی گیلان تحویل شده است. فائو ۲۰ روز قبل در اولین مرحله کمک های اهدایی خود به کشاورزان گیلان ۲۵ دستگاه موتور پمپ قوی هر یک با قدرت ۷۷ قوه اسب بخار و ۶۰ کیلومتر لوله انتقال آب ۹۶ و ۱۱۰ میلی متر به این استان ارسال کرده است. سازمان فائو امسال در سه مرحله تجهیزات آبیاری و استخراج آب های زیرزمینی به ارزش ۴۰۰ هزار دلار در اختیار سازمان کشاورزی گیلان قرار می دهد.

این تصمیم به دنبال بازدید ماه جاری یک هیأت کارشناسی فائو از مزارع آسیب دیده از خشکسالی گیلان اتخاذ شده است. استان گیلان دارای ۴۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی است که از این میزان ۲۱۵ هزار هکتار آن زیر کشت برنج قرار گرفت.



حسین نمازی

افزایش نرخ سود بانکی افزایش هزینه تولید، قیمت تمام شده کالا و بالا رفتن نرخ تورم را در پی دارد گفت: اگر این افزایش نرخ سود به افزایش قیمت ها منتهی شود منجر به عدم فروش کالا و تعطیلی مؤسسات تولیدی شده و خسارت هایی را وارد خواهد کرد که ناچار به تحمل آن هستیم.

وی گفت: در شرایط رکود اقتصادی نمی توان نرخ سود سپرده ها را افزایش داد و در این رابطه سیاست های پولی باید به گونه ای تعیین شود که بتوان با رکود و تورم مقابله کرد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: آنچه در حال حاضر در شورای پول و اعتبار و کارشناسان سیستم بانکی در دست بررسی است، کاهش نرخ سپرده های قانونی است که بانک ها نزد بانک مرکزی دارند که باید برای مقابله با رکود و تورم کاهش یابد.

رئیس انجمن شیمی و مهندسی شیمی ایران سهم بخش خصوصی در تأمین هزینه طرح های تحقیقاتی کشور صفر است

آمارهای یونسکو در سال ۱۹۹۷، هزینه سالانه تحقیقات به ازای هر محقق در طول سال های ۱۹۸۸ تا ۹۲، در کره جنوبی ۸۶ هزار و ۵۰۰ دلار، ژاپن ۷۰ هزار و ۹۶۰ دلار، آلمان ۲۲۲ هزار دلار، فرانسه ۲۳۵ هزار دلار و ترکیه ۳۷ هزار و ۲۸۰ دلار بوده است. در حالی که این رقم در کشور ایران ۵ هزار و ۳۰۰ دلار بوده است.

به گزارش ایرنا، رئیس انجمن شیمی و مهندسی شیمی ایران گفت: «اکنون تحقیقات در کشور از تحریک لازم برخوردار نیست و توسعه این بخش نیازمند عزم ملی است».

چرا شمار نمایشگاه بین المللی تهران کتاب ویژه نمایشگاه بین المللی تهران فقط تا ۲۵ شهریور فرصت دارید

طسازمان آگهیها

نشانه روزنامه

دفتر مرکزی:	۲۰۱۳۰۰۷ - ۲۰۱۳۵۰۰
دفتر میدان محسنی:	۲۲۲۱۰۸۱ - ۲۲۵۴۹۷۶
دفتر سعادت آباد (پل مدیریت):	۲۰۸۶۶۵۶
دفتر انقلاب:	۶۴۱۷۱۱۵ - ۶۴۱۲۹۰۴ - ۶۴۶۰۱۸۷
دفتر بلوار کشاورز:	۶۵۱۹۵۰ - ۶۵۰۳۶۲
همدان:	۵۲۳۰۰ - ۳۵۴۵۳
رودسر:	۸۷۸۶
تنکابن:	۲۱۳۳۵
یزد:	۴۱۷۷۳ - ۳۳۷۵۴

در ۵ ماه اول امسال ارزش صادرات غیرنفتی به یک میلیارد و ۳۰۵ میلیون دلار رسید

گروه اقتصادی - ارزش صادرات غیرنفتی در ۵ ماه اول سال جاری با رشد ۳۱/۵ درصد به رقم یک میلیارد و ۳۰۵ میلیون دلار رسید. به گزارش روابط عمومی گمرک ایران، در همین مدت ۳۶/۴ میلیون دلار کالا از طریق بازارچه های مرزی و ۴۲ میلیون دلار کالا از طریق تجارت چمدانی با کشورهای CIS، به خارج صادر شد. براساس همین گزارش اقلام عمده صادراتی در مدت مورد بررسی، از لحاظ ارزش، محصولات شیمیایی با ۲۳۷ میلیون دلار، فرش دستبافت با ۲۰۹ میلیون دلار، پسته و مغزپسته با ۱۴۷ میلیون دلار، آهن آلات با ۱۱۸ میلیون دلار، مصنوعات مسی با ۵۹ میلیون دلار، گازها با ۳۸ میلیون دلار، انواع بنزن با ۲۳ میلیون دلار و پوست سالامبور با ۱۷ میلیون دلار بوده است. وزن کالاهای صادراتی غیرنفتی در این مدت به رقم ۶۴۹۱ تن رسید که نسبت به مدت مشابه قبل ۶۳/۷ درصد رشد نشان می دهد. گزارش گمرک ایران حاکی است که در ۵ ماهه اول امسال ۷۵۶ میلیون دلار کالای صنعتی صادر شده است. میزان صادرات محصولات کشاورزی در این مدت ۲۹۶ میلیون دلار و ارزش محصولات معدنی صادر شده ۲۹ میلیون دلار بود که به ترتیب در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۷/۴، ۳۶/۶ و ۹۱/۸ درصد رشد داشته است.

اخبار کوتاه از جهان اقتصاد
افزایش بدهی مردم انگلیس به بانک ها آمار بانک مرکزی انگلیس نشان می دهد در تابستان سال جاری میزان استقراض مردم از بانک ها و مؤسسات اعتباری روندی افزایشی داشته و به سطح اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی رسیده است. به نوشته روزنامه ایندپندنت بخش اصلی این استقراض توسط مردم، به دلیل بالا رفتن نرخ سبد هزینه های خانواده در انگلیس بوده است. آمار مصرف و خرید مردم انگلیس در تابستان سال جاری نیز به بالاترین حد خود در چند سال اخیر رسیده است. در اوایل و اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی نیز انگلیس شاهد چنین روندی در استقراض و مصرف بود و این روند نهایتاً یک رکود اقتصادی شدید را در انگلیس در پی داشت. - صنایع نفت دریای شمال ۳ هزار مورد از مشاغل خود را از دست می دهد. «کوآرت» شرکت مهندسی صنعتی انگلیسی - تروژی در صنایع نفت و گاز دریای شمال تصمیم دارد ۳ هزار مورد از مشاغل خود را کاهش دهد. به نوشته روزنامه فایننشال تایمز این اقدام علی رغم روند افزایشی سودآوری این شرکت انجام می گیرد. صنعت انرژی در سوریه انرژی خورشید به عنوان دوست محیطزیست، تنها انرژی است که برخلاف انرژی های فسیلی هیچگونه آسیبی به طبیعت و محیطزیست نمی رساند. در این چارچوب دولت سوریه برای کسانی که خواهان استفاده از آب گرمکن خورشیدی هستند تسهیلاتی قائل شده است. بانک «ملی» سوریه به کسانی که قصد خرید این دستگاه را داشته باشند وامی به مبلغ ۵۰ هزار لیبره سوری «هزار دلار» در اختیار آنان قرار می دهد. با توجه به گرانی گازوئیل که عمده ترین سوخت برای مصارف خانگی در سوریه است این وسیله با استقبال شدید مردم این کشور روبه رو شده است. بهای هر لیتر گازوئیل در سوریه ۶/۴ لیبره سوری معادل ۱۲۰۰ ریال ایرانی است. جمیل عزیزالدین مدیر کارخانه ساخت دستگاه آب گرمکن خورشیدی در این زمینه گفت: این کارخانه در سال ۱۹۹۸ به میزان ۳۴۰ هزار دلار از این دستگاه ها را ساخته است اما تقاضا بیش از دو برابر توان ساخت کارخانه مذکور می باشد. وی ابراز امیدواری کرد که کارخانه مذکور در سال جاری با افزایش تولید بتواند پاسخگوی نیاز روزافزون مردم سوریه به دستگاه آب گرمکن خورشیدی باشد. ذخایر ارزی ژاپن افزایش یافت میزان ذخایر ارزی ژاپن در پایان ماه آگوست (تیم شهریور) نسبت به ماه قبل از آن، ۶۴۵ میلیون دلار افزایش یافته است. وزارت دارایی ژاپن روز چهارشنبه اعلام کرد: ژاپن هم اکنون با ۲۶۱ میلیارد و ۳۳۹ میلیون دلار ذخایر ارزی در صدر کشورهای جهان قرار دارد. ذخایر ارزی ژاپن شامل ارزهای قدرتمند خارجی، طلا و حق برداشت مخصوص از صندوق بین المللی پول است. تازه ترین آمارها نشان می دهد که چین با داشتن ۱۵۱ میلیارد دلار و تایوان با ۹۳/۳ میلیارد دلار پس از ژاپن در مقامهای دوم و سوم کشورهای جهان از نظر ذخایر ارزی قرار دارند. براساس این گزارش، هنگ کنگ با ۸۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار و آمریکا با ۷۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار در رده های بعدی قرار دارند. اتحادیه اروپا نیز در مجموع دارای ۲۸۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار ذخیر ارزی می باشد.

چرا شمار نمایشگاه بین المللی تهران کتاب ویژه نمایشگاه بین المللی تهران فقط تا ۲۵ شهریور فرصت دارید

طسازمان آگهیها

دفتر مرکزی: ۲۰۱۳۰۰۷ - ۲۰۱۳۵۰۰

دفتر میدان محسنی: ۲۲۲۱۰۸۱ - ۲۲۵۴۹۷۶

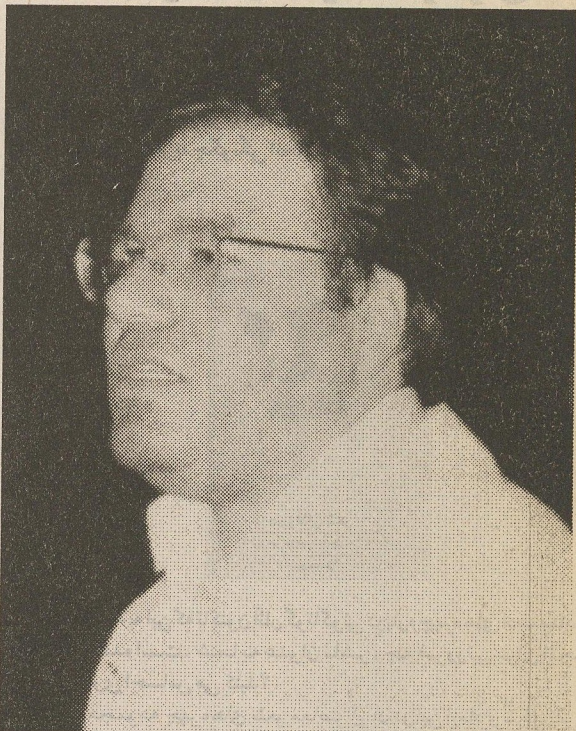
دفتر سعادت آباد (پل مدیریت): ۲۰۸۶۶۵۶

دفتر انقلاب: ۶۴۱۷۱۱۵ - ۶۴۱۲۹۰۴ - ۶۴۶۰۱۸۷

دفتر بلوار کشاورز: ۶۵۱۹۵۰ - ۶۵۰۳۶۲

همدان:	۵۲۳۰۰ - ۳۵۴۵۳
رودسر:	۸۷۸۶
تنکابن:	۲۱۳۳۵
یزد:	۴۱۷۷۳ - ۳۳۷۵۴

چهره ها و جناح ها



نشاط : بحث به هیچ وجه سر

این نیست که ما بخواهیم وارد نقد قانون شویم و بگوییم که این عمل (شورای نگهبان)قانونی است یا خیر؟ مثالی بزنم، تا این تصور پیش نیاید که این یک تفسیر جناحی است در ماجرای آقای کرباسچی - اگر نگوییم تفسیر رسمی - تفسیری که حداقل در این طرف وجود دارد این است که به هر حال وی از ظرفیت قانونی اختیارات خود به گونه ای استفاده کرده است که در یک قرائت به خلاف قانون تعبیر می شود و در عین حال به نفع یک جریان سیاسی خاص (مثلاً جریان کارگزاران یا هر جریان دیگری منجر شد). این عمل الزماً عمل غیر قانونی نیست - بحث آن باید برای حقوقدانان باشد- ولی در نهایت نوعی دور زدن و استفاده از قانون برای یک جریان سیاسی خاص است. شاید شما نتوانید دادگاه این عمل را محاکمه کنید - اگر چه آقای کرباسچی محاکمه شد - ولی در نهایت این عملی است که زیاد متناسب با ظرفیت های حقوقی نیست. در حقیقت ویژگی جریانی مانند تکنوکرات ها آن است که قانون را به ابزار و وسیله ای برای رسیدن به یک هدف سیاسی مشخص تبدیل می کند و آن هدف را والاتر از ابزار می داند و می شود این خصوصیت را به جریان های دیگر هم تسری داد. اگر دمکراسی و قواعد دمکراتیک را می پذیریم و قبول داریم که قانون محور است آیا نباید در قانون پیش از هر چیز برای رأی مردم احترام قابل باشیم و نه آنکه قانون را به گونه ای طراحی کنید که نهایتاً یک جناح از آن پیروز بیرون نیاید و در واقع یک جریان بتواند قانون را دور بزنند؟ من هم در مورد تکنوکرات ها و هم در مورد محافظه کاران این ویژگی را می بینم که از آنکه قانون را به استفاده می کنند که می توانند قانون را دور بزنند و در حقیقت با رانت های قانونی بدون آنکه عمل غیر قانونی هم مرتکب شوند، دمکراسی و قانون را دور می زنند. در مورد شورای نگهبان شما دو گزینه را کنار یکدیگر گذاشتید و گفتید شورای نگهبان رانت حمایت از خودی و هویت خود را می پردازد، یعنی در حقیقت برای دفاع از هویت بومی و ایرانی - اسلامی ما وظایفی برایش پیش بینی شده که در حال انجام آن است.

محبیان: این رانت نیست، بلکه انجام وظیفه است. قبول، از طرف دیگر فرمودید تنها جریانی که اکنون به بحث هویت خودی ما توجه می کند، جریان محافظه کار و سنتگرای مورد بحث ماست. خبر این را نگفتم که تنها جریان محافظه کار چنین می کند، بلکه به طور عام مثال زدم و گفتم که ممکن است جریان های بسیاری باشند که از سنت ها و هویت خودی دفاع می کنند. پس چرا شورای نگهبان تا به حال از جریان های دیگر حمایت نکرده است. شما می گوید که جریان راست تنها مدافع هویت خودی و بومی نیست و قاعدتاً باید ما به ازاهای دیگری هم حداقل در جریان درون نظام داشته باشد پس چرا شاهد هستیم که شورای نگهبان حتی در مورد این جریان ها به

همفکری محافظه کاران با شورای نگهبان

آیا این یک امتیاز است؟

گفت و گو با امیر محبیان
عضو شورای سردبیری روزنامه رسالت
گفت و گو از : محمد قوچانی
بخش دوم

اشاره

بخش نخست گفت و گو با امیر محبیان در صفحه مسائل ایران روز سه شنبه به چاپ رسید . سخن اصلی ما در بخش نخست بهره وری محافظه کاران از امتیازات ویژه ای بود که توسط نهادهایی مانند شورای نگهبان به آنها تعلق می گیرد. اینک ادامه این گفت و گو را می خوانید .

گونه ای برابر بر نخورد نکرده یعنی نیروهایی که ما و حداقل افکار عمومی تردید ندارند که آنها مدافع هویت اسلامی و ایرانی هستند، مشمول نظارت استصوابی و حذف می شوند. ■ ببینید بحث مصداقی، بحث دیگری است، من معتقد نیستم که شورای نگهبان از یک جریان خاصی دفاع می کند و اعتقاد دارم که یک مجموعه همگرایایی در مقایسه هایی که انجام می دهیم و همچنین در برخی از مواضع دیده می شود، همین مواضع جناحی که شما آن را محافظه کار می خوانید شباهت زیادی به مواضع شورای نگهبان دارد - هرچند مواضع شورای نگهبان قانونی است - و مواضع آنها هم از مواضع سیاسی و قانونی است. ■ شما انکار می کنید که

ترکیب اعضای شورای نگهبان از یک جناح سیاسی خاص تشکیل شده، البته من نمی دانم و این را به عنوان حسن یا قبح مطرح کنم ولی آیا اعضای شورای نگهبان گرایش

سیاسی خاصی ندارند؟

■ دو حالت وجود دارد: ما انسان خنثی نداریم و تمامی انسان ها دارای مواضع سیاسی هستند و داشتن موضع سیاسی هم نباید جرم محسوب شود، به مفهوم اینکه فرد از یک مجموعه مشاغل و یا کارهایی که دارد باز بماند همان گونه که اکنون اعضای شورای شهر مواضع خاصی دارند و در حالی که در یک کار فنی [شهرداری] نظارت دارند، مواضع سیاسی خاص خود را هم دارند و حتی ممکن است این نظر خود را در کار شورا دخالت دهند. به هر حال آنجایی که مواضع سیاسی مواضع قانونی را تحت تأثیر قرار می دهد و به قول شما قانون دست افزار این مواضع سیاسی قرار می گیرد و از تحقق حقوق واقعی مردم جلوگیری می کند، در اینجا هم قانون و هم کسانی که مسئولیتی در این زمینه دارند باید مانع شوند. یعنی دارای مواضع سیاسی خاص بودن یا شبه بودن بعضی از مواضع به موضوع بعضی از گروه ها جرم محسوب نمی شود. به عنوان نمونه مشاور سیاسی رهبری آقای خوینئی ها دارای مواضع سیاسی مشخص هستند، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام بعضاً مواضع کاملاً متناقضی با هم دارند ولی حضور آنان برای ایجاد تعادل است ما نباید بگوییم که فلان شخص که دارای مواضع سیاسی خاصی است، مجرم است و نمی تواند در فلان پست که حق شهروندی او است، حضور داشته باشد. زیرا اگر ما برای مطالعه اعمال قانونی یک فرد به اعماق اندیشه او فرو برویم، همین زمینه ساز بروز تفتیش عقاید (انگیزاسیون) خواهد شد. همان گونه که اعضای شورای شهر مواضع سیاسی خاصی دارند و ما

نمی توانیم آنها را محکوم کنیم حتی به عنوان یک گروه سیاسی، منتقد آنها نیستیم و اگر حرکت خلاف قانون انجام دهند و در مقابلشان انتقاد می کنید، ضمن آنکه نظرات خود را نیز بیان می کنیم. از همین رو انتقاد تئوریک نسبت به شورای نگهبان مانعی ندارد اما اینکه به خاطر شباهت مواضع شورای نگهبان و برخی از جناح ها این شورا را محکوم کنید و لزوماً تمام اعمال خود پایش را بیرون گذاشته است و حرکات قانونی آنها را دارای شبهه بدانیم این کار از نظر من یک نوع تفتیش عقاید و جلوگیری از دستیابی به حقوق شهروندی آنان است.

■ من هم در این زمینه با شما هم عقیده هستم، به نکته درستی اشاره می کنید اما اگر در یک خبرگان ما به این نتیجه برسیم که افراد دارای یک دیدگاه سیاسی

من معتقد نیستم که شورای نگهبان

از یک جریان خاصی دفاع می کند و اعتقاد دارم

که یک مجموعه همگرایی هایی

در مقایسه هایی که انجام می دهیم و همچنین

در برخی از مواضع دیده می شود،

همین مواضع جناحی که شما آن را محافظه کار

می خوانید و می گوید شباهت زیادی

به مواضع شورای نگهبان دارد،

قانونی است

برخورد قانونی شورای نگهبان

برای ما مبهم است و برای خود آنان مبهم

نیست. در ضمن مبهم بودن برای ما

به معنی غلط بودن و غیرمستند بودن نیست.

پس آنچه که شما در این جا

به عنوان افکار عمومی بیان می کنید، توضیح

بیشتر است و من نیز می گویم

که این حق قانونی

و شرعی و شهروندی شماست

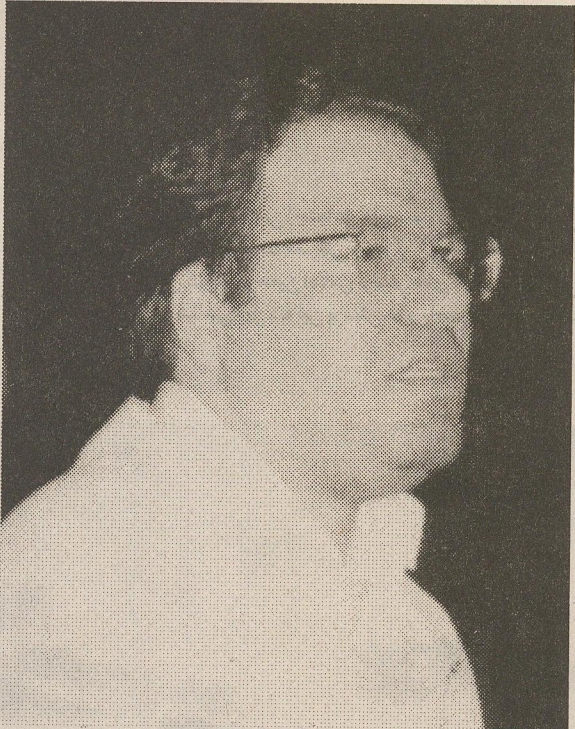
که این توضیح را بخواهید

خاص به نفع یک جریان خاص اعمال نظر کرده اند - نمونه های آن نیز بسیار زیاد است - و شما نمی توانید انکار کنید که تعداد حذف شدگان از جناح مقابل با حذف شدگان جناح همسو با حدف فزندی شورای نگهبان فاصله زیادی دارد، آنگاه شما چگونه داوری خواهید کرد؟

من اتفاقاً نمی خواهم به سراغ کسانی بروم که ممکن است مشکل قضایی و یا حقوقی و یا مشکل قانونی برای نامزد شدن داشته اند، بلکه نظر من به کسانی است که شناخته شده هستند و در داخل فضای سیاسی مجمع تشخیص مصلحت نظام - فکری حکومت همزمان در مصادد بالایی مشغول به کار بودند، آیا به نظر شما فرایند

بحث درستی باشد، همانطور که برای مجلس ششم برای برخی از آقایان در حال درست کردن پرونده برای رقیبان هستند تا به لحاظ قانونی مشکلی پیش نیاید، ولی من می خواهم فراتر از قانون بحث جامعه شناختی از طرح کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که آیا اصولاً این رفتار یک رفتار دمکراتیک است که بباییم و یک آقای خوینئی ها را که به طور همزمان مشاور مقام رهبری هستند و آقای نوری را که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند و آقایان دیگر را به دلایل مبهم بیشتر از دوستان خودمان مشمول نظارت استصوابی قرار

مسائل ایران



خدمتگزار مردم باید به خاطر

روابط انسانی موجود میان شهروندان، این ابهام ها را رفع کند. اما درباره جناح محافظه کار

معتقد نیستم که این جناح - که من به آن تعلق فکری دارم - از شفافیت ضرر می بیند و عمل غیر شفاف می کند، بلکه ما همیشه در بسیاری از موارد خواهان گفت وگوی جناح ها بودیم و هنوز هم هستیم و معتقدیم که بسیاری از ابهام های موجود در ذهن جامعه قابل رفع شدن است. ما به هویت خودی

اهمیت می دهیم و مردم هم در

انقلاب با تمام توان خود به این

خواست رای دادند و اکنون هم

به این اندیشه رای خواهند داد.

بیشترین آسیب از ابهام ها به ما وارد شده است. از گروه ما تصویر سازی نادرست و غلط در ذهن جامعه شده است که ما از

ابهام ها استفاده می کنیم،

خشونت طلب هستیم و یا امثال

این موارد در حالی که شاید ما

صریح ترین مواضع را در مقابل

خشونت طلبان اتخاذ کردیم.

درباره آرای مردم، معتقد هستیم

که آرای مردم در مقبولیت نظام

سهیم است و حرف ما حرفی

جدا از سخنان مقام رهبری

نیست که در سخنان اخیر خود تا

آن حد بر اهمیت رای مردم تأکید

کردند. ما از شفافیت ضرر

نمی بینیم و هر چه فضا شفاف تر

شود، بهتر است. اما اگر منظور

ما از ابهام ها این است که

نسبت به آن مجموعه از

نهادهای منتسب به جناح ما،

ابهام هایی در دامن جامعه مطرح

است، من این را یک ایراد اداری

می دانم. یعنی تشکیلاتی

موجود از یک سو باید این

ابهام ها را رفع کنند و بیشتر

پاسخگو باشند. در عین حال باید

این نکته را در نظر بگیرید که

وجود یک تصویر ذهنی در

جامعه، لزوماً به معنای صحت

آن نیست. بلکه مفهوم آن این

است که این تصویر ذهنی وجود

دارد و ما به همین دلیل تلاش

می کنیم تا این تصویر را اصلاح

کنیم. از نظر ما این تصویر ذهنی

موجود در جامعه نسبت به جناح

ما، ناصحیح است.

ما معتقدیم که تمام نهادهای

سیاسی، قضایی و قانونی وابسته

به هر جناح - که البته مخالف این

دعوی نیستن - یا دیو صفت نشان

دادند جناح رقیب، ممکن است

در مقطعی کوتاه نتیجه مثبتی

بگیرند ولی در درازمدت اعتبار

خود را در میان افکار عمومی از

دست خواهند داد.

جناح ما شاید این ایراد را

داشته باشد که برای دفاع از خود

از روش های مطلوب و درست

بهره لازم را نگرفته است و در

صدد دفاع جدی برآید و گمان

کرده است که مردم روزی از

حقانیت آن مطلع خواهند شد.

این در حالی است که ما باید

افکار عمومی را روشن کنیم و در

تمامی مواردی که شما ذکر

کردید، ابهام های جامعه را از بین

بریم.

ادامه در صفحه مسائل ایران

روز یکشنبه

ارامنه در کشتار ترک ها نقشی نداشتند

دکتر آندرانیک سیمونیان*

گفت وگوی اقوام

چندی پیش عباسعلی حسن اف سفیر جمهوری آذربایجان به مناسبت روز استقلال این کشور با شرکت در یک کنفرانس مطبوعاتی مطالبی بیان کردند که در این نوشتار به نقد آن می پردازم. پس از انقلاب روسیه تمامی کشورهای منطقه قفقاز شامل آذربایجان، گرجستان و ارمنستان به صورت واحد و به وسیله مجلس قفقاز به نام «سیم» اداره می شد که تحت فشار ترکیه در مذاکرات «باطومی» این جمهوری ها مجبور به اعلام استقلال شدند. قبل از همه آذربایجان و آخر همه ارمنستان .

پس از این واقعه بود که ارمنستان مورد تعرض همه جانبه ارتش ترکیه قرار گرفت و تمامی کرانه های جنوب غربی ارس یعنی تمامی مساحت ۶ ولایت در آناتولی شرقی به اشغال ارتش ترکیه درآمد این سرزمین مناطقی همچون «ایگدیر» و «قارص» را شامل می شد که در واقع مرزهای ارمنستان بود به طوریکه از ۴۸ هزار کیلومتر مربع خاک ارمنستان روسیه و سپس ارمنستان مستقل ۲۰ هزار کیلومتر آن به اشغال ترکیه درآمد و هنوز هم به همان حال مانده است.

پس از این وقایع، درگیری هایی بین سه جمهوری به وجود آمد به طوری که هر کدام از جمهوری های قفقاز در دو جبهه بر علیه دو جمهوری دیگر به جنگ پرداختند. در چنین شرایطی بود که نظام شوروی شکل گرفت و سرکوب عمومی نیروهای ملی همراه با آرامش و سکون نسبی آغاز شد. در این دوران جمهوری آذربایجان با داشتن «میرجعفر باقراف» همکار معروف «لاورنتی برایی» بلافاصله کمترین زیان ها را دید و سرزمین ها و اقوام کوچک مانند اکراد و تالش ها را در خود ادغام کرد.

به طوری که آمار سکنه کرد در روزهای آغازین حکومت شوروی در آذربایجان حدود ۱۸ هزار نفر بود که تا سالهای ۵۰ تقریباً به صفر تنزل کرد. در همین سالها باقراف با وسعت دادن این جمهوری به خارج از مرزهای شوروی نیز برآمد که ذکر جزئیات آن از حوصله این مقال خارج است.

پس از فروپاشی نظام شوروی استخوان های لای زخم ملت های منطقه خون چکان شد و این فروپاشی که ظاهراً باید به ایجاد شرایط بهتر زندگی مردم منجر می شد باعث بدبختی های بسیار و شروع جنگ های حاکمان برانداز در این منطقه شد. جنگ قره باغ نتیجه یکی از بسیار بی عدالتی هایی بود که در نظام شوروی بر ملتی رفته بود. آنجاها، آجارها، تالش ها، چچن ها، اوست ها، کردها، داغستان ها، بدخشانی ها و غیره و غیره و نیز برخی جمهوری های شوروی قربانیان تو پنه ملیت های مختلفی بودند که تنها پس از فروپاشی فرصت تجلی یافت و در کرانه دریای بالتیک این امر وضوح بیشتری داشت.

حقیقت این است که جمهوری آذربایجان پیش از ارمنستان وارد نظام

شوروی شده بود و منطقه قره باغ نیز به نظام شوروی پیوسته بود. پس از الحاق

ارمنستان به شوروی، نریمان نریمانف دبیر اول آن روز حزب کمونیست

جمهوری آذربایجان تلگرافی برای همتایان ارمنی خود فرستاد ضمن تبریک

استقرار نظام جدید قره باغ را جزء لاینفک جمهوری برادر ارمنستان اعلام کرد.

اما استالین حکم به ابطال این نظر داد و البته قرار و مدارهای او با گروه

کمالیست ها در طور خیلی روشن و واضح در کنفرانس «قارص» مورد بحث قرار

گرفت. (۲۶ سپتامبر ۱۳۲۱ اکتبر ۱۹۲۱) و روز ۱۳ اکتبر نیز معاهده «قارص»

فیمابین سه جمهوری قفقاز و ترکیه با حضور طرف روسیه به امضا رسید و منطقه

نخجوان در محدوده آذربایجان قرار گرفت یعنی ترکیه به عنوان مدعی اول قرار

گرفتن این سرزمین به عنوان حاکم آذربایجان نقش ایفا کرد. به این ترتیب در آن سال

به دست ترکیه آنچنان میناهایی بوجود آمد تا ارامنه و آذری ها حتی در صورت

خارج شدن از نظام شوروی نتوانند در صلح و آرامش زندگی کنند و دلت و

بدبختی های مردمی این جمهوری ها از همین جانشانی می شود و متأسفانه هنوز

هم پس از ۵۰ سال آتش بین تن ها در باره صلح سخن گفت.

آن پدید آمدن خطر استقرار نیروهای خارجی در منطقه است. آقای سفیر می گوید:

تجمع ۴ میلیارد دلار اسلحه روسی در ارمنستان به نفع کشورهای منطقه نیست.

در حالی که حدود هفتاد سال این منطقه جزو منطقه مستقیم یا غیر مستقیم

روسیه بود و حالا ایشان از خطر حضور نظامی روسیه می گویند. البته با ایشان

هم عقیده ام و سخن ایشان را سخن درستی می دانم اما در عین حال می پرسم آیا

تقاضای انتقال پایگاه «اینترجیک»، «پیمان ناتو» به «آبشرون» به نفع کشورهای

منطقه است؟

اینکه باکو بافاصله بعد از فروپاشی شوروی به یکی از پایگاه های امن

اسرائیل تبدیل شده است به نفع ملت های منطقه است؟ برنامه های آتی بزرگترین

پایگاه هوایی قفقاز در گنجه به نفع ملت های منطقه است؟ وجود ۲۶۰ پایگاه

ناتو در ترکیه که سابقاً برای تقابل با شوروی ایجاد شده بود و امروز خطر بالقوه ای

برای همسایگان این کشور خصوصاً ارمنستان است به نفع منطقه است؟

در بخشی از سخنان آقای سفیر آمده است. «در حالی که ترک های آذری

همواره از سوی ارامنه و با پشتیبانی روسیه در مقاطع مختلف تاریخ مورد قتل

عام قرار گرفته اند بایرنه نیست که امروزه ارامنه در سطحی وسیع از قتل عام

ارامنه توسط ترک ها به تبلیغات دروغ روی بیابورند و با انجام تظاهرات و

شعار نویسی بر دیوار به ترک ها توهین کنند».

ارامنه ای که در سطحی وسیع تظاهرات می کنند و بر دیوارها شعار

می نویسند از قتل عام ۱/۵ میلیون نفر انسان در ترکیه عثمانی سخن می گویند و

داد می خواهند. این حقیقت به وسیله اکثر دولت های جهان و تمامی مردم

آزاداندیش و از جمله برخی روشنفکران ترک تأیید شده است. در اسناد محاکمات

ترکهای جوان به وسیله کمالیست ها، یکی از موارد اتهامی همین قتل عام ارامنه

است و دولت ترکیه متأسفانه برای گریز از عواقب دیپلماتیک و مادی و معنوی

پندرش قتل عام از آن سرباز می زند و بر برابر افکار عمومی جهان از نظر اخلاقی

خود را در موقعیت بسیار بدی قرار می دهد.

حالا چرا سفیر جمهوری آذربایجان در روز استقلال کشورش نقش وکیل

مدافع ترکیه را در امر قتل عام به عهده می گیرد و با ابراز یک ادعای واهی و

گمراه کننده درباره قتل عام شد ترک های آذری به وسیله ارامنه و با پشتیبانی

روس ها واقعیت قتل عام ارامنه را مورد تعرض قرار می دهد.

اصلی آنچه به ما ارامنه یا آذری های ایران مربوط است این که ما «فیلی بل» و

«اصلی اکرم» و «دوراواغلی» دوست هستیم ما را حلاوت زیبایی ها مسحور

می کند و اینکه، حالا که شما از آغوش مام میهن به دور افتاده اید و دولتی دارید

و استقلالی قدرش را بدانید در سالگرد آن گرمایش دارید و درباره اش سخن

بگویید و عزیزش بدارید و آن را بهانه قرار ندهید برای شستن گناهان دیگران.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

امروز، همیشه



جولیانو جما
Giuliano Gemma
حرفه: بازیگر

تاریخ تولد: دوم سپتامبر ۱۹۳۸
محل تولد: رم، ایتالیا
جولیانو جما چهره ای بسیار مشهور، در ژانر معروف به وسترن اسپاگتی در عالم سینماست. نخستین نقش او در عالم سینما این بود که در یک فیلم کمدی ایتالیایی به نام «بعضی ها کچل ها را دوست دارند» در آسانسور بایستد و همراه هنرپیشه فیلم بالا برود.

در آن فیلم حتی نام او هم در تیتراژ فیلم نیامد. پس از آن نیز همچنان به بازی در نقش های فرعی در چینه جیتا (هالیوود ایتالیا) ادامه داد. جما در سال های دهه شصت در کنار بازیگرانی چون کلود رینس، برت لنکستر، لویگینو ویسکوتی، ژانی لونی تربنتینیان بازی کرد. او حتی عده ای از بازیگران مشهور آن روز سینمای ایتالیا را همراهی کرد که بعدها از لحاظ شهرت از او جا ماندند.

جولیانو نخستین نقش اصلی خود را در فیلم وسترن نیمه کمدی «السلحه ای برای رینگو» ساخته دوجیو تزاری ایفا کرد. این فیلم که در سال ۱۹۶۵ نمایش داده شد با کارگردانی قوی تزاری و موسیقی متن زیبایی که انیو موریکنه برایش ساخته بود، نام جولیانو جما را هم بر سر زبان ها انداخت و راه ترقی را برای او هموار ساخت.

آن زمان هنوز وسترن ایتالیایی نتوانسته بود جای خود را باز کند و سازندگان این فیلم ها آثار خود را آمریکایی قالب می کردند. حتی استاد بزرگی چون سر جیو لونه نام خود را باب راپرتسون گذاشته بود و جیان ماریا ولوته را به اسم جان ولز می شناختند. جولیانو جما هم مجبور بود به جای نام خود نام های آمریکایی را در تیتراژ فیلمهایش ببیند.

سال های دهه هفتاد که دوره اوج گرفتن تب سینمای سیاسی - جنایی بود جولیانو جما که در وسترن اسپاگتی به شهرت کافی رسیده بود در این سینما نیز محبوبیت خود را به دست آورد. او در سال ۱۹۷۶ به خاطر بازی نقش سرگرد ماتیس در فیلم «صحرائی تاتارها» برنده بالاترین جایزه سینمایی ایتالیا شد.

سی.ان.ان، صاحب تاریخ می شود

تاریخ شبکه خبری C.N.N، یکی از مهمترین غول های رسانه ای جهان نوشته می شود.

به گزارش رویتر، پیتر آرنت مجری سابق تلویزیون C.N.N که ماجرای جدایی او از این شبکه خبری به موضوعی جنجال برانگیز تبدیل شد شروع به نوشتن تاریخ C.N.N کرده است. در این کار بزرگ پژوهشی اد ترنر که یکی از بنیانگذاران شبکه C.N.N است نیز او را همراهی می کند.

کتابی که آرنت و ترنر خواهند نوشت سیر تحول و تکامل شبکه C.N.N را از سال ۱۹۸۰ که به عنوان بخشی از شرکت تیم وارنر کار خود را آغاز کرد تا امروز که یکی از چند شبکه اصلی رسانه ای جهان شده است دنبال می کند.

نکته جالب این کتاب آن است که هر دو نویسنده آن از کسانی هستند که با تلخی از C.N.N جدا شده اند. پیتر

التون جان پس از سکنه می خواند

سر التون جان مشهورترین خواننده و پیانیست انگلیسی بزودی نخستین کنسرت خود را پس از جان سالم به در بردن از حمله قلبی در وطن خود برگزار می کند. به گزارش B.B.C، التون جان قرار است از روز ۱۳ تا ۱۵ شهریورماه سال جاری، چهار کنسرت در فضای باز اجرا کند. نخستین کنسرت به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس یک شرکت انگلیسی است و ۳۵۰۰ تماشاگر خواهد داشت. این کنسرت در واقع یک برنامه خصوصی به شمار می آمد.

التون جان شش هفته پیش

اکازیون

۴۰ درصد زیر قیمت منطقه ، بر میابان کارگر جنوبی ، یازده مغازه نوساز با فن کولر ، شیشه میز آل ، آب جاری ، امکان پارکینگ طبقه بالای همکف ، تعدادی مشرف به فیابان کارگر جمعا ۲۰۰ متر با قیمت باورنکردنی ، معاوضه با انبار کالا سافتمان کلنگی ، آپارتمان نوساز ، قدیمی ، زمین

تلفن : ۸۰۹۵۸۲۷ - ۰۹۱۱۲۰۳۰۹۷۹

منتشر شد

کلیاتی بر ایمنی و بهداشت در کار

کتابی، دکتر سید علی حسینی

۴۴۰۸۴۸۷

کتاب فروشی اشراقی

آدرس : بازارچه کتاب مقابل دانشگاه تهران

تلفن : ۶۴۰۸۴۸۷

سینماگران در خانه خود از فیلمساز پیر سینما تقدیر کردند

آقای خاچیکیان! ما همه شاگرد شما هستیم



عکس - امید صالحی

کمک کرد.

ایرج قادری سخنران بعدی وقتی پشت تریبون قرار گرفت، گفت: «بهترین خاطرات من مربوط به زمانی است که با آقای خاچیکیان کار کردم. من عرضی ندارم». وارن، شاعر ارمنی و عضو تحریریه «آلیک» در این مراسم گفت: «همه خاچیکیان را به عنوان کارگردان می شناسیم ولی کمتر کسی می داند ایشان شاعر هم هست و سروده های زیادی دارد. من افتخار می کنم که کتاب داستان های کوتاه ایشان را ویرایش کنم و شعرهایشان را جمع آوری کنم. من یک شعر ساموئل را در آلیک چاپ کردم و بعد همه گفتند چرا ساموئل فقط شعر نمی گوید».

در ادامه مراسم ساموئل خاچیکیان در میان استقبال حاضران روی صحنه رفت و پشت تریبون قرار گرفت و گفت: «نمی دانم چرا پشت این تریبون که می آیم تسلط خود را از دست می دهم و خوب صحبت نمی کنم».

وی افزود: «صمیمانه از آقای نظام کیایی و دوستان دیگری که آمدند و صحبت کردند تشکر می کنم. من حدود چهل سال است که در سینما هستم، وقتی نه سال داشتم و در تبریز بودیم، خانه مان زیرزمین بزرگی داشت که عتکبوت ها در سیم های آن لانه کرده بودند. انگیزه کارگردانی من آن زیرزمین و عتکبوت ها بود. من و برادرم مورچه و مگس می انداختیم در تارها و عتکبوت آنها را می خورد.

با چوب آپارات ساختم و مورچه ها و مگس ها را در آن ریختم. با کمک آینه، تصویر روی پرده انداخته بودیم. یک بار صد نفر آمدند جنگ مورچه و مگس را ببینند. سخنرانان اندکی غلو کردند. من این قدر ارزش ندارم. قول می دهم در آینده فیلم های بهتری بسازم».

یدالله صمدی در این مراسم با یک شعر ترکی حرف هایش را آغاز کرد و خطاب به خاچیکیان گفت: «کوچه ها را آب و جارو کردم تا یار که بیاید گرد و غباری بر او نشیند مکاری نکرده ایم فقط از جان و دل موافقت کردیم. آقای خاچیکیان ما همه غیر مستقیم شاگرد شما هستیم. من باتوم نگهبان صحنه فیلم شما را نوش جان کرده ام که نوش جان شما باشد». این مراسم در حالی به پایان رسید که حاضران به مدت چند دقیقه به افتخار ساموئل خاچیکیان کف می زدند و او را مورد تقدیر قرار دادند».



اصول اخلاقی شکل دارد و اصلاً این خصوصیت نیز خاص فیلم های هالیوودی نیست. حتی در میان هیجده فیلمی که در بخش اصلی مسابقه از کشورهای مختلف جهان برای رقابت بر سر شیر طلایی به وینیز آمده اند، نمونه های زیادی از این گونه فیلم ها دیده می شود؛ از جمله فردریک فوئن فیلمساز فرانسوی که فیلمی به نام «ارتباط پورنوگرافیک» را به جشنواره آورده که نام آن به خوبی گویای محتوای آن است و جان سون وو فیلمساز کره ای که در فیلم «دروغ ها» به جنون های سادیستی و مازوخیستی یک مجسمه ساز پرداخته است.

در بخش مسابقه، عباس کیارستمی نیز از سینمای ایران با فیلم «باد ما را با خود خواهد برد» شرکت دارد. این فیلم که در کردستان ساخته شد، قرار است دو هفته آینده در سینما دورانی وینز روی پرده برود. کیارستمی هنوز به وینز نرفته است و در حال حاضر مشغول تهیه زیر نویس ایتالیایی برای فیلم خود است. «جسمان کاملاً بسته» تنها یکصد هزار دلار ی به بهترین اثری

ایران نام و یاد ساموئل خاچیکیان را همیشه نگاه خواهد داشت».

امیر قویلد که سال ها دستیار خاچیکیان بود، گفت: «لحظه بسیار غریبی است برای من؛ فکر نمی کردم روزی اینجا قرار بگیرم و از استادم بگویم. من با ساموئل خاچیکیانی کار کردم که فیلم دلش را نساخته. او به من آموخت که چگونه با دشواری های این حرفه کنار بیایم و چگونه در مقابل موفقیت ها مغرور نشوم. ما همواره در پس دوربین می خندیدیم. در شخصیت فانتزی

خسرو دهقان، سخنران دوم جلسه بود که گفت: «آقای خاچیکیان از باب فن، بزرگمرد تاریخ سینمای ایران است. در مضمون و حرف و پیام می شود دروغ گفت، ولی در وجه فنی نمی شود. ما به ارثه تاریخ سینمای ایران مدیون هستیم و دست ایشان را می بوسیم».

اصغر شامی سخنران بعدی در ادامه مراسم گفت: «آقای

خلق کرده بودیم که هر روز تکرارش می کردیم». پرویز پرستویی، میهمان دیگر مراسم در حالی که بغض گلویش را گرفته بود گفت: «من هیچ وقت با استاد خاچیکیان کار نکرده ام. الان هم خالم خیلی بد است. یک روز بچه که بودم دیدم

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

آرام خاچیکیان را و دیدم که

نقدی بر خشونت تئوریک

خرد و سیاست

آقای مصباح یزدی، در ادامه بحث‌های مربوط به تبیین فلسفه سیاسی اسلام، مطالبی در نماز جمعه تهران (۲۹ مرداد سال جاری) اظهار داشتند که در اغلب جراید از جمله روزنامه صبح امروز (۳۰ مرداد سال جاری) به تفصیل آمده است. در برابر مطالب مزبور البته شماری از مصلحان جامعه در سنگر دین و ملیت، به پاسخ برخاسته و بخصوص روحانیانی چون آیت الله طاهری، امام جمعه اصفهان (صبح امروز ۲۸ مرداد سال جاری) و محمد جواد حجتی کرمانی (اطلاعات) ۲۶ و ۲۷ مرداد سال جاری) نکات ارزنده‌ای ابراز داشته اند. در این مقاله سعی برآن است تا سخنان آقای مصباح یزدی نکته به نکته حلاجی و ارزیابی شود و سنجشی از آن‌ها بخصوص در تطبیق با قرآن و تحولات جاری در کشور، به خوانندگان عرضه شود:

۱- شک نیست که جامعه ما بعد از تحولات دسم خرداد اکنون به شرایطی رسیده است که امید می رود، بعد از رنج بسیار که از بی قانونی‌ها و خودسری‌های مراکز متعدد تصمیم‌گیری کشیده است به حاکمیت قانون و نهادهین شدن ارزش‌های انقلاب نزدیک شود.

رئیس جمهوری مملکت، همواره فریاد قانون و قاطعیت دولت در اجرای قوانین را سر می‌دهد و از همه می‌خواهد تا نظر‌هاو مواضع خود را در بستر قانون دنبال کنند و وقتی عده‌ای بر خلاف قانون به حریم خوابگاه دانشجویان تجاوز می‌کنند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، سرسختانه معترض می‌شود که متجاوزان مجرم هستند و باید مجازات شوند. در چنین احوالی، آقای مصباح یزدی شرایطی فرضی را مطرح می‌کند که «کار از دست دولت خارج شده و مردم باید خود اقدام کنند». آیا چنین پیشنهادی در این اوضاع و احوال راه و رسم مصلحان است؟

در این فرض، نامبرده داد سخنی می‌دهد که «وقتی با دلایل قطعی ثابت شد که توطئه علیه نظام در کار است، اقدام مردم لازم است، حتی اگر هزاران نفر هم کشته شوند» در این جا دو سنوآل مهم پیش می‌آید:

اول آن که حتی اگر برای مردم چنان فکری پیدا شد اما دولت قانونی، برای برخورد با توطئه‌ها وجود دارد آیا بهتر نیست که آنان دولت قانونی را در این راه کمک کنند

برخلاف گفته مصباح یزدی که جواز پیروی از خشم را به دست مردم می‌دهد قرآن از کسانی تجلیل می‌کند که خشم خود فرو می‌خورند

است و می‌فرماید: «مگر کسانی که پیش از دستیابی بر آنان توبه کنند و در این صورت بداندیک خداوند آمرزنده و مهربانست» را در نظر نمی‌گیرند؟ آیا این جفا نیست که ما فقط اهداف خود را در نظر بگیریم و صرفاً در جهت مقاصد خود از آیات الهی بهره‌برداری کنیم؟

۳- می‌گویند: «خشم گاهی مطلوب است و اگر انسان خشم نداشته باشد، بی‌رگ و بی غیرت می‌شود... اگر کسی قرآن را قبول دارد باید خشمش را پذیرد». اما: اولاً بر خلاف گفته سخنان مزبور که جواز پیروی از خشم را به دست مردم می‌دهد، قرآن از کسانی تجلیل می‌کند که خشم خود را فرو می‌نهند و می‌فرمایند: «موانع کسانی هستند که اذا ما غضبواهم يغفرون» (چون به خشم آیند ببخشند (شوری/۳۷)و «الكاظمين الغيظ والعافين عن الناس» (خشم خود فرو برند و از جرم مردمان در گذرند) (آل عمران/۱۳۴).

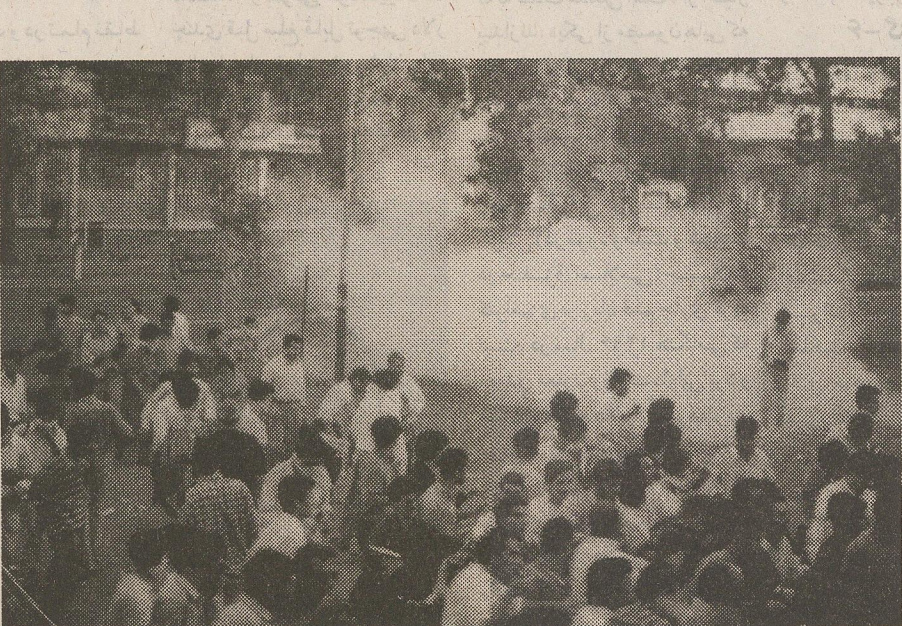
ثانیاً این بزرگترین جفا از سوی یک مبلغ دینی است که بگوید پذیرش قرآن مترادف با پذیرش خشونت است! نگارنده از ایشان و همه کسانی که ایشان را تأیید می‌کنند دعوت می‌کند تا به آیات زیر که در قرآن امثال فراوان دارد و ما فقط نمونه‌هایی آورده‌ایم، توجه کنند:

«ای پیامبر یغیر پیش گیر و فرمان به کارهای شایسته ده و از نادانان روی گردان و اگر شیطان تو را به خشم افکند، پس به خدا پناه بر که او شنوا و داناست»

ن نیست - بعد از مدتی سر از شرایط خیالی در می‌آورند و با طرح اوضاعی فرضی که هیچ‌گاه (حداقل در این دور و زمان) سر نمی‌زند و محتمل نیز نیست، حکم صادر می‌کنند! کجا ما در کشور با آتش زدن مساجد و برداشتن چادر از سر زنان روبه‌رو بوده‌ایم که به بهانه آن شرایط فرضی، آقای مصباح یزدی حکم محارب را مطرح می‌کند؟ اگر گفته شود، منظور مقابله با این امور در کشورهای دیگر است، آنان که تابع قوانین اسلام نیستند و حکم محارب - که حکمی حکومتی است - زمینه اجرا در آن ممالک ندارد!

در سوره متحنه هر چند، بتدا

و آنکه دشمن بود (چنان محبتی می‌آید که)گویی دوستی مهربان است» (فصلت/۳۴). حال ممکن است گفته شود که این گونه آیات ملاطفت و گذشت مربوط به دوران مکه و زمانی بوده است که مسلمانان قدرت نداشتند، ولی همین که پیامبر (ص) به قدرت رسید مخالفان و گستاخان را از دم تیغ گذراند برای رفع این شبهه آتایی امثال آن همواره برقرار است. حکم آیه و ثالثاً برآن کردن شهری با اهلش به هیچ وجه با آیه قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) منطبق نیست بلکه روش



دوستی مسلمان را با دشمن دین اموغ فرموده است اما در شرایط ترک مخاصمه، فرمان خشونت و حمله صادر نمی‌کنند. بلکه در انامه می‌فرماید: «خدا شما را از تکویی کردن و عدالت ورزیدن با کسانی که در کار دین با شما جنگ نکرده اند از دیارتان بیرون‌تتان نکرده‌اند منع نمی‌کند، خدا فقط شما را از دوستی با کسانی منع می‌کند که در کار دین با شما جنگیده‌اند و از دیارتان اخراجان کرده‌اند و در این راه معاونت کرده‌اند» (ممتحنه/ ۷ و ۸).

سخنان جمعه در بیانات قبلی به همه کسانی که به مواضع ایحه می‌برند یا با پیمان شکنی به کشتار مسلمانان برمی‌خاستند و به عبارت دیگر، اسلام حتی در جنگ‌های خود دافع خشونت و ضد خشونت است چنانکه می‌خوانیم «در راه خدا با کسانی که به جنگ شما برخاسته‌اند بجنگید و تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد. همانا را (که به جنگ شما اند)هر چاکه یاقبذ، بکشید و از همانجا که شما را بیرون رانند، بیرون رانید فته گوی (ولی آنان از کشتار بدتر است. شوری) هیچ‌گاه نزدیک مسجدالحرام با کسی نجنگید مگر آنان به شما حمله ورزند. (در اینصورت) اگر حمله کنند (مجازید)ایشان را بکشید که بغیر کن کافران چنین است. اما اگر باز

ایستادند، خداوند آمرزنده و مهربانست. با آنان بجنگید تا فته آنان از میان برود و دین (و پذیرش آن)برای خدا باشد پس اگر باز ایستادند، هیچ تجاوزی جز بر ستمکاران روا نیست» (بقره/۱۹۳-۱۹۰).

در این آیات ملاحظه می‌شود که چگونه قرآن جهات انسانی را رعایت کرده است و همواره تأکید بر مقابله فیزیکی با تجاوز فیزیکی دارد و به طور منظم تصریح می‌کند که به محض توقف سبیز از سوی دشمن متجاوز، مسلمانان نیز دست از پیکار بشوید. هر چند در دوران ما رسم شده است که خشونت طلبان طقه‌ای از آیات یاد شده را بر می‌دارند و بی توجه قیل و بعد از آن به هر کجای و هر می‌خواهند اطلاق می‌کنند. آقای مصباح یزدی نیز، علی‌رغم اصل تأثیر و تفکر در مطالب که مبنای فلسفه و منطق است فریاد بر می‌آورد که «هر که قرآن را قبول دارد باید خشونت را بپذیرد»! آیا با این گونه معرفی از قرآن است که ما می‌خواهیم قلوب جهانیان را به اسلام جذب و انقلاب خود را از طریق فرهنگی صادر کنیم؟!

۴- می‌فرایند«خشونت با نیزه، شمشیر، توپ، موشک و با کلت و بران کردن شهری با اهلش در چند جا جایز است یکی در جهاد که مختص به پیامبران و معصومان است... و واقعا درک این سخن از جناب آقای مصباح یزدی بسیار مشکل است زیرا: اولاً جهاد مختص ه پیامبران و معصومان بوده است پس ذکر استفاده از توپ و موشک بی معناست زیرا چنین ابزاری در دوران آن بزرگان وجود نداشته است!

ثانیاً چگونه مطلق جهاد که امر

فرهاد بهبهانی

ببخشید، البته بهتر است. اما اسلام می‌گوید اگر جایی در بیابان خلوتی دور از چشم مأموران حکومت، کسی به خدا و پیامبر اهانت کرد حکم او اعدام است و هر فرد مسلمانی موظف است شخصاً اقدام کند، غیرت دینی است! ولی آقای مصباح یزدی توجه ندارد که:

اولاً اسلام تحمل اهانت به مقدسات را قبل از غری‌ها فرمان داده است. چنان که قرآن در توصیف بنندگان خوب خدا می‌فرماید: «اذا سمعوا اللغو عرضوا عنه و قالوا لنا اعمالنا و لکم اعمالکم» (آن‌گاه که از نظر سخنران جمعه، مسلمان حق دارد خشن باشد همان‌طور که حضرت ابراهیم (ع) و پیامبر اسلام (ص) عمل کردند (تشاط، دوم شهریور محله کشورداری به شیوه حسینی‌خانی) در این باره باید گفت که:

اولاً بت شکنی ابراهیم (ع) چنان که در قرآن آمده است (انبیا/ ۶۶ - ۵۷) از باب ارائه دلیل و نشان دادن بی منطقی کار مشرکان بود و نه از سر خشونت و زورگویی. چنان که در همان آیات می‌فرماید: «فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم اثم الظالمون» (بت پرستان به وجدان‌های خویش رجوع کردند و به خود گفتند که به حق، شما ستمگرید) (انبیا/ ۶۴).

ثانیاً همه مورخان نوشته‌اند که در شرایط صلح حدیبیه و معاهده با مشرکان، پیامبر اکرم (ص) بت‌های مشرکان را تخریب نکرد و این تخریب وقتی پیش آمد که مشکران پیمان شکنی کردند و دست به کشتار مسلمان‌ها زدند و آن حضرت در موضع فاتح مکه، دستور داد خانه کعبه را از آلودگی شرک بپیرایند. چنان که آیات قرآن نیز بر این معنا گواهی است و حفظ پیمان را حتی با مشرکان محترم می‌شمرد: «مگر مشرکانی که با آنان پیمان بستید و سپس هیچ نقصانی بر شما وارد نساخند و با هیچ گروهی بر ضد شما همیشی نکرند، پس پیمان‌ایشان را - تا مدتی که بر آنان مقرر است - تمام کنید که خدا پرهیزکاران را دوست دارد» (توبه/ ۴). بنابراین در شرایط تعرض نکردن - چنانکه اکنون در هند بین مسلمانان و بت پرستان آن جا حاکم است - مسلمان به هیچ وجه وظیفه ندارد که تشبه بردارد و به شکستن بت‌ها بپردازد و به جای مقابله فرهنگی با جامعه‌جاری شود، سبید آمبی‌ها چه غم و مشکلی خواهند داشت؟! این چه

یاوه‌ای شنوند از آن روی گردانند و گویند: اعمال ما خاص ماست و اعمال خاص شما (قصص/۵۵). به روزی یکی از خوارج علی (ع) را مورد اهانت قرار داد و یاران امام دست به شمشیر بردند تا آن مرد گستاخ را کیش دهند. ولی علی (ع) فرمود: «رویدا انما بسب با غو عن ذنب» (او را وا گذارید جز این نیست که کفر دشنام، دشنام است یا غفو از گناه) (نهج‌البلاغه فیض، کلمات قصار، ۱۴۲).

ثانیاً این موضوع که اگر کسی در خلوت، اهانت‌گری به مقدسات یافت، می‌تواند او را بکشد، اشکالات بسیاری دارد. آن جمله آنکه هر کسی می‌تواند مخالف یا دشمن خود را در خلوت بیابد و او را بکشد و بعد ادعا کند که وی به خدا و پیامبر اهانت کرده است! اگر بنا شود چنین رویه‌ای در جامعه‌جاری شود، سبید آمبی‌ها چه غم و مشکلی خواهند داشت؟! این چه

مسلمانان این سرزمین زحمات فراوان کشیدند تا شائبه خشونت را نسبت به دین مبین اسلام

از اذهان بزدانند

سخنی است که کسی همواره افراد جامعه را متوجه مواردی برای قتل کند؟ وانگهی اگر مردم عامی در تکفیر افراد، اشتباه کنند و آنان را بدین محاکمه قانونی بکشند، تکلیف امنیت عمومی چه می‌شود؟! ثالثاً در باب «غیرت» که کلام رایج بسیاری از زبان‌ها بوده است و آقای مصباح یزدی آن را بالاتر از قانون شمرده است و می‌فرماید «این شخص - قاتل اهانت‌کننده به مقدسات را می‌برد دادگاه و او را محاکمه می‌کند، اما او حق داشته این کار را بکند»، خوب است مراجعه‌ای به برخی منابع تفسیر و حدیث بفرمایند. در تفسیر طبری ذیل آیه ۸ سوره نور آمده است که مردی از انصار به پیامبر گفت: ای رسول خدا اگر مردی زن خود را در حال زنا با مرد دیگری دید، آیا حق دارد او را بکشد؟ آن‌گاه آیات ۶ تا ۹ سوره نور نازل شد که نشان می‌دهد در این شرایط مرد باید به محکمه شکایت کند و قانون سوگند دادن طرفین اجرا شود. در روایت دیگری آمده است که سعبن عباده به پیامبر گفت: اگر من ببینم زنم با کسی رابطه نامشروع دارد، حق دارم او را بکشم؟ پیامبر فرمود: خیر. سعد گفت: من غیورم و نمی‌توانم تحمل کنم. پیامبر پاسخ داد: «الله و رسوله اغیر منك» (خدا و رسول او از تو با غیرت تر هستند) (تفسیر ابوالفتح رازی ذیل آیات سوره نور).

در کتاب «التاج» بخش تفسیر (جلد ۳) ۱۸۵) آمده است که فردی نسبت زناکاری به همسر خود داد. پیامبر فرمود: «البینه اوجد فی ظهرک» (دلیل روشن بیاور یا بر است!

جرمی به نام تئوریزه کردن خشونت

محمدطاهر کتعمانی

حقوق سیاسی

در حوزه فلسفه، به این پرسش که آیا قبول آزادی، مستلزم قبول طرح عقاید نقیض آن است یا نه، پاسخ مثبت داده شده است و پارادوکسی که در این جا مطرح شده این است که مخالفان آزادی، باید برای بیان عقاید خود، هم آزادی داشته باشند و همان آزادی بسنان فرشته‌ای است که سایه خود را بر سر مخالفان هم گسترانیده است. لیکن در حوزه علم حقوق

مفاهیم دقیق‌تر، جزئی‌تر و مشخص‌تر از حوزه فلسفه است و در طول قرون و اعصار حقوق‌دانان، کلمات و اصطلاحات حقوقی را چون الماس تراشیده‌اند. از نقطه نظر حقوقی در این زمینه سئوالی مطرح می‌شود که اگر کسی، در طرح آرا و عقاید ضد آزادی، خشونت را هم تجویز کند و برای سلب آزادی دیگران اعمال مجرمانه را به عنوان نسخه شفابخش تجویز کند و صراحتاً هم بگوید که مقصود از تجویز خشونت، برخورد‌های فراتر از معیارهای قانونی است و بالاخره سبب اخلال در نظم عمومی و آسایش و امنیت دیگران شود، آیا مسئولیت قانونی و حقوقی خواهد داشت یا خیر؟ پاسخ را از دو منظر گاه حقوق جزا و جرم‌شناسی به طور مختصر بررسی خواهیم کرد:

۱- از دیدگاه علوم جنایی، هنگامی که می‌خواهیم واژه «خشونت» را از سوی اشخاص غیررسمی و گروه‌های فشار معنی کنیم، پید رنگ جلوه خارجی آن در افعال مجرمانه‌ای از قبیل توهین، الفاظ رکیکه، ضرب و شتم، منازعه دسته جمعی، ایجاد مزاحمت، ورود به عتف به منازل و اماکن عمومی و خصوصی، اخلال در نظم عمومی جامعه، تخریب اموال و حتی قتل‌های انفرادی و زنجیره‌ای متجلی می‌شود. طبیعتاً این گونه اقدام‌ها جرم محسوب می‌شود و مستوجب قصاتی با توجه به سازمان‌یافته بودن تبهکاری، باید اشذ مجازات را اعمال کند.

لیکن تنها شبهه‌ای که مطرح می‌شود، این است که آیا مجرمین می‌توانند برای توجیه اعمال مذکور به فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» استناد کنند و آن را یکی از علل و عوامل موجه جرم بدانند؟ در پاسخ می‌گوییم: اولاً مطابق موازین فقهی امر به معروف و نهی از منکر بر عهده محسب است و طبق اقوال فقها، محسب (دادستان) باید قدرت رد فروع بر اصول را داشته

باشد و سایر افراد جامعه فقط در حد انزجار قلبی و تذکر شفاهی مجاز به امر به معروف و نهی از منکر هستند. ثانیاً مطابق قوانین و مقررات مجورده، به هیچ وجه امر به معروف و نهی از منکر از علل و عوامل موجه جرم محسوب نمی‌شود، زیرا قانونگذار که قبلاً به موجب بند ۳ ماده ۳۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ این مورد را از عوامل موجه جرم ذکر کرده بود، بعداً این ماده قانونی را به موجب ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نسخ صریح کرد و تاریخ اجرای این قانون، هیچ کس به بهانه امر به معروف و نهی از منکر مجاز به ارتکاب جرم و اخلال در نظم عمومی و امنیت و آسایش و هتک نوامیس دیگران نیست.

پس از آن که دانستیم اعمال خشونت، در اشکال مختلف جرم محسوب می‌شود و توجیه شرعی و قانونی ندارد، سئوال اساسی دیگری مطرح است که مسئولیت تکبری متوجه چه کسانی است؟ آیا کسانی که در محافل و اجتماعات و تریبون‌ها با تعابیر فلسفی، کلامی، فقهی و تحت عناوین مبارزه با تهاجم فرهنگی، غریزدگی، استعمار، استحاله فرهنگی و هر چه بر این وزن است، گروهی ساده اندیش و مزدبگیر را به جان مردم می‌اندازند و آنان را تحریک و تهییج به ارتکاب جرم می‌کنند در حکم معاون جرم هستند یا خیر؟

مطابق نص صریح ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پاسخ مثبت است زیرا ماده مذکور، صراحتاً مقرر داشته است که هر کس دیگران را تحریک، تهدید، تطمیع و ترغیب به ارتکاب جرم کند یا وقوع جرم را تسهیل سازد، یا طریقه ارتکاب جرم را ارائه دهد، معاون جرم محسوب می‌شود و مطابق ماده ۲۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، حداقل مجازات قانونی مباشر جرم را دارد. ۲- از زاویه جرم‌شناسی، مسئله به گونه‌ای دیگر قابل بررسی است. از زمانی که جنبش دفاع اجتماعی از سوی سه تفنگدار جرم‌شناسی (فرمی - لومبروزو - گاروفالو) پدید آمد و یک قیام بشری‌دوستانه به منظور رسیدگی به علل و عوامل زیستی - روانی - اجتماعی جرم (Bio-pesico-social) پدید آمد، افق‌های جدیدی در حقوق جزای کشورهای مختلف جهان پدیدار گشت. این نگرش که در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان «پیشگیری از ارتکاب جرم و اصلاح مجرمین» با وظایف قوه قضائیه قرار گرفت، مستلزم آن است که مواجیه با «پدیده جرم» و مراحل «تکوین جرم» بر اساس یک سیاست جنائی صحیح عملی شود و ریشه‌های ارتکاب جرم و عوامل جرم‌زا خشکانیده شود.

مسئله مورد بحث ما نیز دستگیری عده‌ای چماق‌دار و حتی مجازات کردن آنان و درمان آسیب‌های وارده نبوده و در حکم مبارزه با معلول است. تعبیری را که رئیس جمهور محترم جناب آقای خاتمی درخصوص تئوریزه کردن خشونت به کار بردند و از آن به عنوان «طغیان علیه دولت اسلامی» یاد کردند، در علوم جرم‌شناسی معادل کلمه «طغیان» «حالت خطر ناک» ذکر شده است. یعنی اشخاصی که زمینه‌های اخلال در نظم عمومی جامعه را فراهم می‌آورند؛ هرچند که مطابق تعریف‌های قانونی، جرمی هم تحقق نیافته باشد، باید نسبت به آن واکنش اجتماعی نشان داد که جرم‌شناسان این واکنش اجتماعی علیه حالت خطر ناک را به عنوان «دفاع اجتماعی» نام نهاده‌اند.

در حقوق ما نیز هرچند درخصوص «حالت خطرناک» قانونی تحت عنوان «اقدامات تأمینی و تربیتی» در سال ۱۳۳۹ تصویب شده است، لیکن راه کارهای عملی و اجرایی، به‌ویژه در رابطه با موضوعات سیاسی و اجتماعی معین شده است.

حال که سازمان ملل متحد در کنگره ۱۹۸۰ مسئله «مجرمین ابرقانون» را که از طریق توانایی‌های مالی، سیاسی و اقتصادی در قبال اعمال تعرض آمیز آنان به شهرزندان عادی، بدون مجازات باقی می‌ماند، در دستور کار خویش قرار داده است، جای خوشوقتی است که رئیس محترم جدید قوه قضائیه نیز پیشگیری از ارتکاب جرم و مبارزه با مجرمین یقه سفید را نیز در برنامه توسعه قضائی خویش قرار دهد.



ایران زیر حکمه

۵۸ سال پس از شهریور ۲۰

صفالدین تبرائیان

اشاره:

صبحگاه سوم شهریور ۱۳۲۰. ش با تهاجم قوای انگلیس از بخش های جنوبی و شوروی از بخش های شمالی ، به رغم قوانین بین المللی، بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم نقض شد و کشور به اشغال متفقین درآمد. آنچه اشغالگران به عنوان اسباب تجاوز به ایران بر شمرند بهانه ای واهی بیش نبود. آن‌هجوم را تنها اصطلاک منافع طرفین در گیر – متفقین و متحدین– در جنگ موجب شد. به هر حال ، به رغم داعیه های مهاجمان در پاسداری از آزادی و حق حاکمیت ملت ها ، آن چه از سلوک آنان بر ایران زمین گذشت جز تلخکامی و تجاوز ظلم ، ویرانی و قحطی ، گرسنگی و فقر ، بیماری و مرگ نبود.

گروه داخلی



آلمان ها تبلیغات فراوانی از سوی متفقین صورت گرفت. به ظاهر بهانه تجاوز آنان به خاک ایران ، حضور آلمان ها در مراکز حساس صنعتی و عمرانی ایران بود. لندن و مسکو در یاد داشت های متعددی به دولت ایران ، ادامه حضور آلمان ها را به زیان منافع خود می دانستند و خواستار اخراجشان شده بودند. متفقین از وجود بیش از ۷۰۰ تکنسین آلمانی در مراکزی چون رادبو ، راه آهن ، پست و ... نگران بودند. این درست که از لحاظ دادوستد خار خرابی با ایران ، آلمان ها با حدود ۴۵ درصد مقام نخست را به خود اختصاص داده بودند یا این که لیندن باروت آلمانی ، جایگزین میاسپوی آمریکایی شده بود و سرخ امور مالی به عهده دار او بود و مدیریت بانک ملی را نیز عهده دار شده بود یا این که مقدار منتهایی پنبه و شمش از ایران به آلمان فرستاده می شد که بدان نیازمند نیز بود. اما در بعد نظامی آلمان حضور تعیین کننده ای نداشتند. تعداد افسران اطلاعاتی آلمان در ایران نیز بسیار اندک بود به زعم متفقین ، ستون پنجم آلمان ها در ایران فعال بود و «فرانتس مایر» از رهبران «اس.اس» و «ایرلس» که به ظاهر باستان شناس بود، هر دو رهبری عملیات اطلاعاتی – امنیتی آلمان ها را عهده دار بودند. موضوع فرمانده لشکر ما از یزد سر در آورد. چند کامیون ارتش که باید خواروبار قسمت ها را به جبهه می برد ، مأمور حمل اثاثیه فرمانده لشکر شد حتی منزل ، اثاثیه فرمانده لشکر حتی خرد و ریز منزل را بار کردند و به سوی تربت حیدریه ، بعد یزد و تهران حمل کردند. او که رقت به دنبالش رئیس ستادش و دیگران رفتند. طبعاً وقتی فرمانده لشکر به این ترتیب مرکز فرماندهی خود را رها کند ، معلوم است دیگران چه می کنند. فرمانده هنگ پیاده که مشهدی هم بود ، حتی زغالی را که برای سوخت زمستانش ذخیره کرده بود ، با خود حمل کرد و جیم شد. یکی دیگر از افسران پیاده که آن روزها در تربت حیدریه بود می گفت: «ما شب ها در منزل فرمانده لشکر نه به خاطر حفاظت ، بلکه مراقبت نگهبان می گذاشیم که مبدا فرمانده لشکر قرار کند ، ولی یک روز صبح ناگهان متوجه شدیم که او فرار کرده است!».

گرایش پهلوی اول به آلمان
در زمینه رویکرد رضاشاه به

شوروی می نماید تا راه دسترسی آنان به روسیه مسدود و امدادسانی متفقین ممکن شود زمان اجرای این عملیات در ماه تعیین شده بود و تعداد ۵۰۰ هزار سرباز و افسر برای تحقق هدف های تعیین شده تدارک دیده شده بودند. آنچه در قلمرو شرکت نفت ایران و انگلیس قرار دارد و منطقه حمایت یک دولت اسلامی ، یعنی امپراتوری عثمانی است. حرکت جدایی روحانیت در رویارویی با تحرکات روس و انگلیس در حوزه ایران و منطقه بین النهرین عراق و حتی در طرابلس عربی و الجزایر ، جنبشی هوشمندانه است. اما در واقع جنگ جهانی دوم ، دیگر خبری از امپراتوری عثمانی نیست. این دولت متصرف و پنهانوار مصر به همتای آلمانی خود در تهران نیز مواقع آنچه می خواست رخ دهد را گزارش داد. وی نقشه پیش از حمله ساخت که این نقشه پیش از حمله نیروهای آلمان به شوروی ، طرح ریزی شده است. اما به رغم آن که دیکتاتور از تهاجم قوای بیگانه به ایران آگاه بود ، هیچ اقدامی صورت نداد. ارتش وی نیز به مشابه صورت «اردوی شاهی» و «گارد سلطنتی» بود. وظیفه مبرم نیروی نظامی حفظ و حراست از «شاه» بود. ایران سرزمین کهن است که در طول تاریخ به دفعات مورد تهاجم واقع شده است. اما آنچه پیش از اشغال کشور در شهریور ۱۳۲۰ در هر ایرانی را می خراشد ، سرعت تهاجم و تسخیر و فروپاشی نیروی نظامی ایران است. فروپاشی قوای ایرانی – قوایی که گویی تنها به کار سان ورژه می آمدند و به گاه پیکار ، جز مواردی معدود و محدود ، پایداری پیشه نکردند. این همه دستاورد دو دهه دیکتاتوری و بی خبری رضاخانی بود. ارتشی که رضاخان آن همه تبلیغ برای آن به راه انداخته بود و تشکیل آن را از خدمات بزرگ و بی نظیر خود می پنداشت ، به دلیل ماهیت رژیم استبدادی و بیگانگی با مردم ، خیلی زود تسلیم شد. سرنوشت نیروی نظامی که فاقد انگیزه های دینی و ملی باشد بهتر از این نمی تواند باشد.

رفتار سیاسی نهاد روحانیت
روحانیان شیعه حضور سیاسی فعال خود را در جبهه سیاست و اجتماع در جریان واقعه رژی ، جنبش مشروطیت و جنگ جهانی اول تا انقلاب ۱۹۲۰ عراق حفظ کردند و از این زمان به بعد اندک اندک روند غیر

دولت خاتمی از منظر شکاف سنت – تجدد

روژه صدراآ

جامعه‌شناسی سیاسی

بنیان طبقاتی انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران از حیث ماهیت طبقاتی ، به واقع انقلابی سنت گرا بود چرا که آرمان های سه طبقه سنت گرا را تبلیغ می کرد و کانون قدرت در دست این سه طبقه قبضه شده بود. این سه عبارتند از اشرافیت (نخبه گرایی ، اطاعت ، انضباط و پدرسالاری) خرده بورژوازی (تأکید بر مالکیت خُرد ، خودکفایی اقتصادی و مبارزه با سلطه سرمایه دارانه جهانی) و دهقان (اطاعت پذیری ، قسط و عدالت پدرسالاری ، قسط و عدالت اجتماعی).

ابن سه علیرغم تفاوت هایی که باهم داشتند بین سال های ۶۰ تا ۶۸ تلویحاً

حاکمیت دو گرایش بزرگ مأخوذ از این سه طبقه سنت گرا پدید آمد: (۱) گرایش اشرافی – بازاری – سنتی/ این گرایش مبلغ مالکیت خصوصی ، عدم دخالت دولت در اقتصاد به طور گسترده ، اقتصاد بازار آزاد و عدم کنترل تجارت داخلی و خارجی بود. (۲) گرایش خرده بورژوایی – رادیکال – سنتی / این گرایش مبلغ اقتصاد اسلامی ، قسط و عدالت اجتماعی ، مداخله دولت در اقتصاد ، حمایت از مستضعفان و منع ثروت اندوزی بود.

پرواضح است که عدم تطابق سیاست های گرایش نخست با گرایش دوم و منازعه خاموش این دو نهایتاً به نفع یکی از طرفین خاتمه یافت. در پی این منازعات طبقاتی ، سیاست های گرایش نخست بر حریف چیره شد و از سال ۱۳۶۸ به بعد تأکید بر خصوصی سازی و سیاست های سرمایه دارانه ، گرایش دوم را تا حدی به ورطه انفعال سیاسی کشاند. در این میان تکلیف نیروهای اجتماعی مدرن خاصه روشنفکران مشخص بود: طیف وسیعی از نیروهای مدرن به حالت اغما فرو رفتند.

دولت خاتمی و مسائل طبقاتی

در جوامعی که دولت مبتنی بر سیاست های سلطه سرمایه دارانه حرکت می کند همیشه سعی می شود میان نیروهای سلطه گر نوعی هم بستگی و وفاق اجتماعی حاصل آید تا قدرت از تشتت گرای و عریده و سوی وحدت گرایی سوق یابد و از سویی تلاش می شود میان نیروهای تحت سلطه و اپوزیسیون که در حاشیه قدرت به سر می برند نوعی تشتت و تفرقه پدید آید تا از این طریق دولت بتواند به نفع خود و طبقات و نیروهای اجتماعی پیشامرمایه داری را بسنج کرده و با خود همراه سازد: گرایش نخست می کوشید سیاست هایش حول این سه محور متمرکز باشد اما باید اعتراف کرد که در عمل چندان موفق نبود چرا که به دلیل خصلت دیالکتیکی قدرت ، کم کم شکاف میان نیروهای اجتماعی سلطه گر به وجود آمد و طبعاً بسنج توده ای نیز رو به اضمحلال گذاشت و از سویی نیروهای اپوزیسیون و تحت سلطه که این شکاف ها را مشاهده کردند و از طرف دیگر زمینه های هم اندیشی در میان آنان پدیدار گشت ، به سازمان یابی و تجدید قوا پرداختند و طبقات و نیروهای اجتماعی مدرن که بخش اعظم آن ها را بورژوازی مدرن و روشنفکران تشکیل می دادند در یک منازعه طبقاتی و با یک حرکت سنجیده و اندکی شگفت آور (حادثه تاریخی دوم خرداد) خود را به کانون قدرت متصل کردند.

حادثه تاریخی دوم خرداد ۱۳۷۶ گسست چشم گیری در بنیان های معرفتی – جامعه شناختی ایران به وجود آورد: انقلابی که تا دو دهه پیش خصلت سنت گرایانه را به پوپولیستی و بنیاد گرایانه داشت و متضمن آرمان های سه طبیف سنتی یعنی اشرافیت ، خرده بورژوازی و دهقان بود ، بعد از این حادثه خصلت مدرنیستی و کثرت گرایانه به خود گرفت. دوم خرداد رونداتلاف نیروها و طبقات اجتماعی مدرن را تشدید کرد و به هم فکری ها و هم سویی داهمان زد و مبلغ آرمان ها بورژوازی مدرن و روشنفکران (جامعه مدنی ، آزادی ، دموکراسی ، قانون گرایی ، کسرت گرایی و گفتگویی بین تمدن ها) گردید.

اگر به تأسی از نیکوس پولاترانس – متفکر ساخت گرا– دولت را به عنوان میدان کسب سیاست طبقاتی بدانیم ، دولت خاتمی بیانگر نوعی شکاف عمیق میان نیروهای سنتی و مدرن است. اگر از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ دولت جوانگاه کشمکش نیروهای سنتی بود ، بعد از حادثه تاریخی دوم خرداد ، دولت پهنه مبارزات و منازعات نیروهای مدرن است و این سیر دیالکتیکی در آینده ای نه چندان دور این کشمکش ها میان نیروهای مدرن را تشدید می کند.

پانوشت ها:

۱- آشنایی بیشتر با رهیافت طبقاتی به دولت خاتمی رجوع کنید به:

برای حسین بشیریه ، انتخابات سال ۷۶ از چشم انداز مبارزات طبقاتی در ایران ، راه نو ، ش ۸ ، خرداد۷۷

2- poultan2as.N. state, power, socialism london,1980
Classes in Contemporary Capitalism, london, 1975

انتقاد به نشاط

آن دو پیامبر دروغین ...

اشاره:

مطالبی که از این پس در ستون «انتقاد به نشاط» منتشر خواهد شد واتب مقالات و مواضع سیاسی روزنامه (صفحه داخلی – مسایل ایران) است. مطالب کوتاهی که شاید در اندازه های یک مقاله نباشد و آن ها را تنها باید به مثابه یک «انتقاد به نشاط» در نظر گرفت.

گروه داخلی

پرولتاریای مارکس چیزی از این قبیل است و ارتباطی با حکومت و استبداد آن ندارد و هر نوع استبدادی موجب رکود و عقب ماندگی می شود از افلاطون تا مارکس سرگرمی دانشمندان طراحی تاکجاآبادهایی ناشدنی بوده است و جهان علمی دنیای معاصر این بازی را نمی پسند. در مقاله سوسیالیسم و عدالت ، منطقی ندیدم است بدنیترفته بودن یک شوخی و مزاح است که به استبداد می انجامد. سؤال این است که چرا همه بدبختی ها و ناکامی های جوامع سوسیالیست را مخفی می کنند و مسئولیت را فرافکنی و به گردن این و آن می اندازند و از آن جوامع سرمایه داری را درشت نمایی می کنند. چرا نباید نوزایی سرمایه داری در روسیه را جشن گرفت و چرا نباید برای سرمایه داری در ایران صلوات فرستاد، دست زد و سرت کشید؟

در زمینه نظام سرمایه داری قبل مقاله ای برای سمینار سازمان برنامه و بودجه فرستادم بدیهی است بدنیترفته نشد، چون یقین داشتم هیچ روزنامه ای حرف غلط مرا چاپ نمی کند و همه به دنبال حرف های صحیح هستند آن را بیگانی کردم.

دوستی مرا تشویق کرد با توجه به مقاله سوسیالیزم و عدالت ، این نوشته را برای شما بفرستم باانامیدی اقدام به این کار می کنم.

امضاء محفوظ

بحث یکسوتنگری نشاط و مقاله سوسیالیسم و عدالت (در روز دوشنبه یازدهم مرداد) و در روزنامه نشاط در خور تعمق بسیار است. یکسوتنگری نشاط و دیگر روزنامه ها، سخن تازه ای نیست. انحصار طلبی و فقط خودی را پذیرفتن روحیه رایج جامعه ما است. گروهی به نوعی و گروهی به نوع دیگر که نشاط و روزنامه های دوم خردادی نیز گرفتار آن هستند. از نشانه های دموکراسی این است که مردم حق داشته باشند حرف غلط بزنند و روزنامه با حرف غلط را نشر دهند. هیتلر و استالین فقط کسانی را می پذیرفتند که کلام صحیح بگویند و از سخن نادرست بپرهیزند. هیچ روزنامه ای حاضر نیست نظر مخالفی را درباره سوسیالیزم بپذیرد و اعتقاد به سوسیالیزم از نشانه های روشنفکری شده است.

مقاله ای در مورد گفت و گوی تمدن ها را به اصرار یکی از دوستان برای روزنامه نشاط فرستادم و گمان دارم؛ چون خودی نبودم و چون در آن نوشته با چپگراها نظر موافقی نداشتم، پذیرفته نشد. به گمان من؛ مشکل توسعه و پیشرفت جامعه یا اعتقاد به نظریه توطئه و اشاعة فلسفه سوسیالیزم است. هزار سال دیکتاتوری ارسطو بزرگترین مستبد جهان رکود علمی اروپا را به بار آورد و اینکه دو پیامبر دروغین مارکس و انگلس قدم در این راه گذاشته اند دیکتاتوری

ادبیات

چند نکته برای داستان کوتاه کوتاه

داستان کوتاه – کوتاه، نوع (ژانر) جدیدی است که در غرب بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در تعریف این ژانر هنوز اتفاق نظری کامل حتی در بین نویسندگان غرب به وجود نیامده است. به هر حال تعداد محدود کلمات (زیر هزار کلمه) معرفه اصلی این نوع داستان هاست و خط سیر سریع و مینی مالیستی این داستان ها مشخصه کلی آنهاست. پنجاه سال پیش داستان خیلی کوتاه را فقط مجلاتی آوانگارد مثل لیرتی چاپ می کردند و این در حالی است که پانزده سال پیش مجلات وزین و معتبر ادبی غرب داستان زیر پنج صفحه چاپ نمی کردند اما ایجاز، ذائقه دنیای امروز است. با استمرار چاپ مجموعه داستان های کوتاه – کوتاه حکایت این نوع داستان نویسی به زبان فارسی هم کشیده شده و چندی است که نشریات و بخصوص روزنامه ها نمونه هایی از این داستان ها را که به قلم نویسندگان فارسی زبان نگاشته می شود به چاپ می رسانند.

شناخته شده ترین شکل توجه نشریات غرب به این گونه داستان ها، مسابقه ای است که هر ساله فصل نامه سان داگ، ساوت ایست ریویو ترتیب می دهد و در پایان همان سال بهترین آنها را معرفی می کند. به دنبال این حرکت مجله سان داگ، جیمز توماس نویسنده و مدرس ادبیات دو مجموعه از بهترین های داستان کوتاه – کوتاه گردآوری کرده و برای آنها عبارت های Flash Fiction و Sudden Fiction را برگزیده است که تفاوت بین آنها در محدوده طول داستان هاست. این دو مجموعه را اسدالله امرایی ترجمه کرده است.

دو ماه پیش مجموعه Flash Fiction با ترجمه امرایی با عنوان بهترین بچه عالم منتشر شد که نوع ادبی این داستان ها مورد توجه خوانندگان و بخصوص نویسندگان فارسی زبان قرار گرفت. امرایی برای این دو عبارت معادل های «دم داستان» و «داستان ناگهان» را برگزیده است اما معلوم نیست آیا مترجمان و ادیبان فارسی زبان هم این معادل را بپذیرند.

به عقیده بسیاری از منتقدان و مترجمان هنوز زود است تا بتوان در مورد یافتن معادلی شاخص برای این ژانرها تصمیم گرفت.

در مجموعه ای که صفحه ادبیات امروز تدارک دیده است سعی شده شباهی از این نوع (ژانر) ادبی را برای دوستاناران ادبیات معاصر عرضه کنیم. این مجموعه شامل مقاله ای است از خانم نوئل. ک. دوژزو با عنوان «داستان حاضری» که در آن شرح می دهد یافتن چنین قالبی برای نوشتن داستان تا چه حد لذت بخش و هیجان انگیز است. نوئل. ک. دوژزو نویسنده ای غیرحرفه ای است و در این مقاله تنها تجربیات خود را منعکس کرده است و داستان خانم و آقای مارتینز یکی از داستان های مجموعه دیگر جیمز توماس (Sudden Fiction) است.

نگاهی هم داریم به مجموعه «بهترین بچه عالم» که در واقع همان مجموعه ای است که جیمز توماس قبل از مجموعه Sudden Fiction گردآوری کرده بود. و برای ورود به این بحث مقدمه مجموعه Sudden Fiction را انتخاب کردیم که خود یک داستان کوتاه – کوتاه است و همکارمان مریم نبوی نژاد آن را به فارسی برگردانده است.

نوشته ادلا فان استین ترجمه اسدالله امرایی

اشاره:

ادلافان استین در سال ۱۹۳۶ در برزیل به دنیا آمده است. علاوه بر داستان نویسی در زمینه تئاتر و سینما و هنر فعال است.

فان استین می گوید: در نظر من، هر لحظه داستانی، منطق درونی خود را دارد. برای من خیلی سخت است که داستان کوتاهی بخوانم که داستان کوتاه نیست، نمایشنامه ای که نمایشنامه نیست و ایضاً زمانی که رمان نیست. ژانر ادبی به هنگام نوشتن شکل می گیرد. یعنی زمانی که آن را حس می کنیم.

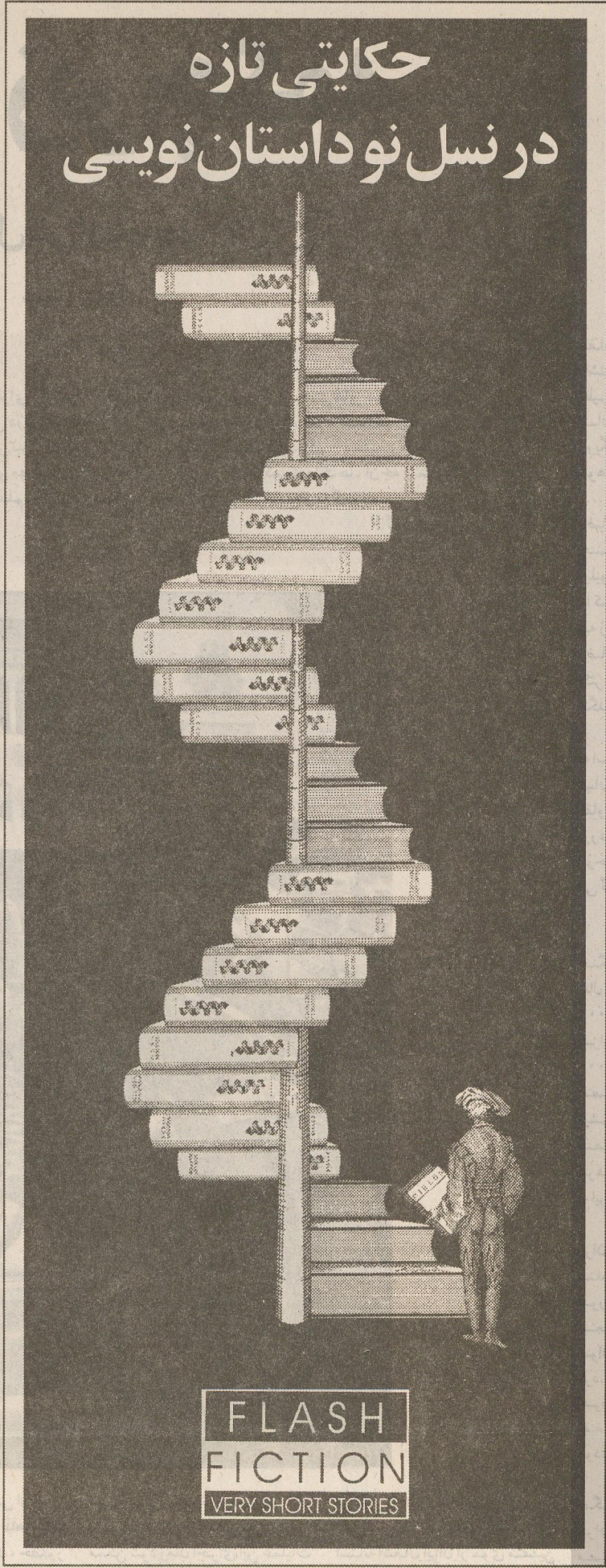
فکر نوشتن این داستان زمانی پیش آمد که به مراسم تدفین یکی از دوستان آرشیتکت خود رفته بودم و منتظر بودم تابوت را توی قبر بگذارند. محور داستان تمرین و کسب آمادگی است و طنز آن در این جاست که کسی برای مردن تمرین نمی کند. تمرین و تدارکات مال عروسی و جشن است؛ نه برای مرگ و میر. داستان توی هوا نیست. «آن» دارد زندگی مدرن بورژوازی که تنهایی، پیری و خطر از تارهای تنیده آن است.

سادگی متن در نهایت، خواننده را در آخر داستان حیران رها می کند. خواننده در می ماند که زندگی می گذرد و حواس او جای دیگری است.

تمام طول هفته باران بارید و خانم مارتینز از خانه بیرون نرفت. حتی برای خریدهای جزئی. اغلب وضع هوا را بررسی می کرد، به خیابان پر از ماشین های شسته و براق و چترهای باز چشم می دوخت، هیچ دلخوری و خستگی حس نمی کرد. فقط به نوعی تأیید می کرد؛ چه بارانی! بعد هم می رفت به سراغ تلویزیون. به رغم رفتار مودبانه و گشاده رویی، موقع چاق سلامتی با همسایه ها، به نظر می آمد دوستی نداشته باشد. آخر هیچ کس به دیدار او نمی آمد. با این همه موهای کوتاه خاکستیش را شانه می زد و کلی ماتیکی می مالید و حاضر و آماده می نشست. هیچ کس برای او نامه نمی نوشت و او همه قبض هایش را بموقع می پرداخت. روز یکشنبه سردامخ از خواب بیدار شد. آفتاب از پرده کرکه نیمه باز می تابید. گردگیری مختصری کرد و طبق معمول بهترین لباس آبریشم مشکی خود را به تن کرد، گردنبند مروارید را هم از یاد نبرد. دسته گلی از سر خیابان خرید و سرش را انداخت پایین و رفت به ایستگاه تاکسی، که آن وقت صبح خالی بود. یکی از اولین کسانی بود که وارد گورستان می شد. به آرامی قدم برمی داشت و سنگ نوشته های آشنای روی قبرها را می خواند. از طرفی می ترسید روی سنگشرفش اتجا بلغزد که هنوز سُر و خیس بود. چیز تازه ای نظر او را گرفت، «بالاخره زنت آمد تا تنها نباشی. می آقای ماریو؟» با صدای بلند خواند «کلر هلر دو آل کار ۱۹۲۴ – ۱۹۰۸. جای خالی ات را حس می کنیم». ذهنی حساب کرد، هشت از چهارده، شش، صفر از شش، شش. هشت سال بزرگتر از او بود. حالا آفتاب پشت او را می سوزاند و گل و گیاه خیس خورده را برق تر جلوه می داد. فکر کرد عجیب است مردان قبل از زنان می میرند، توی دنیا تعداد بویه ها از ایم ها کمتر است. به آرامی آهی سرداد و به بالای تپه ای که به مقبره اش می رسید تن کشید، مقبره سنگ مرمر مستطیلی بود که چند سانتی متر بلندتر از سطح زمین قرار داشت. اسم های روی آن را با حروف طلاکوب نوشته بودند. ایبل مارتینز ۱۹۱۰ فاصله، لورا مارتینز ۱۹۱۶ فاصله، شوهرش اصرار داشت که تکلیف همه چیز را تا زنده است روشن کند. ما که بچه نداریم، کی به فکر ما می افتد؟ ما حتی باید اقتدر آمادگی داشته باشیم که تنهایی زندگی کنیم. از پله آرامگاه بالا رفت، بسته ای از کیف خود دراورد و آن را روی سنگ گذاشت. از توی بسته ابزاری درآورد از همان هایی که یک طرف آن پیل است و طرف دیگرش دو تپه ای که برای همه درد خاک استفاده می کنند. بعد به آرامی خاک باغچه بالای قبر را مرتب کرد.

مرد کلاه به سر و روزنامه به دست به او نزدیک شد.

«چه گل قشنگی» خانم مارتین بی آنکه از کار خود دست بکشد، احوال او را پرسید. «مودبانه گفت: گمان نمی کنم الان فصل مناسب همیشه بهار باشد.» «درست می فرمایید، من هم تعجب کردم.» «آن ها را دوست دارم. آن ها از باقی گل ها بیشتر دوام می آورند.» خانم مارتین گل ها را که مرتب می کرد، گفت: «هرچه قدر که توی گل فروشی پیدا شود می خرم و می آورم.» «تو چطور؟ تو چه گلی را می پسندی؟» «بفشه، اما آنها خیلی کم دوام هستند.» «یکشنبه بعد نوبت من است. سعی می کنم چند شاخه پیدا کنم.» خانم مارتینز گل های پژمرده را جمع کرد و آن ها را انداخت توی سطل زباله و با دستمالی، باقی خاک روی آن را پاک کرد. گل های همیشه بهار و گل سرخ با هم



یک داستان ناگهان

مقدمه مجموعه Sudden Fiction

نوشته وابرث کوور

در روزگاری که هنوز ممکن بود. داستانی ناگهان آغاز شد. برای قهرمان داستان در آنچه پیش رو داشت هیچ چیز «ناگهان» نبود. درباره آنچه پیش رو داشت و همه عمر در انتظارآن به سر می برد هیچ چیز «ناگهان» نبود و درباره پایان احتملی که به نظر می رسید همیشه جایی در افق رخ می دهد هم. اما برای آژدها که به هر حال موجود احمقی بود، همه چیز «ناگهان» بود. او ناگهان گرسنه می شد و بعد ناگهان چیزی می خورد. برای او همیشه همه چیز مثل همان بار اول بود و بعد از آن یکباره و ناگهان به یاد آورد که قبلا چیزی شبیه آن خورده است. یک مژه ترش و آشنا... بعد هم همان جور ناگهان آن را فراموش کرد. پس قهرمان ناگهان بر آژدها غلبه کرد (او سال ها بود که درجنگل های جادو، بیابان های برهوت و شهرهای سوخته از نفس آژدها، به سختی راه می پیمود. برای او «ناگهان» کلمه دقیقی نبود). او همان طور که داشت برروی آژدها شمشیر می کشید (پایان ممکني که از دور پدیدار می شود، هرچند که افق با تصویر ناامیدانه ناگهانی «saddenness» یک ور شده بود) بر رهایی بی تید و بند آژدها غلبه خورد.

رهای؟ اگر آژدها آن قدر احمق نبود؛ درباره آن مژه ترش ناگهان آشکار(بخاطره ؟...) که در لحظه یافته بود، از او می پرسید:رهایی؟(فراموش شده بود.)

آمیختند. بوی شیرین و عطر دلچسب آن دو را فرو داد و روی پله کنار شوهرش نشست.

«این تکه روزنامه را می خواهی؟ شنیدم که باران شهرهایی را توی جنوب ویران کرده است. مقاله اش اینجاست، نگاه کن. عکس آن را هم ببین».

«خدای من، سر مردم چه بلایی آمده».

«همه خانواده یکجا لای شاخه های درختان گیر کرده اند، می خواستند از

سیل در بروند، حساب ارتفاع آب را

نکرده بودند.»

«چه وحشتناک»

خواندنشان که تمام شد، از این در و آن در گفتند تا آنکه دیگر حرفی نماند. سر ظهر سیب و بیسکویت خوردند.

«بویه شدن خیلی دردناک است؟»

«گمانم بدتر از دردناک باشد.

آپارتمان مرا آزار می دهد. خیلی بزرگ است. اگر بتوانم یک کوچکترش را اجاره کنم، خوب می شود مثل مال تو... باران که می زند نمی توانم بیرون بیایم خیلی حس تنهایی می کنم.»

«امکان ندارد. ترتیب همه چیز را

داده ایم. نمی توانی به آن عادت کنی؟»

خانم مارتینز مطیع و سر به زیر بود، بحث نکرد، موضوع را گذاشت برای فرصتی دیگر.

پرسید: «مگر تلویزیون نداری؟ نگران بود. بی آنکه سر برگرداند حرفش را زد. آن نگاه ملتسانه را می شناخت.

زن با دلشوره نگاهش کرد، یقه نمیز، پیراهن اتو کشیده و کش های واکس خورده اش را دید و گفت: «کم وبیش با تلویزیون سرگرم می شوم. تو چطور؟» اوضاع او با قبل فرق می کرد و کمزش خم شده بود.

مرد متوجه نگاه خیره زن شد.

«یادت هست آن اوایل چه وضع درب و داغانی داشتیم؟ اما تو، انگار جوان تر شده ای. خیلی خوشگل شده ای.»

ده دوازده نفری به زیارت امونشان آمده بودند، رنگ های متحرک توی چشم انداز. دیری نمی گذشت تنهایی دوباره اردو می زد. آقای مارتینز ناله کشدار خود را قورت داد.

«چند تا قسط دیگر مانده؟»

«هیچ»

«حالا چه می شود؟»

«قرار نیست چیزی بشود. می نشینم صبر می کنیم»

خانم مارتینز پرسید: «فکر می کنی اول من رفتنی باشم؟» زود فهمید چه خطبی کرد.

داستان حاضری fast-food fiction

نوشته نوئل. ک. دوژزو

ترجمه مریم نبوی نژاد

یکی از معلمام، در دبیرستانی که از آن فارغ التحصیل شدم، مجموعه داستان شگفتی انگیزی را که «وابرث شپارد» و «جیمز توماس» گردآوری کرده بودند، به منشان داد. این کتاب(Sudden fiction) نام داشت و مجموعه ای از داستان های کوتاه کوتاه بود که هیچ کدام بیشتر از دو سه صفحه نمی شد. این قطعات را نویسندگانی چون «جان آپدیک»، «جوسپ کارول اوتس» و «اودورا ولتی» نوشته بودند. استاد من «فیلیپ اوکانر» که نویسنده نیز هست و در دانشگاه ایالتی بالینگ گرین تدریس می کند، در درس فن داستان نویسی از ما خواست برای تمرین یک قطعه کوتاه یا Sudden fiction بنویسیم و من چه به عنوان خواننده و چه نویسنده، سخت گر فزار آن شده بودم. شپارد و توماس بعد از آن دو مجموعه دیگر هم منتشر کردند: جلد دوم Sudden fiction های جهان. این آخری کتاب مفصلی است شامل آثار نویسندگانی چون «کولت» «جامائیک کینگزاید»، «خولیو گوتازار» «یاسوناری کاواباتا» و «بورخس». کتاب با شفافیت تمام نشان می دهد که قالب داستان کوتاه کوتاه به راستی جهانی است.

اما وقتی توانستم از پس قالبی کوتاه تر از داستان کوتاه کوتاه برآیم، حس خشنودی در درونم سر برکشید. دو سال پیش، برای آن که مهارت های بیشتری در نوشتن داستان کسب کنم، واحد درس «نگارش» را در «UP» گذراندم. البته دلیل دیگر آن این بود که یک زن نویسنده کانادایی به نام «ایزابیل هوگان» نویسنده «داستان های الیزابت» و «شما هرگز نخواهید دانست» که من دیرزمانی او را ستایش می کردم، استاد این درس بود.

همان طور که انتظار داشتم او معلم دلپذیری بود و در طول نیمی از ترم تحصیلی، ما را وادار به نوشتن چیزی کرد که آن را «قصه کارت پستالی» می نامید. او می گفت: «کل قصه، از پانصد کلمه بیشتر نشود آن قدر که در یک کارت پستال جا شود». او ما را متقاعد کرد که حتی یک داستان کوتاه و بخصوص داستان کوتاهی به این مختصری می تواند همه عناصر بهترین داستان ها را در خود گرد آورد. هوگان باتاکید به ماتوصیه می کرد که قصه دل خود را بگوید، لرزه های نیرو و انرژی را بگیرد و آن را هدایت کند.

همه مایاد گرفتیم که «قالب» در واقع، نوعی ورزش است. نه فقط توان نوشتن را به شما باز می گرداند، بلکه به چشمان شما می آموزد که نکات قابل توجه و کوچکترین جزئیات را پیدا کنید. اندکی بعد از گذراندن آن کلاس، بر حسب اتفاق، به مجموع ع قصه دیگری برخوردم که جیمز توماس با همراهی «تام هازوکا» آن را گردآوری و تدوین کرده بود. قصه ها بسیار بسیار کوتاه بودند. کتاب، فلاش فیکشن(flash fiction) نام داشت و شامل هفتاد و دو داستان بسیار کوتاه بود که هر کدام از آن ها در حدود پانصد کلمه بود.

flash fiction، چه چیزی ممکن بود دقیق تر و درست تر از این تعبیر باشد؟ بارقه ای از نور یا شاید برقی تند و ناگهانی که در چشم کسی روشن شود، برق تفاهم. پانصد کلمه چیست؟ و قتم واژه ها، در کنار هم چیده شوند تنها یک برگ کاغذ را در بر می گیرند. اما باهم، همین کلمات می توانند لحظه ای را به وصف بکشند، واقعیت روزمره را بجویند و یک عمر را پیشگویی کنند. اگر به آن شکلی استعاری دهیم، پانصدکلمه داستان می تواند یک شعر ناب باشد.

این کلمات می توانند شخصیتی را تسخیر کنند، صدایی را ضبط کنند، بخشی از چهره انسانیت یا حیوانیت آدمی را تصویر کنند.... و بدین سان، روشنایی بخشدند.

قالب اثر به اندازه چرخه آفرینش آن، شوق انگیز است و مهارت می طلبد. دقتی که شباهت بسیاری به دقت یک جواهر ساز دارد هنگامی که قطعه ظریفی از یک جواهر را می تراشد و یا وقتی که مهندسان یک ریز پردازنده (میکروچیپ) را طراحی می کنند. نویسنده باید ظرافت و دست قوی داشته باشد و بینشی تیزبینانه که جزئیات را راست و درست دریافت کند. در عین محدودیت ساخت، جهانی از امکانات بی پایان آشکار می شود. حتی وقتی همه چیز موجز و فشرده باشد، امکانی در خالص ترین و ناب ترین عنصر فرا می رسد: نور، آب، خون، خنده، شادی، خطر، هوا، چیزی به شیرینی چهره یک کودک.

مادرم، نویسنده ای است که طرفدار پروپاقرص وزن جمله های بلند است. او از روش آسان سازی نویسندگان امروزی که از بندهای یک خطی و جمله های پراکنده و بی سروته بهره می گیرند، عصبانی می شود و به آنان به دیده شک و تردید می نگرد. او می گوید: «چندان مطمئن نیستم که طرح ایناین... این داستان های حاضری(fast-food fiction) را اپنسندهم» و شاید حق یا او باشد. شاید من تنها یک محصول نسل «MTVباشم و نه آنچه فکر می کنم. هر چند عصر تلویزیون، کامپیوتر و اینترنت، خبر از زوال خواندن می دهد. اما آن چنان که «سون بپرکر»نویسنده «مشریه های گوتنبرگ» اظهار می کند، شاید داستان حاضری(fast-food fiction) «دقیقا همان چیزی می باشد که نیاز داریم. به هر حال این داستانی است که می توان آن را ظرف چند دقیقه جوید. تأثیرهای فلاش فیکشن(flash fiction) بسته به کیفیت و ساختار، ممکن است به راستی خوانندگان امروز را به خواندن بیشتر ترغیب کند.

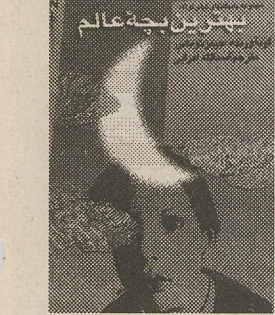
برای من بیشتر قالب این نوع قصه شوق انگیز است. قصه های کوتاه من اغلب بیش از نیست صفحه به درازا می کشند و جمله هایم مانند جمله های مادرم گیج و بی هدف پرسه می زنند (حتی به خوبی جملات او نقطه گذاری نشده اند). در واقع من مشکلات بزرگی با جفت و جور کردن و همدفند کردن آن ها دارم.

شاید برای همین است که داستان حاضری(flash fiction) flash) آن قدر جذاب است و حرفه ای شدن در آن مهارتی می طلبد که عمیقاً آرزو می کنم آن را به دست آورم.

اکتون، من رمان را دوست دارم. رمان کوتاه هم محاسن معلوم خود را دارد حتی وقتی که به درازا می کشد، برای من می تواند یک داستان کوتاه خوب هم از «فالکنر» و «همینگوی» و هم از «الکس منرو» و «ریموند کارور» باشد. این داستان های کوتاه کوتاه کوتاه – هر نامی که برای آن انتخاب کنیم – وجود دارند و به نویسندگان و خوانندگان آنان، امکانی یکسان برای شادکامی می دهند. چقدر شگفت انگیز است که راه های بسیار داریم تا به افتخار داستان، به همان خوبی که آن را خلق می کنیم، جشن بگیریم و هورا بکشیم.

نگاهی به کتاب

بهترین بچهٔ عالم (مجموعه داستان‌های کوتاه – کوتاه)



گردآورنده: جیمز توماس

ترجمه: اسدالله امرایی

نشر رسانش ۱۳۷۸

این مجموعه همان Flash Fiction است که در این صفحه در مقاله خانم دوژزو هم از آن یاد شده است. این کتاب شامل ۶۰ داستان از ۷۲ داستان مجموعه اصلی است که گویا مترجم با متولیان ارشاد یا ناشر به دلیلی ۱۲ تای باقیمانده را حذف کرده اند.

جیمز توماس در مقدمه کتاب به شرح

ماجرای گردآوری این مجموعه می پردازد و یکی از توصیف های خود را از ژانر Fiction Flash غیر از تعداد حدود ۷۵۰ کلمه بودن داستان ها امکان عرضه آن در یک صفحه می داند اما در ترجمه و ارائه کتاب بهترین بچه عالم یا به دلیل اثری که اصولاً ترجمه بر متن می گذارد و یا به دلیل سلیقه ناشر در انتخاب اندازه فونت و صفحه آرای، گاه طول داستان های این کتاب به ۲ تا ۵ صفحه هم می رسد.

داستان بهترین بچه عالم یکی از بهترین های این کتاب است. این داستان قصه فرانکی گورکی پسر بچه ای است که بسیار حرف شنو است ولی به نظر کمی کودن می آید: «اما او زرنگ ترین بچه محل نبود» ص ۱۴۵.

تمامی داستان های این مجموعه به تأیید توماس پختگی کامل را در عین ایجاز دارند. اما ترجمه اثر به وسیله یک مترجم باعث شده که همه ۶۰ داستان لحنی یکسان داشته باشد که متأثر از لحن مترجم است در حالی که ۶۰ نویسنده (حتی در برخی موارد از کشورهای مختلف) آنها را نگاشته اند. شاید چنین مجموعه هایی برای آن که خواننده فارسی زبان به این ژانر، آشنایی کامل پیدا کند بهتر می بود تا ترجمه های مختلف و به وسیله یک نفر گردآوری شود یعنی مطابق با همان کاری که جیمز توماس کرده است.

آکپی ویژه



فیلمی از: رسول صدراعظمی
بزودی در سینماهای
تهران و شهرستان‌ها

نشا: ۱۰۰۰ ریال

روزنامه جامع مدنی ایران

پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۳۷۸ • ۲۱ جمادی الاول ۱۴۲۰ • دوره جدید • سال اول • شماره ۱۴۸ •

PRICE: 1000 RIALS

از ویژه پنجشنبه‌ها ۲۰ صفحه

پیف پاف جایزه بگیرید

در یکی از صفحات همین روزنامه

پکن زبردربایی هسته‌ای روسی می‌خرد

آقای خاجیکیان ما همه شاگرد شما هستیم

ناکارایی سیستم بانکی وجود بانک خصوصی را ضروری کرده است

رهبر انقلاب: هیچ کس نمی‌تواند منکر طرفداری بنده از آزادی فکر بیان و قلم در کشور باشد

دخلی Domestic داخلی Domestic

بین المال International ادب و هنر Arts & Literature

۲۰ صفحه ۲ صفحه ۳ صفحه

وزیر اطلاعات در جلسه معارفه مدیر کل اطلاعات استان گلستان اعلام کرد

هیچ فرد و گروهی حق ندارد در زندگی خصوصی مردم تفتیش کند

گروه داخلی - وزیر اطلاعات برقراری امنیت اخلاقی را از وظایف وزارت اطلاعات دانست و گفت: «هیچ فرد یا گروهی حق تعرض به احوالات شخصی مردم و تفتیش در زندگی خصوصی آنان را ندارد».

به گزارش ایرنا، علی یونسی در جلسه معارفه مدیر کل اطلاعات استان گلستان در سخنانی اظهار داشت: «مردم از هر طبقه، گروه و مذهب که باشند در زندگی خصوصی خود آزادند و این احساس را باید عمیقاً درک کنند که احوالات شخصی آنها مورد تعرض هیچ کس قرار نخواهد گرفت».

وی رعایت حرمت‌ها، ضوابط و مقررات اجتماعی را نیز یک وظیفه همگانی دانست و گفت: «در عین حال هیچ کس حق ندارد اعتقادات، ارزش‌ها و قوانین جامعه را مخدوش کند و یا به ریشخند بگیرد».

وی در مورد امنیت رسانه‌ها گفت: «مطبوعات و رسانه‌های ارتباطی از امنیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده و این امنیت حسن بزرگی که دارد این است که باید اخبار و

وی گفت: «متأسفانه برخی از نشریات با درج اخبار کذب تحریکات منفی ایجاد می‌کنند».

یونسی گفت: «در جامعه ما خبرنگاران نقش بزرگی در تأمین آزادی برای خودشان

رسول منتجب‌نیا در گفت‌وگو با نشاط

بعید به نظر می‌رسد که گروه‌های فشار بدون حامی باشند

وی افزود: «اگر خوب عمل کنند این آزادی‌ها بیشتر شده و اگر بد عمل کنند به آزادی لطمه خواهند زد».

وی افزود: «نظام ما اکنون برای دفاع از آزادی مطبوعات و حفظ حریم آزادی مطبوعات بسیاری از تخلفات را تحمل می‌کند».

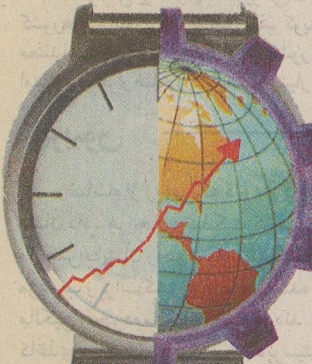
وزیر اطلاعات در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «گروه‌های فشار گروه‌های بسیار محدود و معدود بوده و حتی رنگ جبهه و جنگ را هم ندیده‌اند».

وی افزود: «این جریان‌های فشار هیچ ارتباطی با بسیج، نیروهای مسلح و ارگان‌های جمهوری اسلامی نداشته و از اینها تغذیه نمی‌شوند حتی جریان‌های سیاسی نیز این گروه‌ها را تغذیه نمی‌کنند».

توضیح روزنامه نشاط

همین صفحه ۳ صفحه

گردانندگان روزنامه جامعه توس و نشاط منتشر می‌کنند



روزنامه اقتصاد جامعه مدنی ایران

هفته بانکداری اسلامی گرامی باد

بانک کشاورزی

در خدمت جامعه شهری و روستایی ایران

تلفن‌بانکی

بانک کشاورزی

با امکانات ویژه تلفن و ارسال فاکس ONLINE

خدمات تلفن‌بانکی بانک کشاورزی با خدمات اختصاصی زیر:

- اعلام آخرین موجودی با تلفن و نامبر
- ارسال حد اکثر ۲۵ گردش از آخرین عملیات مالی انواع حسابهای بانکی از طریق نامبر
- اعلام ۳ گردش آخر حسابها با تلفن
- اعلام یک گردش به خصوص با ورود شماره چک و یا شماره فیش به کمک تلفن
- اعلام وضعیت چکهای به حساب گذاشته سایر بانکها، با ورود شماره چک و اکذار شده
- اعلام سود محاسبه و واریز شده به حساب برای سپرده‌ها
- دریافت آخرین اطلاعات از وضعیت انواع حسابها تا قبل از تماس

۳۱۴۶

توضیح روزنامه نشاط

۱- چاپ یادداشت «آیا خشونت دولتی مجاز است» در ستون تریبون شماره ۱۴۰ روزنامه نشاط در شرایط زمانی خاصی اتفاق افتاد که بحث خشونت، محور بحث‌های مطبوعاتی بود، و به همین دلیل فهمی که مسئولان ذیربط روزنامه از این یادداشت داشته‌اند صرفاً در ارتباط با نفی خشونت در حوزه رفتار حکومت‌ها بوده است و هیچ گونه درکی دایر بر تمایز بین مقدسات از آن صورت نگرفته بوده است. در غیر این صورت مجوز چاپ و انتشار آن در «نشاط» مطلقاً صادر نمی‌شد.

۲- مسئولان این روزنامه هیچ گونه ربطی میان بحث اعدام و تلقی آن به عنوان نمودی از خشونت دولتی و بحث قصاص به عنوان یک حکم قرآنی احساس نکرده‌اند. مقاله مذکور به هیچ وجه نامی از قصاص نبرده است و به همین دلیل، این تلقی که محکومیت اعدام می‌تواند شمول داشته باشد و به طور غیرمستقیم محکومیت قصاص را القا کند، دور از ذهن بوده است. برداشت روزنامه از مقاله مذکور این بوده است که حکم اعدام صرفاً در ارتباط با قوانین موضوعه حکمرانی و عرفی همچون اعدام در همایش تقویت نهاد‌های مدنی و سازمانهای غیردولتی وزارت امور خارجه:

اهمیت نقش سازمانهای غیردولتی در شکل‌گیری جامعه مدنی و گسترش حقوق بشر بررسی شد

این مقام وزارت امور خارجه همچنین بر نقش سازمانهای غیردولتی در گسترش حقوق بشر تأکید کرد.

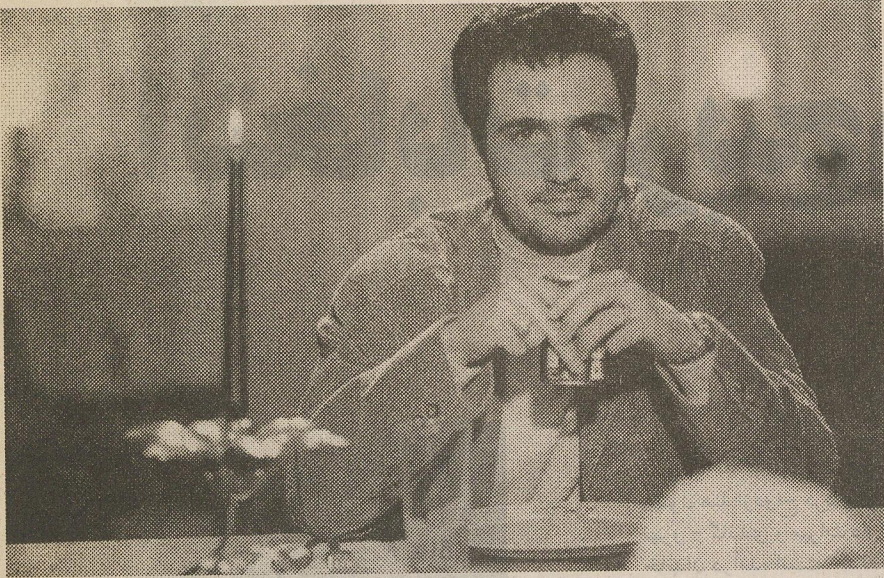
براساس این گزارش یک کارشناس وزارت امور خارجه نیز در این همایش نقش وزارت امور خارجه را در تقویت ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی سازمانهای غیردولتی تشریح کرد و افزود: «دوم خرداد به حرکت آغاز شده در مورد سازمانهای غیردولتی شتاب بخشید و با تأکید آقای خاتمی بر اهمیت جامعه مدنی، فرصت‌ها و زمینه‌های رشد و تقویت بیشتر سازمان‌های غیردولتی به طور بالقوه فراهم شد».

این کارشناس افزود: «اگر به وجود جامعه مدنی آزاد و فعال به عنوان یکی از ارکان حاکمیت دموکراسی در جامعه نگریسته شود بی‌تردید نهادهای مربوطه خصوصاً سازمان‌های غیردولتی از اجزای اجتناب‌ناپذیر آن محسوب می‌شوند».

گروه داخلی - یک مقام وزارت امور خارجه خواستار مساعدت و همکاری وزارت امور خارجه و وزارت کشور برای توسعه فعالیت سازمان‌های غیردولتی داخلی در داخل و خارج از کشور شد.

به گزارش ایرنا، پیروز حسینی مدیرکل امور اقتصادی و تخصصی بین‌المللی وزارت امور خارجه که در همایش تقویت نهاد‌های مدنی و سازمانهای غیردولتی در وزارت امور خارجه سخن می‌گفت، ضمن اشاره به اهمیت سیاسی و بین‌المللی این سازمانها گفت: «در ادبیات جدید سازمان ملل هر کشور باید دارای سه رکن باشد، دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی».

وی سازمان‌های غیردولتی در ایران را از نبود قانون مشخصی در ارتباط با خود در رنج دانست و دستیابی آنها به مقرراتی هماهنگ‌تر در ارتباط با فعالیت و نیز حمایت از آنان به عنوان نهاد‌های مدنی را ضروری توصیف کرد.



آن که تهرانی شلیدیا آزار و شکنجه می شود، اما هیچ حالت ترس یا اضطرابی در او مشاهده نمی شود و القاکر هیچ حسی به تماشاگر نیست.

قرمز دومین تجربه جیرانی در مقام کارگردانی پس از فیلم «صعود» است که البته جیرانی با آن گامی به عقب برداشته است. فیلم قرمز نمونه جدیدی جدید. جیرانی هیچ چیز جدیدی به غیر از نام فیلم و تبلیغ ویژه، در سینما ارایه نکرده است. ضعف جیرانی در این است که برای فیلمی که ادعای روان شناختی دارد زمینه های روان کاوانه ایجاد نکرده است و این موضوع تکراری را با شخصیت پردازی غلط بسیار بد و ابتدایی به کسالت بیشتری می رساند.

فیلم قصد دارد قصه زنان موفق را بیان کند که از سوی مردان مستبد از حق خود محروم می شوند و همچنین راه حمایت از این زنان را بیان می کند؛ انتقام همان موضوع معروف فیلمفارسی ها. باید قبول کرد که انتقام آن هم به این شکل دیگر در بین سینمادوستان و عوام مردم تأیید نمی شود.

مسلماً قرمز به فروش قابل توجهی می رسد. البته با توجه به بازیگران فیلم و خلاهایی که قرمز از آن ها استفاده کرده است. اما باید دانست کمیت فیلم بر کیفیت کار هرگز چیزی نخواهد افزود و نمی توان از آن به عنوان سرپوشی برای کاستی های فیلم استفاده کرد.

در پایان باید نوشت که قرمز برای جیرانی تلاشی است کاملاً نافر جام.

تنها نقطه مثبت فیلم که آن را قابل تحمل می کند موسیقی فوق العاده زیبا و هنرمندانه بابک بیات است که در تمام سکانس های حسی با زبانی القاکر و لحنی اندیشمندانه از عهده تأثیرپذیری خود بر بیننده بر می آید. خلاصه می توان گفت که برای لذت بردن از فیلم باید چشم ها را بست و فقط گوش ها را کار گرفت.

بدون دلیل به هستی حمله کرده و او را بیهوش می کند؟ علت اختلاف منیر با هستی برای تماشاگر مشخص نمی شود. اما در اینجا عامل اصلی تحریک ناصر علیه هستی او است. منیر که البته باید اذعان داشت با ناصر روابط خوبی دارد، چگونه با کوچکترین تندی ناصر از کوره در می رود؟ نقش منیر در فیلم بسیار کم رنگ و کنگ است. در این سکانس ناصر به موجودی خشن و بی رحم تبدیل می شود که همسرش را به شدیدترین شکل شکنجه می دهد و این رفتار بدون هیچ پیش زمینه ای در ناصر نمود پیدا می کند.

در نماهای قبلی، هستی قصد جدایی از ناصر را داشت. در حالی که در این سکانس ناصر او را اذیت می کرد تا به طلاق راضی شود و اگر ناصر قصد داشت هستی را به علت خیانت طلاق دهد پس چرا این موضوع را در دادگاه مطرح نکرد؟ و چرا مصرا نه قصد ادامه زندگی با هستی را داشت؟

ناصر که پس از کشتن منیر به خارج از کشور می گریزد، چگونه به آسانی و بدون هیچ مانعی به کشور باز می گردد؟ چرا دادگاه با وجودآنکه از فرار و بازکشت ناصر اطلاع دارد هیچ اقدامی نکرده است؟ و چرا از هستی حفاظت نمی کند؟ اما در لحظات پایانی، فیلم قصد القای حس مذموم انتقام را دارد. هستی که از طلاق صرف نظر کرده است در خانه فقط انتظار ناصر را می کشد تا او را بکشد. از طرفی ناصر هم با وجود اطلاع از چیزی که انتظار آن را می کشد به خانه خود بازمی گردد و جالب تر اینکه او به یک تفکر شبه بودیسم نیز رسیده است اما علت پیدایش این تفکر در وی مشخص نیست و همچنین اینکه چگونه ممکن است یک فرد روان پریش به این مکتب اعتقاد پیدا کرده باشد. علاوه بر تمام این ضعف ها بازی بدون حس هدیه تهرانی در نقش هستی است. بدترین بازی او در این فیلم در همان زیرزمین خانه است. در این صحنه با

نگاهی

به فیلم قرمز

کلیشه‌ای قرمز رنگ

مصطفی شعبانی



ناصرملک همسر دوم هستی مشرقی و ناپدری طلا است. ناصر به همسر خود سوءظن دارد و همسر خود را آزار می کند. تا اینکه هستی به دادگاه شکایت می برد تقاضای طلاق می کند که با دلجویی ناصر، هستی از این کار منصرف می شود. به دنبال آن «هستی» از کار خود که پرستاری است به مدت یک سال مرخصی می گیرد اما ناصرکه بیماری روانی است باز او را شکنجه می کند و برای دومین بار هستی به دادگاه شکایت می کند و ناصر دیگر کاری از پیش نمی برد تا با گروگان گرفتن طلا او را به خانه پدري دعوت می کند در آنجا به تحریک منیر خواهر ناصر او هستی را شکنجه کرده و سپس منیر را می کشد و به خارج از کشور متواری می شود. اما دوباره به ایران بر می گردد و در خانه خود با هستی که منتظر او می باشد درگیر شده و سرانجام ناصر به دست هستی از پا درمی آید.

موضوع کلیشه ای قدیمی است: مردی شکاک به همسر خود سوءظن دارد و او را مر تب آزار و اذیت می کند. ترکیب زوج هستی و ناصر واقعا عجیب است: هستی پرستاری است موفق و افکار و آرمان های یک زن امروزی را دارا است. در حالی که همسر او ناصر تاجری است با افکار و خلق و خوی مردسالارانه که گویا بیماری روانی نیز دارد و چگونه این دو در کنار هم قرار گرفته اند پر سشی است که تا پایان فیلم پاسخ داده نمی شود هستی به چه دلیل با ناصر ازدواج کرده است؟

با اینکه سوره فیلم بدبینی ناصر نسبت به هستی در برخورد با مردان غریبه است، در هیچ صحنه ای نمونه ای از این برخورد دیده نمی شود و این کاستی تا پایان بر فیلم قرمز سایه افکنده است. در صحنه ای که هستی اولین بار به دادگاه می آید یک زوج خبر نگار ناگهان در مقابل او ظاهر می شوند و از او در مورد طلاق سؤال می کنند، گویی این زوج از مدت ها قبل منتظر ورود هستی بوده اند. همچنین

نگاهی به فیلم «مصائب شیرین» ساخته علیرضا داوودنژاد

شیرینی خانگی

حامد صرافى زاده

بعد از سادگی، تأثیر گذاری و غافلگیرکنندگی «نیاز» نمایش ندان «خلع سلاح» و جدی قلندادنشدن «عاشقانه» با اثری جذاب، شیرین و تا اندازه ای مبتکرانه از علیرضا داوودنژاد روبه ر هستیم. جذابیت «مصائب شیرین» نه فقط به خاطر داستان جسارت آمیز آن و نزدیک شدن به خطوط قرمز بلکه همچنین به خاطر روایت خاص داوودنژاد از این قصه است. در بیشتر قصه های عاشقانه، همیشه تلخی عدم وصال،

یا مشکلات و مرارت هایی که عاشق و معشوق برای رسیدن به یکدیگر به آن دچار می شوند، بر شیرینی و ملاحظتی که در این عشق ها جریان دارد غلبه می کند. اما روایت طنزآمیز رضا داوودنژاد از این داستان، در حقیقت شرحی از طنزی است که بر زندگی گروهی از ما جریان دارد. واقعیتی (طنزی) که همه ما ندیدن آن را بر خود تحمیل کرده ایم.

دیدگاه متفاوت داوودنژاد به مسئله ای که یکی از مهم ترین دغدغه های ذهنی جوانان ما را تشکیل داده، آن را تبدیل به بازی کودکانه ای کرده است که شادی و سرخوشی بازیگران و تماشاگران از آن نشأت می گیرد. از طرفی نشاط تماشاگران به هنگام تماشای فیلم به علت یادآوری خاطراتی است که در ذهن آنان بازخوانی می شوند. خاطراتی چون: عشق های کودکانه جوانی، مهمانی های خانوادگی، آدم هایی که سعی در گرم کردن این مجالس با تار و تنبک دارند. آدم هایی چون «دایی شجاع» که آشکارا همه این بندوسناطها - و اصولاً هر هنری را (نگاه کنید به برخورد وی با سینما) - جز مطربی نمی داند و با پرداختن به شطرنج سعی در بهیج گرفتن این جماعت شاد دارند، آدمی چون پدر رضا که احساسات خود را (چه خشم، چه شادی) در همه جایی واسطه بروز می دهد، مادربزرگی که مدام ناراحت احوال فرزندان خود است، یا جماعتی که سعی می کنند ناراحتی ها و دغدغه های خود را در جمع به هیچ بگیرند (مثال بهتر این جماعت را در خانواده «دایی لیلیا» در فیلم «لیلا» ساخته داریوش مهرجویی، دیده ایم)، شاید با دیدن این فیلم گروهی از ما بیش از هر چیزی یاد خود یا اطرافیان خود می افتیم. داوودنژاد تا اندازه ای سعی کرده است تا ما را به خود ما نشان دهد.

دارد برای رضا همیشه خروشان، پرتلاطم و ابری و برای پدر او آرام، ساکن و آفتابی است) به جایی می رسد که می بینیم پدر رضا و مادر مونا هنگام درددل فرزندان خود یا به خواب می روند یا از خستگی خود را به خواب می زنند. در این زمینه داوودنژاد شیوه تربیت سنتی را نیز به نقد کشیده است. صحبت های مادر بزرگ در آشپزخانه که مجبور است حرف های همیشگی را تکرار کند و مدام فاصله اجاق گاز تا یخچال را طی کند (انگار نه می خواهد و نه می تواند از این ذهنیت قدمی ختی تماشاگر خود را نیز به سفره رضا که می گوید «می خوام جلوی

مردم سرما بخورم» و به واقع نگرش عمو می را زیر سؤال می برد یا نگرش مادر مونا و رضا به امیر (کوچکترین فرد این خانواده) که به غلط او را موجودی نفهم و بیجه تصور کرده اند و او را به کارهای خستگی خود را به خواب می زنند. در این زمینه داوودنژاد شیوه تربیت سنتی را نیز به نقد کشیده است. صحبت های مادر بزرگ در آشپزخانه که مجبور است حرف های همیشگی را تکرار کند و مدام فاصله اجاق گاز تا یخچال را طی کند (انگار نه می خواهد و نه می تواند از این ذهنیت قدمی ختی تماشاگر خود را نیز به سفره رضا که می گوید «می خوام جلوی

طنز داستان داوودنژاد

در بخش هایی

شیرینی خود را از تلخی پنهان

خود وام گرفته است

اشاره مستقیم او

به فاصله بین نسل ها در هر

خانواده

جلوه بارزی پیدا کرده است

دیگری نمی آیند، تعهد گرفتن معلم مونا از او نیز نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه به تنش موجود می افزاید (مقایسه کنید با واکنش معلم رضا فارغ از نسبت های خانوادگی).

در بخش هایی از این داستان تلخی آن چنان آشکار است که دیگر کاری از دست طنز بر نمی آید. توجه کنید به صحبت های مادر بزرگ و مادر مونا در جایی مثل قبرستان که از تصمیم گیری برای آینده این دو

پیش می رود که میله ها به سیم خاردار تبدیل می شوند. جالب آن که در پشت آن سیم خاردار منطقه ای را بدون هیچ نشانه مشخصی از سبزی و گیاه می بینیم (آینده ای مهیم).

استفاده داوودنژاد از فرم «فیلم در فیلم» در این اثر کارکرد چندگانه ای پیدا کرده است:

الف - استفاده راحت تر از بازیگران غیر حرفه ای (جزر محمدرضا داوودنژاد) که بدون هیچ اغراقی نقش های خود را به بهترین وجهی بازی (زندگی) کرده اند، افزون بر وجهه بداهه پردازانه آن.

ب - برخلاف فیلم «ابر و آفتاب» سینما که آنجا مانع وصال پیرمرد به همسرش شده بود سعی در ایجاد ارتباط، صمیمیت و راهی برای نزدیکی بیشتر آدم ها کرده است.

ج - این فرم همچون منگنه ای این خاطرات و این بخش های پراکنده داستان را به یکدیگر مربوط و در قالبی واحد به تماشاگران خود عرضه می کند.

د - با این قالب داوودنژاد خیلی راحت تر می تواند با فیلمی که ساخته است و نیز خود سینما شوخی کند (نگاه کنید به علامت ایضا که مدام در تیراژ تکرار می شود، یا حرف یکی از اعضای خانواده: «زندگیم رو در اختیارشون گذاشتم تا سینما پیشرفت کنه!»).

استفاده داوودنژاد از بداهه نوازی نیز در همین ارتباط است. حضور دایمی موسیقی در بیشتر صحنه ها حکایت نوایی است که بر زندگی هر کدام از ما حاکم است. او سعی کرده است وضعیتی که هر کدام از شخصیت ها به آن دچارند، اعم از شادی، غم، خشم، تنفر، آسودگی و... را با موسیقی عینیت ببخشد.

صحنه پایانی فیلم مثال خوبی است: گروهی از نوازندگان با سازهای مختلفی چون دف، تار، گیتار به همراه فهرمانان داستان دور آتش گرد نشسته اند. در این داستان و در این دنیا هر کسی مسائ را از دید خود نگاه می کند و هر کسی بدون هماهنگی با دیگری ساز خود را می زند اما در انتها، همه این نواها به یک تم و یک هارمونی به نام «زندگی» ختم می شوند. این زندگی شیرین به آن مصائب می ارزید. امتحان آن ضرری ندارد.

